



### سخن امام

راهنمای

مستضعفین

صفحه ۲  
صفحه ۲۴

### خط سرخ انقلاب از کربلا به قدس است

صفحه ۵

از قتل زعفران تا بیروت

به مناسبت سالگرد مقاومت "تل زعفران"

آرمان شیعه

واشک مظلوم

صفحه ۲

قَارِعَ الْعَسْرِ نَبِيًّا  
إِنَّمَعَ الْعَسْرِ نَبِيًّا

# لا محب هـ

در راه خدا قبرش در بهشت است  
نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران  
سال اول، شماره ۹، یکشنبه ۲ بهمن ۱۳۶۱  
به شماره ۶۰ ریال

## کربلا، طریق القدس،

و

## بلوای رمضان سبزوار

بنام خدای شهیدان

در شماره ۳ "راه مجاهد" به علت بهم بودن بلوای سبزوار، سرقاله نشریه به "ماهیت بلوای سبزوار" اختصاص یافت.  
در بلوای اول سبزوار در شرایطی که خط بنی صدر رجوی فلسج اقتصادی و ترور انقلابیون بود به بلوگران سبزوار به مدت یک هفته بازار و خیابان ها را به تعطیل کشاندند و اقتصاد شهر را فلج نمودند و حتی سعی داشتند نانوائی ها و مجالس عزاداری "امام حسین" را هم به تعطیل بکشانند و در حالی که امام خمینی در اول ماه محرم توصیه کردند که مجالس عزاداری به قوت خود برگزار گردد.  
مردم بی گناه و بی خبر که موقتاً بوسیله دستهای مرموز سازمان یافته بودند به مقر فرمانداری و سپاه حمله کرده و قصد اشغال آنجا را داشتند.  
بلوگران بظاهری خواستند فرمانداری و سپاه را از گروهبانان کسب کنند و شعار تنبیه فرمانداری و سپاه را از گروهبانان دادند. بعد از سایان بلوای روحانی شهر اعلامیه های صادر کردند که در آن گفته شد به گروهبانان در ارتقا نماندگی ندارند.  
بلوای اول (محرم) همزمان بود با طرح خائنانه "نهد" علیه انقلاب اسلامی ایران و انقلاب فلسطین.  
بلوای محرم مصادف بود با آغاز عملیات طریق القدس که امام آن را "فتح الفتح" و پیروزی به نفس نامیدند.  
توطئه های بود که این بلوای سراسری شود ولی اعلام بسیج آیت الله منتظری به مناسبت مخالفت با طرح نهد و همچنین بسیج ناشی از تشییع جنازه های طریق القدس این توطئه را موقتاً خنثی کرد و از هان و امتوجه اسرائیل و صدام نمود.  
در بلوای اول مردم شعار "مرگ برمیثی" میدادند در حالی که نمایی داشتند "میثی" کیست و برخی روستائیان بر این تصور بودند که "میثم" همچون سنگ سفید، طرز، کوشکباغ، یکی از دهات اطراف سبزوار است. متأسفانه برخی از برادران سپاه سبزوار هم شعار "مرگ برمیثی" را تکرار میکردند و ناآگاهانه تابع و عرض بلوگران شدند. آنها نمی دانستند که خط بلوگران این است که نیروهای اسلامی و انقلابی را از هم جدا و منزوی کرده و تک تک آنها را سرکوب نمایند. بلوگران شعار "مرگ برمیثی" را مستسکی قرار دادند.  
برای اینکه موضع خصمانه خود را علیه نهاد های پیشوایانند. عده ای از برادران هم، هم خود را مصروف مبارزه و متلاشی کردن برادران نهضت مجاهدین کردند که چون با واقعیت نمی خواند و عمل صالحی نبود در این راه عوامل بلوای سبزوار بدست فراموشی سپرده شدند.  
بقیة صفحه ۱۸

سازماندهی و مکتب (۴)

## "تسلیم یا تحلیل"

صفحه ۴

## الفتح، مجاهدین، حزب جمهوری اسلامی

توطئه جوهرکشی خزند

صفحه ۶

## انسان عاشق

صفحه ۱۰

## راه رشد انقلاب پیوند با قبائل

## مستضعف در بلوچستان

بررسی طیفهای ضد انقلاب در بلوچستان

صفحه ۲۸

## بیاد خواهر مجاهد

## شهید فاطمه امینی

صفحه ۲۸

# سازماندهی و مکتب

صفحه ۳

ایجاد اشتیاق و اساس حرکت یک فرد بایک سازمان

تونه گیری از قرآن

## البراهیمین

عصیانگر صفحه ۸  
همیشه تاریخ

شماره ۸

فرازهایی از زندگانی و شبوه های

## مجاهد شهید علی اکبر توکلی

صفحه ۱



صفحه ۱۳

سپهری در روش شناخت امام خمینی

## لقاء الله

صفحه ۷

## علامه نائینی

واقعات مشروطیت

صفحه ۱۱

## ارسی تبر تا ۲۸ مرداد

قسمت دوم - ۲۸ مرداد

صفحه ۲۱

مطالب این شماره:

سرقاله:

کربلا، طریق القدس و بلوای رمضان سبزوار

سخن امام راهنمای مستضعفین

\* ایدئولوژیک:

سپهری در روش شناخت امام خمینی لقاء الله

ابراهیم، عصیانگر همیشه تاریخ

\* انسان عاشق

\* دعا

\* استراتژیک:

خط سرخ انقلاب از کربلا به قدس است

سازماندهی و مکتب (۳) و (۴)

\* سیاسی - استراتژیک:

الفتح، مجاهدین، حزب جمهوری اسلامی و توطئه جوهرکشی خزند

\* خیرنامه استراتژیک

برای آزادی قدس، کربلا، هرملتی چیست؟

\* از قتل زعفران تا بیروت

\* علامه نائینی و انقلاب مشروطیت

\* از میرزا رضا کرمانی تا انقلاب اسلامی

\* جنگ جهانی سوم

\* سالگرد اولین نماز جمعه

\* از ۳۰ تیر تا ۲۸ مرداد - قسمت دوم

\* پیوند با قبائل مستضعف بلوچستان

\* استقلال اندونزی و درس از مرحوم سوکارنو

\* فرازهایی از زندگی شهید علی اکبر توکلی

\* بیاد خواهر مجاهد، شهید فاطمه امینی

\* آرمان شیعه و اشک مظلوم

# استقلال آزادی جمهوری اسلامی



# سخن امام راهنمای مستضعفین

جمهوری اسلامی ۶۱/۳/۲۴  
۰۰۰ اینها مصیبت نیست که بر  
اسلام وارد است که یک جمعیت  
فداکاری خواهند برونند باد شمن  
عرب و باد شمن اسلام، باد شمن  
حرمین شریفین، باد شمن همه  
منطقه جنگ بکنند، خودشان که  
نشستند بی تفاوت هستند، بلکه  
موافق هستند با اینها از ما رشوه  
می خواهند که راه بهشون بدید  
که اینها را برونند آنجا برای آنجا  
جنگ بکنند ۰۰۰

را بکنید حیثیت جمهوری اسلامی  
در دنیا لکه آری شود و شما حافظ  
ایمسس حیثیت هستید و فریضه  
است برای شما حفظ حیثیت این  
جمهوری اسلامی ۰ شما می بینید که  
امروز همه قلمها و همزمانها از اسیر  
قدرت های پاد و لشکری مرتب به آنها  
برضد این جمهوری اسلامی تجهیز  
شدند و همه با یک رویه خاص عمل  
میکنند ۰ ما دیگر بهانه بدست آنها  
ندیم ۰ هر روزی که ما  
نمیدیم که این کشور را یک دسته از  
این افسران که روحانی نیستند  
آنطوری که خدای تبارک و تعالی  
فرموده است اداره میکنند آنسای  
خانهای تشریف می برند سراسر  
شغل روحانی بزرگ خودشان  
و نظارت بر امور ۰۰۰ ما اینطور  
نیست که هر جای کلمه ای گفتم  
و دیدیم که مصالح اسلام حالا  
آمدیم دیدیم این جور نیست است  
کردن بودیم بگویم ما را شمشیر  
خودمان بساطی هستیم ۰ ما هر  
روزی که گفتم دیدیم این کلمه ای که امروز  
گفتم اشتباه بود موقعا عدلها این  
است که یک جور دیگر عمل بکنیم  
اعلام می کنیم آقا این را ما اشتباه کردیم  
باید این جور بکنیم ما دنبال مصالح  
هستیم نه دنبال بیشتر خودمان  
۰۰۰ اگر در میلیون احتمال یک  
احتمال بدیم که حیثیت اسلام  
بودن فلان آدم یا فلان قشر در خطر  
است ما ما موریم که جلوش را بگیریم تا  
آقادی که میخواهند هر چه به ما  
بگویند ۰۰۰ آمریکا است که ما  
و ملت ما نسبت به لبنان حساسیت  
داریم و نسبت به اسرائیل هم از آن ور  
حساسیت داریم این دام را آمریکا  
درست کرد یعنی آن نوکر خودش را  
فرستاد به اینکه حمله کند به لبنان  
۰۰۰ آنها به دنبال این هستند  
که صدام را در این طرف سرجمای  
خودش نگه دارند و ایران را که در  
نظر آنها خیلی اهمیتش بیشتر  
از لبنان و جاهای دیگری است  
برای آنها محسوس بماند ۰۰۰  
در این توطئه ما هم یک قدری بازی  
خوردیم ۰۰۰ یعنی هم گویندگان  
ما در سر تاسر کشور و همه ائمه جماعت  
ما در سر تاسر کشور این مسئله را  
بگویند که ما باید از راهی که شکست  
عراق است به لبنان برویم، نگذاریم  
عراق سر جای خودش بایستد و جمع  
کند قدرت خودش را و دیگران هم به  
او کمک بکنند ۰۰۰ ما می خواهیم  
که قدری رانجات بدیم لکن بدون  
نجات کشور عراق از این حزب  
منحوس نمی توانیم، ما لبنان را از خود  
بیداریم لکن مقدمه اینکه لبنان را ما  
نجات بدیم این است که ما عراق  
زانجالت بدیم ما مقدمه را بپوشود  
رهان کنیم و بخود برویم سراسر  
ذی المقدسه ۰

کدام پیروز نشد در سطح معنویت  
اینهایی توانند اصلا تصور کنند که  
کشور چهل میلیونی چطور متحول  
شد است بیک چیزی که جوانها  
- ایشان را میدهند و گریه میکنند که  
کاشکی یکی دیگر هم داشتیم ۰  
دست و پایشان را از دست  
دادند و تاثرشان به این است که  
من ندانم باز بروم ۰

کیهان ۶۱/۴/۱  
۰۰۰ آبروی جمهوری اسلامی به  
دست شما بسته است اگر خود ای  
نخواست یک دخالت های بیخود و  
بی جا، یک کارهایی که از روحانیون  
صحیح نیست انجام بدید، این  
جمهوری اسلامی لکه آری میشود ۰  
دولت باید به قدری خود را قوی  
باشد و امروز دولت، دولت اسلامی  
است و سر همه ماها فریضه است  
که از این دولت اسلامی پشتیبانی  
کنیم ۰۰۰ ائمه جمع بلا، نصب  
و عزل نکنند و کسانی که در زمین ارتش  
و پاساژها و کارگاهها، انجمن های اسلامی  
دارند، اینها دخالت های غیر  
چیزهایی که عهد آنها نیست  
نکنند، ارشاد بکنند، دولت  
را ارشاد بکنند، ما درین دولت را  
مستقیما "عمل نکنید، ارتش بکنید  
همراه نظر ارشادی داشته باشید  
۰۰۰ مستقیما "بخواهید این کار

راه مجاهد: کسانی که به این امر  
توجه ندارند و بزرگی انقلاب اسلامی  
را نمی فهمند ۰  
۰۰۰ ما میگوئیم شما بدون قید و شرط  
بباید بیرون بروید، اگر هم بیرون  
نروید، بیرونتان می کنیم ۰۰۰ شما  
میگوئید که شرط اینکه شما بیاید از اینجا  
رد شوید این است که صلح بشود و  
هرچی که ما کردیم دیگر هم مایس  
معنی صلح است؟ این معنای راه  
دادن است؟ شما معلق می کنید  
راه دادن را به چیزی که نشود ۰

در ظرف یک مدت بسیار کم متحول  
کرد بیک مقامی که آنهایی که  
پنججاه سال زحمت کشیدند و نرسیده اند  
به آنجا که غیر از خدا اصلا هیچ  
چیز نخواهند و شهادت را اینطور  
طالب باشند ۰ اینطور شهادت را  
در برگیرند ۰۰۰ این تحول  
تحویلی است که شوق و غریب  
نمی توانند بفهمند ۰ آنها هر چیزی  
می توانند بفهمند ۰ همین در سطح  
مادیت اشیا را از پایی میکنند که

بسم الله الرحمن الرحيم  
جمهوری اسلامی ۶۱/۳/۱۵  
۰۰۰ ما در زندگی خود در این  
انقلاب اسلامی چیزهایی دیده ایم  
و قبل از آن صحنه هایی دیده  
بودیم باور نکردنی و شوکت انگیز  
از دوره افتادن رضاخان در تکیا  
و شمع روشن کردن تاققرآن طبع  
نمودن محمد رضا و احرام حج  
بستن از عابد و زاهد و مسلمان شدن  
صدام تا اسلام شناس شدن کارتر  
و تابه حکم جهاد مسلمانان علیه  
ایران تهدید کردن بلندگوی بگین  
ورنگان و شاید اگر زندگی او امیدوار  
کند اینان را در صفهای جماعت  
و محراب عبادت ببینم ۰۰۰

## آرامش شبیه، اشک مظلوم

امام حسین (ع) بودند (۲) و مسلما "چنین حالتی پیدا  
کننده نفس و نهضت آفرین است ۰ در طی عزاداری به  
امام حسین (ع) عشق می ورزند و وقتی بیرون میروند  
به فکر انتقام خون حسین (ع) می افتند ۰  
بدین ترتیب سخن از مظلومیت شیعه و آرمان شیعه  
اشک آور است و این اشکها سیلی را ایجاد میکند که  
خروشنده خود سدها و موانع را ازین می برد ۰  
ملت حماسه، مصلحت گرسه  
در کنار تبیین امام از عزاداری و دخیل فکری دیگر نیز  
وجود دارد ۰ یکی از آنها جریان غریزده است که از موضع  
روشنفکری، این گریه ها را عملی بپوش میداند ۰ اینها از  
آنجایی که انسان را خوب نشناخته اند نمی توانند رسط  
گریه یک انسان را در طلب را با مبارزه قهر آمیز  
اود را آورند و تنها به شکل مبارزه اصالت میدهند ۰ بقول  
امام خمینی " اینها هنوز معنای گریه را نفهمیده اند اگر  
نفهمید بودند به ماملت گریه نمی گفتند، ملت حماسه  
می گفتند ۰ " اینها نمی دانند که کرب و ایلا مدرسه ای است  
برای عشق و شهادت و حماسه ای است از خون و قیام  
و استقامت و مسامد کربلایک در جای از این قیام و  
استقامت و شهادت را در رفته بی پداری نماید آنگاه  
این شعارها شعوری میشود و شعورها به عمل تبدیل  
میکرد و کاخ ظلم را از نیاید بری افکند ۰  
جریان دیگر ایجاد کردن دین از سیاست، می گویند

بنام الله پرورش دهند " حسین مظلوم  
سازماندهی و گرسه :  
" ۰۰۰ " اینک برای عزاداری، برای مجالس عزاء برای  
سوخه خوانی، برای اینها اینهمه صواب داده شده است  
علاوه بر آن امور عبادی، روحانی، یک مسئله مهم سیاسی  
در کار بود است ۰۰۰ در آن وقت برای سازمان دادن بر  
فعالیت سیاسی این اقلیت (امامت شیعه) یک راهی  
درست کردند که این راه (عزاداری) خودشان سازمانده  
است ۰۰۰ " امام خمینی (۱)  
عدل طلبی و گریه برای استضعاف  
عدل طلبی توده های آنها اجازه نمی دهد که  
ببینند اماشان بدست یزید ۰ میان شهید شده و موضع  
اعتراض آمیز و غضب آلود نگینند یا اینکه ببینند آنها از  
رساندن آب هم مضایقه می کنند ۰ همه کسانی که برای امام  
حسین (ع) گریه می کنند روی مظلوم واقع شدن اسام  
حسین وحدت دارند و گریه شان بیانگر مظلومیت شیعه  
و اعتراض به دشمن است ۰  
عزاداری و قیام  
از آنجا که استمرار ظلم به امام حسین (ع) را می بینند  
که گریه انگیخ خودشان هم هست، بطور طبیعی  
تشکلشان برای ذکر مصیبت عزاداری به شکل اعتراض  
و درگیری تبدیل میشود ۰ بطوری که در طی جلسسه  
عزاداری و بعد از آن آرزو میکنند که ای کاش جزو مبارزان

راه مجاهد: خط تبلیغاتی رجوی  
بختیاره بنی صدر و امیرالینم خبری  
این است که ایران از اسرائیل اسلحه  
خریده تا زمینه را برای حکم جهادی که  
اخیرا " آل سعود علیه انقلاب  
اسلامی داده و فراهم کنند ۰  
کیهان ۶۱/۳/۱۷  
۰۰۰ همانطوری که پیغمبر  
استقامت و مقاومت ما موراست هر کس  
که همراه ما است و با ما گریه ما است  
ما مورست او استقامت کند ۰  
" فاستقم كما امرت ومن تاب معك "  
اطلاعات ۶۱/۳/۲۳  
۰۰۰ این مسئله ای که آن اشخاص  
که در صد د تهذیب هستند  
در صد د تزکیه نفس هستند، پنجاه  
سال زحمت بکنند، بعد از زحمتها  
- می فراوان پنجاه ساله بیک  
مقامی میرسند و این جوانها  
را خدای تبارک و تعالی آنطور

# سازماندهی و مکتب (۳) ایجاد اشتیاق اساس حرکت یک فرد یا سازمان

بنام خدا ای شهیدان  
مقدمه : در شماره های گذشته بحث سازماندهی مکتب و ابتدا مطرح کردیم که بهترین وسیله تقرب به خدا تشکل الهی است . تنها مبنای تشکل الهی و صحیح یا "امت واحد" ایمان به خدا و وحدت و نظم واحد است و انسجام و وحدت و یقین تشکیلات وابسته به این است که خدا ای واحد مبنای کاره هدف و نهایت حرکت باشد . بدون چنین تشکلی رشد و کمال انسان امکان پذیر نیست و هر کس در هر جا باید در صد ایجاد و بیوند با چنین تشکلی باشد . ضمناً هر چه انقلاب عمیقتر میشود و تشکلی آن بیشتر میگردد ، در چنین تشکلی لازمه و فطری تر و امانتی تر میگردد . در مرحله بعد به بررسی نحوه دستیابی به چنین تشکلی پرداختیم و گفتیم که با قبول اینکه اصول فطری و یقینی است ، توده ها قادر به انتقاد به مرکزیت و تشکیلات خواهند بود و به این ترتیب تشکیلات به عنوان وسیله تقرب به خداوند سلامت خود را حفظ خواهد کرد . "گروه محوری" و "اصالت تشکیلات" و "سازمان خدایی" مطرح نخواهد شد . در بررسی تشکیلات غیراسلامی و (نمونه های شوروی و چین) ، به این رسیدیم که در اینگونه تشکیلات ، وظیفه تشکیلات علیرغم ادعای ظاهر خودشان ، در این اصول به توده ها است . در نتیجه توده های کسی که اصول تشکیلات را از مرکزیت می گیرند ، بدون تشکیلات از خود چیزی نداشته و در نهایت به اصل تشکیلات و دیکتاتوری می رسند . در بررسی ملاکهای رهبری در آیات سوره یس دیدیم ، با این ملاکها قادر به شناخت امامت برحق خواهیم بود . "اتبعون لایسئلكم اجرا" هم مهتدون . اینها ملاکهای هستند که هر انسانی در هر سطحی آنها را درک می کند و می تواند بوسیله آنها امامت را بشناسد و از آنها تبعیت کند که این تبعیت ، تبعیتی آگاهانه و بدنیال تسلیم به خدا و قرآن است و علاوه بر اینکه تسلیم و اتعیت برتری می شوم این تسلیم آگاهانه بود و تمام لحظات آگاهانه بدنیال امامت میرویم و تنها راه رشد انسانها نیز همین است . ما رسالتی داریم که این مسئله را در هر لحظه ای بگویم که توده ها ملال دارند و توده ها اصول دارند و اصول فطری و یقینی هستند .

حال میرد از بعد نبیالبعثت :  
ایجاد شوق اساس تحریک یک فرد یا سازمان  
معضل عمده های که در سازماندهی ، چه قبل از سال ۵۰ و چه بعد از آن حتی بعد از انقلاب برای عناصر

زمنده وجود داشته و ارد این بود که اساس تحریک فرد و سازمان چیست ؟  
مرحوم حنیف نژاد می گفت : ممکن است به کسی دستورید هم که فلان کار را بکن و فرد مذکور هم با کراه قبول کند ولی او این کار را انجام نخواهد داد و یا اگر انجام دهد ، کار را خراب خواهد کرد و در نهایت هم خودش قادر به انجام رساندن مسئولیت تا پایان کار نبوده و اصطلاحاً "می برد" . سپس نتیجه می گرفت که کار باید از ایمان فرد در آمد باشد و با آن کار وحدت داشته و احساس رشد کند . البته باید یاد آوری کرد که نه باید بگذارد که فرد خودش برسد و به فرد اصلت در هم و نه اینکه بدون در نظر گرفتن زمینه های درونی فرد به تشکیلات اصلت دهیم و دستورات یکطرفه صادر کنیم . پس باید چه کرد ؟ برای حل این تضاد ، در یک برخورد تنگاتنگ جمعی با افراد عمل صالحی را که باید انجام شود ، به شکل اجمالی مطرح کرد و آنگاه افراد با توجه به زمینه ها و سلیقه های مختلفی که دارند برای انجام آن عمل صالح داوطلب میشوند . آنگاه تشکیلات مسئولیت انجام عمل صالح را به عهده چنین فرد داوطلبی می گذارد . تا وحدت فرد با مسئولیت خود تضمین کافی بدست بیآورد و در هر لحظه ای از انجام کار احساس لذت می نماید و مشکلات و موانع را برایش آسان میگرد .

ایجاد شوق و نیاز و مشکل را از سازمان حل میکند .  
الف - تحقق وحدت فرد با مسئولیت  
ب - حل مشکل امنیتی  
الف - این رویه تشکیلاتی سازماندهی در تشکیلات بر اساس "ایجاد و تشدید نیاز و اشتیاق" باعث میشود که فرد تا پایان مأموریت و مسئولیت رفته و آن را به بهترین وجهی انجام دهد . مثلاً "مرحوم حنیف نژاد روزی در کوه برای عد های مطرح کرد بود که رفتن به فلسطین دارای چه خصوصیات است و چقدر نیاز به این کار هست و یک عمل صالحی است . آن کسی که نیازش بیشتر بوده کار را قبول میکرد و خصوصاً با خود حنیف نژاد مطرح میکرد و تا آخر کار راهم خودش میرفت . . . .

ب - بودند افرادی که در خیل از فعالیت های مسلحانه شرکت داشتند ولی از آنجایی که در درون خودشان با مبارزه مسلحانه وحدت نداشتند آنگاه پس از دستگیری باعث ضربه و سو رفتن افراد و امکانات زیادی شدند . وجه مثبت آنها این است که آن فرد داوطلبی که حاضر میشود مسئولیت عمل صالح را قبول کند طبیعتاً "قادر به مقاومت هم خواهد بود و می توان مشکلات و اطلاعات تفصیلی تر را در مورد عمل صالح به او دید و بصورت مشکل امنیتی هم حل میشود و حداقل افراد از مأموریت با خبر میشوند پس کار را یاد آور میشوند که عمل صالح برای جمع بطور اجمالی مطرح میشود ولی برای فرد یا افراد داوطلب مشکل تفصیلی .  
شیوه \* ائمه اطهار (ع) در ایجاد شوق و نیاز :  
اگر ما به روایات و احادیث نگاه کنیم ، خواهیم دید که ائمه اطهار (ع) نیز همگی بر اساس شور و شوق یک نفر یا چند نفر به آنها مسئولیت میدادند . چرا که بموجب قاعده می توانی تعریف عاشورا در صحرائی کرد که امام حسین (ع) چراغها را خاموش کرده و ضمن معرفی عمل صالح ، میگوید هر کس نیاز دارد بماند .

خوردند ؟  
پاسخ این است که "شوق الی الله" می تواند فرد و تشکیلات را حرکت دهد و ضامن تدایم حرکت هم باشد . در سازمان هم شوق الی الله درون نظرت اعضا و شهدای سازمان بود ، و لسی از آنجایی که نقش خدا و فرشتات آن بطور سیستماتیک در آموزشها مطرح نشده بود ، سازمان ضربه خورد .  
کلاً "در جریانات زمانه و در نوع برخورد مطرح است . یک جریان عامل حرکتش خدا ای واحد و اشتیاق الی الله است که تحقق آن اشتیاق به امام زمان (عج) و امت واحد است که در طی حرکت مبارزه با عوامل کفر کننده حرکت یا امیرالایم و صهیونیسم راهم در بردارد .  
جریان دیگری هم هست که عشق به نابودی باطل عامل حرکتشان است . البته اشتیاق به نابودی باطل ، در صورتی که باطل واقعاً باطل باشد ارزش دارد ولی تداوم ندارد . مثلاً "برای بعضی از مجاهدین پیش می آمد که اگر مبارزه هدف باشد ، خوب مبارزه مسلحانه تظاهر امام زمان (عج) هست ولی بعد از آن تکلیف ما چیست و دیگری انگیزه ای نخواهیم داشت .  
بعضی ها مطرح کرده اند که علی (ع) را باید از معادیه شناخت چرا که بموجب قاعده می توانی تعریف الاشیاء باضدادها " باید انقلاب را از موضع دشمنان نسبت به انقلاب بشناسیم در حالی که علی (ع) را باید از خود علی (ع) و از درجه قریب به خدا شناخت و انقلاب را از خود انقلاب و درجه شوقش به سمت الله بسایند شناخت . شناخت امام خمینی هم باید با ملال حق و اشتیاق الی الله باشد . همه ظاهرینی هاهم از عدم شوق الی الله ونداشتن ملال است . مثلاً

بعضی ها میگویند راد یوا میرکا از انقلاب تعریف کرده پس سازش شده و با این دیدگاهی توانند انقلاب را تبیین کنند و ۰۰۰ در صورتیکه جوهر انقلاب را باید از وصیت نامه های مکتبی شهدا شناخت . همانطوریکه در شماره های گذشته هم بحث شد ، تفکری است که میگوید کار مرکزیت در بر . یا تشکیلاتی است که به توده ها اصول میدهد (در این شماره هم تحت عنوان سازماندهی و مکتب (۴) به تفصیل شرح داده شده) .  
تفکر دیگری هم در مقابل هست که میگوید توده ها خودشان میتوانند حرکت کنند و نیازی به تشکیلات و رهبری نیست و اصطلاحاً "به خلافت الهی عامه مردم" و "تعمیم امامت معتقد هستند .  
تفکر اول در عمل و در نهایت به دیکتاتوری و مرکزیت صرف منجر میشود و دیدگاه دوم همان لیبرالیسم در وجه تشکیلاتی آن است .  
از دیدگاه اسلامی ، از آنجایی که توده ها صاحب اصول هستند اساس حرکتشان نه بر دستورات سازمانی از بالا استوار است و نه خود بخودی است . بلکه حرکتشان بر اساس تشدید نیاز و اشتیاق است و وجود آنها از جانب رهبری می باشد . این همان است که ما به آن "ایجاد اشتیاق" میگوئیم . اساس حرکت تشکیلات الهی نه بر دیکتاتوری است و نه لیبرالی است ، بلکه رهبری عمل صالح را مطرح کرد و تا افراد اشتیاق به انجام کار پیدا کنند و هر کس نیازش بیشتر بود کار را قبول خواهد کرد .  
تضاد یا حرکت :  
بعضی میگویند تضاد عامل حرکت است و بعضی می گویند حرکت عامل تضاد است ولی در حکمت الهی مرحوم

اگر ما به روایات و احادیث نگاه کنیم ، خواهیم دید که ائمه اطهار (ع) نیز همگی بر اساس شور و شوق یک نفر یا چند نفر به آنها مسئولیت میدادند از جمله نمونه های معروف سب عاشورا در صحرائی کرد که امام حسین (ع) چراغها را خاموش کرده و ضمن معرفی عمل صالح ، میگوید هر کس نیاز دارد بماند .

حسین (ع) چراغها را خاموش کرده و ضمن معرفی عمل صالح می گوید هر کس نیاز دارد بماند .  
شوق الی الله عامل حرکت :  
حال سوالی مطرح میشود که اگر اشتیاق عامل تحریک فرد و سازمان است ، قبلاً در سازمان مجاهدین و کلاً مبارزین این شور و شوق وجود داشت پس چرا ضربه

تنها مبنای تشکل الهی و صحیح یا "امت واحد" ، ایمان به خدا و وحدت و نظم واحد است .

# سازماندهی و مکتب (۲)

## تسلیم یا تحلیل

بنام خدای شهیدان  
"تسلیم یا تحلیل"  
این روزها در جامعه ایستاده  
سئوالات مطرح است که آیا در رابطه  
بین امت و امامت "تسلیم" مقدم است  
بر "تحلیل" یا "تحلیل" مقدم است بر  
"تسلیم" و آیا واژه "تسلیم" معنای  
اطاعت کورکورانه میدهد؟ آیا  
"تحلیل" یک واژه قرآنی است  
فراق "تعلیل" یا "تحلیل" چیست؟  
برای شکافتن مطلب به دو نظام  
معرفتی اشاره میکنیم، که یکی به  
آگاهی اصالت میدهد و دیگری به  
فطرت خدا جو.

خود میدانند که به تودهای پیرو  
خود "جهانبینی" بدهند "آگاهی  
بدهند". در این نظام معرفتی  
توده ها گیرنده و معرفت  
نتیجه برده رهبران میشوند. در  
این نظام معرفتی توده ها همیشه  
عقبتر از رهبران هستند، چرا که  
همه چیز را باید از رهبران دریافت  
دارند، حتی اصولشان، فطرتشان  
و نیاز خدا جویشان را.  
در این نظام معرفتی رهبر همیشه  
رهبر است و پیرو همیشه پیرو است. مثل  
سازماندهی بعضی هیئت ها که  
چاپچی و همیشه چاپچی است و  
صاحب هیئت، همیشه صاحب هیئت  
و مرشد همیشه مرشد است. چاپچی  
حق رشد و ارتقا، به مرتبه بالاتر ندارد  
و با عبارتی در این نظام به رشد افراد  
توجه نمیشود و سکون و ثبات بر  
مراتب حاکم است.  
از آنجاکه در این نظام، رهبر از  
نظر آگاهی بالاترین مرتبه را دارد  
توده ها حق انتقاد به رهبر را به خود  
نمیدهند و همینوتیمن طول و عرض  
آگاهی رهبر میگردد. در چنین  
تشکیلاتی، اگر فردی از اعضای  
پائین به رهبر انتقاد کند، رهبر میگردد  
این معلومات را خود من بتو ادم و تو  
صلاحیت انتقاد رانداری و به ایمن  
ترتیب است که در این نظام معرفتی،  
خصلتها رشد میکند، بخصوص در افراد  
بالا.

اگر گفته شود، که همه توده ها خدا جو  
هستند و نیار نیست که کسی برای آنها  
خدا را اثبات کند، ما را بسخره میگیرند  
(رجوع شود بمقاله فطرت بازی نمیخورد  
راه مجاهد شماره ۷).  
آنکس که خدا را برای اعضا و  
شاگردانش اثبات میکند، عملاً "بجای  
"مری بودن خودش" "ب" میگوید  
یعنی به شاگردانش، "خدا میدهد".  
در صورتیکه همه فطرت خدا جو دارند  
و درست اینست که "مری" "فطرت  
خدا جو را" پیدا نمایند. "مری"  
آنستکه شرایطی فراهم آورد که جوهره  
انسانی بروز یابد. وظیفه "مری" خدا  
دادن به انسان نیست، بلکه تحقق  
هر چه بیشتر خدا و صفات خدا است.  
کلید فهم قرآن  
در این نظام یک انحراف اصولی  
وجود دارد و آن این است که وقتی خدا  
را برای اعضا و شاگردان اثبات کردند  
خیالشان از دینداری بودن خود و بیرون  
آموده میگردد، آنگاه این خدای  
اثبات شده را کارگذاشته و سپس به  
سراغ قرآن میروند. در اینجا  
طبیعی است که این خدای اثبات شده  
بوسیله ذهن محدود بشری، نتواند  
حاکمیتی بر ذهن و دیدگاهها و آیات  
داشته باشد.

و دستجاتی برخوردار میکنیم، مبینیم  
که بود و نبود خدا، هیچ تغییری در روشها  
یشان ایجاد نمیکند (۱) مثلاً "شرق  
غرب هر دو منطق ریاضی و منطق ارسطو  
را قبول نمودند و حزب توده هم این  
منطق ها را پذیرفته است.  
با این دیدگاه اگر وارد قرآن هم بشویم  
یم هر قدر جلوتر برویم از خدا دورتر  
میشویم. مثلاً "معاویه از نظر رسول  
و عرض معلومات و آگاهی، مرتبه  
بالایی داشت و حتی مدتی کاتب وحی  
هم بود و به تاریخ و شأن نزول تسلط  
کافی داشت ولی خدا نقش در نظام  
معرفتی او نداشت و رابطه خدا و پدید  
ها اساس فهمش نبود.  
"تحلیل" یا "تسلیم"  
اگر خدا را در تک آیات قرآن  
نبینیم، مبدأ و منشا آیات را گم  
کردیم. اگر ما با ملاک "تسلیم به خدا"  
وارد قرآن نشویم حتماً "برای فهم قرآن"  
بدام منطقیهای بشری (قرنی و یونانی)  
میافتیم و در واقع "نظر خودمان" را به  
قرآن "تحلیل" کردیم. ما هم.

**در نظام اصالت آگاهی:**  
۱- توده ها برده رهبرانند  
۲- برای فهم قرآن از تسلیم به خدا دور شده و تسلیم منطق  
های بشری نظیر منطق ریاضیات و... می شوند.  
تحلیل و رأی بشر غالب گشته و مقدم بر تسلیم به خدا و قرآن و  
امامت می گردد.

ضرورت دیگر نگارش مقاله این است  
که رهبران جریاناتی که به آگاهی  
اصالت میدهند و در ظاهر آگاهتر از  
اعضا و هواداران هستند و به اعضا  
و هواداران بیشتر آگاهی میدهند در  
طی تاریخ خیانت هایی کرده اند،  
نظیر "دکتر بهرامی"، "دکتر مرتضی  
یزدی" و "دکتر شایبانی"  
و "یکخواه"، "دکتر جاسمی"، "شهرام"  
و "رجوی" و "شریعتمداری".  
مطمئنیم که طرح این سئوالات و  
کوشش برای حل آن، مشکلات  
زیادی را از جوانان معرفت طلب حل  
میکند.

الف: نظام اصالت آگاهی  
در این نظام معرفتی بالاترین  
مرتبه، آگاهترین فرد است. رهبر  
کسی است که طول و عرض معلوماتش  
بیشتر است. رهبر کسی است که کتاب  
بیشتر خواند، مو را حل در سستی  
بالاتری را گذراند، دوره های  
مختلف را طی کرده است و طبعاً  
سن و سال و ریش سفیدی در این  
نظام معرفتی بسیار مورد توجه است.  
توضیح اینکه در این مقاله سؤاژه  
"تحلیل" مترادف با نظام معرفتی  
اصالت آگاهی بکار گرفته شده در حالی  
که ما اصطلاح "تحلیل" را زیاد  
بکار میبریم و منظور این نیست که با تحلیل  
کردن از قضایا و امور مخالفت شود بلکه  
محبت از مبنای تحلیل است. اگر  
مبنای تحلیل تسلیم به خدا و صفات  
خدا باشد چنین تحلیلی واقع گرا  
بوده و ما اصطلاحاً "تحلیل تحلیلی" را  
"تحقیق - تعقلی" گوئیم.

ب: در نظام "تسلیمی - تحقیقی" یا "تسلیمی - تعقلی"  
چرا در این نظام معرفتی، توده ها  
قادری به نصیحت و انتقاد نیستند؟  
زیرا توده ها، پیش خود میگویند  
مسئول و رهبر ما، "مری" ما بوده و به ما  
خدا داده، "اصول داده"، "جهان  
نیبند داده"، "معاد داده" و...  
در این نظام معرفتی، توده ها از جانب  
خودشان مبنای اصول یا فطرت ندارند  
و این رهبران هستند که باید به آنها  
اصول بدهند. در این نظام معرفتی  
جایی برای فطرت خدا جو وجود ندارد و  
"روش تحلیل سیاسی" و "روش شناسی"

در این نظام معرفتی، "تحلیل"  
و رأی بشر غالب گشته و مقدم بر تسلیم  
به خدا و قرآن و امامت میگردد.  
دیدیم که نظام اصالت آگاهی مبنای  
تسلیم به خدا نیست، بنابراین از  
این نظام معرفتی، تسلیم به قرآن و  
امام زمان و نایب برحقش هم در نمیآید.  
اگر چه بعضی هاضمن قبول ایمن  
نظام معرفتی، دم از "تسلیم بحضرت"  
به امام و تقلید کورکورانه از امام میزنند،  
ولی در حقیقت میخواهند خود را به  
رهبر "تحلیل" کنند. به همین دلیل  
است که امام خمینی در کتاب تحریر  
الموسله گفته اند از وظایف مرجع  
مبارزه با تقلید کورکورانه است.  
در اسلام اساس اطاعت "تعبد و"  
بندگی خداست و حتی محمد (ص)،  
ابتدا "تعبد خدا" و سپس رسول اوست  
... محمد "عبده و رسوله".  
آنها که تسلیم به خدا و قرآن را بکار  
میگذاشتند و تعبد از امام معصوم و غیر  
معصوم را مطرح نمیکنند، در نهایت با  
ملاک منافع فردی و ممانعت طبقاتی  
خودشان بین رهبران و مراجع یکی  
را برگزیدند و از او تقلید میکنند.  
این عمل، "تحلیل" است و نه  
"تسلیم". چرا که فرد، رهبر خود را بسبب  
تحلیل خود بر انتخاب کرده است و

بیشود. حتی اگر مسئولین و رهبران  
حسن نیت هم داشته باشند و از اعضا  
صادقانه بخواهند که انتقادات خود  
را بگویند، چیزی نخواهند شنید. چرا  
که اعضا با قبول این نظام معرفتی،  
قدرت انتقاد را از خود سلب نموده اند.  
حتی کاره جایی میرسد که زمینه  
انتقاد در سوزانه نیز از بین میرود و افراد  
میگویند هر چه بخواهیم بگوئیم، حتماً  
بالایی ها، قبل از من میدانند.  
ب: "نظام تسلیمی - تحقیقی" یا "نظام  
"تسلیمی - تعقلی":  
این نظام معرفتی، یک نظام  
فطری است و از "تسلیم به خدا" شروع  
میشود، که عین آزادی واقعی است.  
در این نظام معرفتی، هر حکم، هر  
خط مشی و عمل صالحی "تحقیق" صفات  
خداست. در این نظام معرفتی، ما  
باید بیاییم خدا و صفات خدا را "تحقیق"  
دهیم و از آن خط مشی (حکم) در آوریم.  
تفاوت "تعقل" و "تحلیل"  
در این نظام معرفتی تا تسلیم بحضرت  
خدا نشویم، به درک قرآن نمی رسیم. ما  
باید تجلی خدا را در تک آیات قرآن  
بینیم و آیات را عین ربط و تعلق به حق  
تعالی بینیم. باید رابطه آیات قرآن را  
با خدا در آوریم. در این نظام معرفتی  
بزرای "تحقیق" امر خدا بایستی که  
تسلیم به خداست.

اینجاست که چنین افرادی برای  
فهم قرآن، از خدا دور شده و تسلیم  
منطقیهای بشری نظیر منطق ریاضیات،  
منطق دیالکتیک مادی، منطق یونانی

آیا در رابطه بین امت و امامت، "تسلیم" مقدم است  
یا "تحلیل"؟  
الف: در نظام اصالت آگاهی  
ب: در نظام "تسلیمی - تحقیقی" یا "تسلیمی - تعقلی"

# خط سرخ انقلاب از کربلا به قدس است

بسم رب الشهداء والصدیقین

خط سرخ انقلاب اسلامی ایران از کربلا به قدس است برای عمق بخشیدن به این خط مشی و در نتیجه تحقق هر چه بهتر آن، نیاز به بررسی ایدئولوژیک، سیاسی، نظامی از آن داریم.

الف - وجه ایدئولوژیک :  
- عدل الهی ایجاب میکند حاکمیت با مستضعفین باشد و مستضعفین فلسطین بر سرزمینشان حاکم گردند.  
- عدل الهی ایجاب میکند که هر چیزی در جای طبیعی الهی خود قرار باشد و اسرائیل این غده سرطان باید به جای طبیعی خود یعنی امریکا - اروپا برگردد.  
- فتح قدس لیل القدر مسلمین است یعنی اینکه آزادی قدس منطوقی و درگیرند تمامی پیروزی های مسلمین می باشد و در این راه است که با تمامیت باطل یعنی کمپ دیوید درگیر می شود.  
- فتح قدس از طریق کربلا سبیل پیوند قرآن و عترت است که قدس مهبط وحی و خاستگاه پیامبران سلاله ابراهیم (ع) و اولین قبله گاه مسلمین و کربلا آرامگاه امام حسین (ع) سرور آزادگان و از خاندان عترت است.  
- آزادی کربلا و قدس از جنگ دشمنان با فطرت تود همها می خواند و انگیزه های است بسیار قوی برای بسیج مستضعفین در این است که آزادی قدس نیاز فطری تود های مردم است هیچوقت آنها مظلومیت امام حسین (ع) و ندای هل من ناصر یتصرنی اورا فراموش نمی کنند. پرچم سرخی که بالای قبر امام حسین (ع) است آنها را هر لحظه به قیام علیمستکبرین و در رأس آنها صهیونیستها می طلبد.

از نظر تاریخی و بینیم که امام حسین (ع) برای بیعت با مردم کوفه حرکت کردند اما لشکریان یزید مانع این حرکت شدند و امام حسین (ع) با سازمانده های یزید درگیر شد و کرب و بلا بوجود آمد. امروز رهروان راه حسین (ع) با شعار "نهضت حسینی" و رهبر خمینی "می خواهند که قدس را از جنگ کفار آورده و بسا

فتح قدس از طریق کربلا سبیل پیوند قرآن و عترت است که قدس مهبط وحی و خاستگاه پیامبران سلاله ابراهیم (ع) و اولین قبله گاه مسلمین و کربلا آرامگاه امام حسین (ع) سرور آزادگان و از خاندان عترت است.

مردم سرزمین های اشغال شده میباید بخورند اما یزید صفتان یعنی صد ا میان مانع چنین پیوندی هستند و در این جاست که کرب و بلا تکرار میگردد و شعار آزادی قدس تنها از طریق کربلا عینیت پیدا میکند.

ب - وجه سیاسی :  
در رابطه با آزادی قدس سه خط مشی وجود دارد :  
۱ - اول براندازی مرتجعین بعد اسرائیل : سازمان آزاد بخش فلسطین قبل از سال ۶۵ همین خط را دنبال می کرد و مرحوم عبد الناصر نیز گفته بود که ما باید اسرائیل را اول در کاخهای شیوخ مرتجع عرب نابود کنیم تا بتوانیم بسا اسرائیل بچنگیم. ضعف این خط مشی در این

است که چون به درگیری با اسرائیل به عنوان ائمه الکفر کتسم پناه داد میشود، به افرصت بیشتری برای سرکوب نیروهای حق داده و خود نیز فقط بمبارزه علیه دولتهای منطقه می برد از دشمنان آزادی قدس را در عمل فراموش می کند. جریانی است در ایران که شعار اتحاد جماهیر اسلامی را میدهند که در این شعار خط امام یعنی آزادی قدس و درگیری با اسرائیل دید نمیشود. از نظر ما در این کشورهای ظاهر آ اسلامی و جمهوری اسلامی بایستی در راه آزادی قدس و مبارزه با کمپ دیوید شکل باید تا عناصر مرموز قادر نباشند که یک الگوی شکلی از جمهوری اسلامی بوجود آورند.

۲ - خط آزادی قدس با کمپ مرتجعین : این خط مشی با مطرح کردن اتحاد دولتهای عرب علیه اسرائیل تکیه اصلی را بر دولتهای منطقه گذاشته و درگیری با مرتجعین منطقه را در حین طرح شعار آزادی قدس فراموش می کند. دول مرتجع منطقه ممکن است در مقاطع کمکهایی به نیروهای زنده فلسطینی بکنند ولی از آنجایی که خودشان در خط کمپ دیوید و طرح فهد هستند بصورت پیچیده ای علیه خلق فلسطین توطئه کرده و حرکتشان یک حرکت منافقانه است. نمونه این مطلب همان طرح امریکایی فهد است که علیرغم کمکه های زیاد مالی و نظامی دولت عربستان به سازمان آزاد بخش فلسطین، چنین طرح خائنه ای را مطرح می کنند و

حمله نظامی عراق نشان دهنده وابستگی کامل این رژیم به کمپ دیوید میباشد و درگیری با آن هم بمنزله آزادی قدس و مبارزه با کمپ دیوید است چرا که در مقابل انقلابی ایستاده که آزادی قدس از ویژگیهای لاینفک آن است.

امیدوار بودن به چنین راهی جز ساد هاندیشی و تاغرضورزی چیز دیگری نیست.

۳ - عده کردن براندازی اسرائیل و درگیری با موانع اصلی این راه : این خط مشی اصل حرکت خود را مبارزه با امامت کفر در منطقه یعنی اسرائیل می گذارد که این خود متضمن مرز بندی نیروهای حق و باطل و مبارزه با دولتهای مرتجع منطقه نیز هست.

می بینیم بعد از اینکه امام خمینی و آیت الله منتظری شعار صد و انقلاب و آزادی قدس را مطرح کردند (درگیری با ائمه الکفر) منطقه حالت نظامی به خود میگیرد بطور مثال : کودتای نظامی ترکیه، فروش آواکس های امریکایی به عربستان و فروش فانتوم به پاکستان، تشکیل سپاه واکش سرسبز و فرستادن سپاه دهنزارنقوی از پاکستان برای حفاظت مناطق نفتی عربستان و بالاخره حمله نظامی عراق به ایران و کمپ مرتجعین منطقه مثل اردن و عربستان و... به رژیم عراق حمله نظامی عراق نشان دهنده وابستگی کامل این رژیم به کمپ دیوید می باشد و درگیری با آن هم بمنزله آزادی قدس و مبارزه با کمپ دیوید است چرا که در مقابل انقلابی ایستاده که آزادی قدس از ویژگی های لاینفک آن است.

خط دیگری نیز هست که آزادی قدس را از راه "بغداد" (سرکز عراق) مطرح می کند که قدرت بسیج اش کمتر از راه کربلا و وجه انبانی اش کمتر از وجه نفی آن است و ممکن است

در افکار عمومی تلقی کشورگشایی جغرافیایی بشود. در حالیکه آزادی و زیارت مسجد الاقصی و کربلا حق طبیعی کلیه مسلمین است.

ج - وجه نظامی :  
در درگیری با صهیونیسم و آزاد سازی قدس چند نکته قابل توجه است :

۱ - وجود یک کانون انقلاب اسلامی و تثبیت شمس در ایران به عنوان پشت جبهه های حکم برای مبارزه با کفر کمپ دیوید.

۲ - سربد با دشمن صهیونیستی نبردی قهرآمیز، درازمدت و خود کفا باشی و فهمید های جنگ است در این رابطه وجود هزاران چریک آموزش دیده و آب دیده در طول جنگهای اسلام و کفر از ارزش قابل توجهی برخوردار است.

۳ - تضمین پیروزی بر صهیونیسم منوط است به الفد شیوه بسیج مستضعفین. ب - راههای تداوم و استمرار این بسیج و تابوتان با ضد حمله های کمپ دیوید مقابله کرد.

۴ - یکی از ویژگیهای انقلاب اسلامی ایران ویژگی ضد صهیونیستی است که در این انقلاب همه انگیزه آزادی قدس دارند.

مبارزه برای آزادی قدس به کانونی نیاز دارد که بتواند بطور بنیادی با صهیونیسم درگیر شود و به بهترین وجهی تودها می منطقه را بسیج کند و وابسته هم نباشد. این کانسون انقلابی و در ایران است. طبیعی ترین و نزدیکترین راه ما برای آزادی قدس، از کربلا میگذرد. این راه نمی تواند دریایی باشد نه هوایی. از آنجا که راه هوایی و دریایی برای رسیدن به قدس نداریم و راههای موجود هم قابل اطمینان نیست و تنها راه راه زمینی و از کربلا به قدس است.

مبارزه برای آزادی قدس به کانونی نیاز دارد که بتواند بطور بنیادی با صهیونیسم درگیر شود و به بهترین وجهی توده های منطقه را بسیج کند و وابسته هم نباشد این کانون انقلابی، در ایران است طبیعی ترین و نزدیکترین راه ما برای آزادی قدس از کربلا میگذرد این راه نه میتواند دریایی باشد و نه هوایی.

حال اگر نزیاد صفتان مانع رسیدن ما به قدس شوند درگیری ما با آنها درگیری با کمپ دیوید است و این درگیری آنقدر ادامه دارد تا انقلاب ایران و انقلاب عراق با انقلاب فلسطین دست به دست هم داده و قدس را آزاد نمایند.

انقلاب فلسطین باید در محاسبات خود بیشتر به نقش که انقلاب ایران می تواند در جهت آزاد سازی قدس داشته باشد توجه کند. بخصوص بعد از اینکه دولتهای عرب و ابرقدرتها نشان دادند که در شرایط حساس نمی توانند پشتوانه های خوب و کمکی جدی برای انقلاب فلسطین باشند.

والسلام

امام خمینی: ما می خواهیم که قدس را نجات بدهیم لکن بدون نجات کشور عراق از این حزب منحوس نمی توانیم

زمینه های لازم سعی داشته و دارد که جناحها شسی از "سازمان" را به سمت کشورهای مرتجع منطقه وحد اقل بسه ست رفورم و مبارزه مسالمت آمیز سوق داده و آنها را از طبق فلسطین و راه اصیل شهدای "سازمان آزادبخت" جدا کند که در این رابطه پول نفت عربستان نیز نقش بسزای دارد اینک نیز صهیونیسم با دل بستن به چنین جناح هائسی سعی دارد به زعم خود کار را یکسره کرده و با بکارانداختن ماشین جنگی و سیاسی خود "سازمان مقاومت" را به یسک چرخش اساسی در مواضع و خط مشی وادارد و اینهمه فشار نظامی و کشتار و قطع آب و برق و غذا از یکطرف دلالی ها، شایعه پراکی ها و سیاست بازیهای امثال نیلیپ حبیب از سوی دیگر هر دو لبه های تیز شمشیری است که صهیونیسم بر حلقوم فریادگر "ثوره، ثوره حتی النصر" - "سازمان الفتح" نهاده است .

\*\*\*

جریانی معتقد است که آنچه اینک در بیروت پیش آمده تقصیر خود "سازمان مقاومت" است و میگویند این ضعفهای درونی و ساده اندیشی های رهبری "سازمان مقاومت" است که معیب شده تا این چنین وضعی پیش بیاید و از این جا نتیجه میگیرند که به همین دلیل نباید همین کتی بسازمان الفتح "کرد و در حالیکه نظاره گر کشتار خواهران و برادران فلسطینی و لبنانی بدست صهیونیسم تجاوزگر هستند گناهش را به گردن "سازمان آزادبخت" انداخته و در این میان بدون آنکه متوجه باشند امپریالیسم و صهیونیسم را تیرسه کرده و ناخود آگاه با صهیونیسم هم موضع میشوند .

و این در واقع بخشی از همان اهداف صهیونیسم است که جابجائی اضداد کند و همانست که خوبها که رفتند ما با کم کیفیتها درگیر شویم .

این جریان به این مهم توجه ندارد که هر چند ممکن است ضعفها و نارسائیها و انحرافات در "سازمان مقاومت" باشد ولی اینها جریان اصلی و اصیل "سازمان مقاومت" نیست . جریان اصیل "سازمان آزادبخت" آن بیگانه شهادت طلبی است که تا کنون هزاران شهید و مجروح و اسیر داده است و علیرغم تمامی توطئه ها توانسته است همچنان منادی آرمان فلسطین و رسواگر رژیم غاصب و اشغالگر قدس باشد . و صهیونیسم نیز مسلما به آن ضعفها و نارسائیها حمله کند بلکه آنچه هدف و مورد هجوم اوست همین بیگر شهادت طلب و جوهره عدل طلب و ضد صهیونیستی این تشکیلات است و هرگونه تحلیل و اظهار نظری و موضعی نسبت به سازمان آزادبخت و احزاب و سازمانها و گروههای انقلابی دیگر باید با توجه به جوهر آن تشکیلات و توطئه ها ئی که علیه آن انجام میگردد باشد .

ثانیا "این جریان توجه ندارد که شیوه حل تضاد های درونی این نیست که آنها را به دشمن واگذاریم و با جریانات را عمدتاً "بسوی دشمن سوق دهیم بلکه حل تضاد های درونی در گرو مبارزه با دشمن برونی است و سازمان آزادبخت نیز باید توجه به این فرمول مقدم گردید و در ضمن پیگیری و تدام مبارزات ضد صهیونیستی خود در صدد پاکسازی و تصفیه اصولی جریانات و تفکرات سازشکارانه و انحرافی در درون خود برآید .

وظیفه هر جریان انقلابی و مکتبی است که در مبارزه با صهیونیسم بین المللی و تحقق شعار "آزادی قدس" سازمان مقاومت را با اصالت درون به جنبه های مثبت و اصیل آن و با درک موقعیت حساس و تاریخی اش در برابر صهیونیسم و امپریالیسم یاری دهد .

یادمان باشد که نباید مغرور شویم و فکر کنیم آنچه بسیر "سازمان مقاومت" و "سازمان مجاهدین" آمد بسیر "حزب" یا "سپاه پاسداران" هرگز نخواهد آمد . باید از ضربه سال ۵۴ و ضربه های دیگر درس آموخت و به کادر سازی مکتبی به شیوه انبیا عمیقاً توجه داشت .

همین دوره فترتی که جامعه و انقلاب و سازمان از وجود عنا صری منطوی و با صلاحیت و با کیفیت و همه جانبه محسوس است و امید امپریالیسم و صهیونیسم نیز به همین دوره است چرا که خون شهدا مردم را بسیج نموده و از دل این بسیج کادرهای جدید تربیت میشود ، منتهی کی زمان لازم دارد

## الفتح ، مجاهدین ، حزب جمهوری اسلامی و توطئه جوهرکشی خرنده

جوهرکشی در سازمان مجاهدین (بعد از سال ۵۰)

نمونه بارز این مسأله جریان "سازمان مجاهدین خلق" یعنی دستگیری و اعدام رهبران سازمان و مسائل بعدی آن است ضربه سال ۵۰ خلا بزرگی در سازمان ایجاد کرد ، در حالیکه خون شهدای مجاهد موجی عظیم در جامعه بوجود آورد و نیروهای فراوانی را به سازمان جذب نمود ، لیکن این نیرو های عمدتاً "کمی هرگز نتوانستند جای خالی شهدائی چون حنیف نژاد ، سعید حسن ، بدیع زادگان ، مشکین نام باکری ، صادق ، میهن دوست ، بازرگانی و احمد رضائی را به لحاظ کیفی پر کنند و این کمبود چنان آشکار و خاص بود که "شهید رضا رضائی" ارتباط تشکیلاتی عمده زیادی را بطور موقت قطع میکند و محمود شامخی "را برای یک دوره تربیت و آموزش اعضا" با ایران می خواند که میدانیم تلاش این برادران نیز دیری نپایید و با شهادت "محمود" و چند تن بعد "رضا" خلا موجود بیشتر شد . عدم وجود نیروهای کیفی زمینه اساسی بود تا در آن مقطع :

- ۱ - افراد کم صلاحیت و کم کیفیت در مراتب "سازمان" بالا آمده و حتی تا مرکزیت نیز برسند که نمونه روشن آن "تقی شهرام" است شهید "رضا" به دلیل شناختی که از "شهرام" داشت او را در مرتبه طبیعی خودش نگهداشته بود ولی پس از شهادت ترضا ، سرعت در مرکزیت "سازمان" قرار میگردد .
- ۲ - تضاد های درونی "سازمان" تشدید شده و در زیر فشارهای سنگین رژیم و توقعات جامعه و نیروهای انقلابی و همچنین نداشتن قدرت و توان لازم ؛ جریانات انحرافی و رفورمیستی رشد کرد مویا ایجاد جو مارک و تهمت و انزوا و ... به قدرت برسند و نهایتاً "رهبری سازمان از بسیج مردم عقب مانده تا جائیکه سرانجام در برابر مردم قرار گرفت و دست به ترور مجید و صدیقه زدند .

## همین فرصت و خلائی که بین ترور ما کادر سازی وجود دارد ، امید امپریالیسم و صهیونیسم است .

خطی که ترور رسم امروزه را بران دنبال میکند نیز دقیقاً همین خط است . از تحلیل های درونی جنبش ملی هوادار رجوی نقل شد ما است که "ما خوب ها را ترور می کنیم تا بد ها روی کار بیایند و آنگاه مردم با آنها درگیر خواهند شد و در این درگیری مردم بسراغ خواهند آمد .

ترور "توطئه به رفورم کشانان سازمان مقاومت"

با مروری کوتاه روی آثار شهدای حزب جمهوری اسلامی "که برسوله تروریم به شهادت رسیده اند ، بروشنی خط فوق زاد را رابطه با "حزب" می بینیم و نیز این هدف شمس را در برخورد صهیونیسم با سازمان مقاومت مشاهده میکنیم که چگونه با ترور کادرهای ممتاز "سازمان مقاومت" و ایجاد

بنام خدای شهیدان بدیهی ترین و اکثر امپریالیسم نسبت به یک حرکت و ... یک گروه و یا تشکل انقلابی سرکوبی و نابودی آن است . امپریالیسم بنا به ماهیت ارتجاعی و ضد خلقی و ضد رشد خویش اساساً نمی تواند اجازه شکل گیری به حرکت امپریالیسم را بدهد . اما علیرغم خواسته امپریالیسم حرکت های اصیل رشد خود را می نمایند و بایشتبیا - نی ملت های مستضعف تثبیت میشوند و امپریالیسم عنکبوت گونه گامی عقب نشسته و تازی جدید می تند . وقتی که امپریالیسم مستقیماً نتواند انقلاب را سرکوب کند سعی می کند آن را از درون به رفورم و تعدیل و آنگاه سازش کشانده و آنرا متلاشی نماید .

ترور ، کادرکشی (فونیکس)

آنچه که امروز در بیروت شاهد آنیم نقطه اوج و ... این توطئه شوم علیه آرمان فلسطین و "سازمان آزادبخت" است آنچه بر سازمان مجاهدین خلق گذشت نمونه بارز این شیوه امپریالیسم بود که با اعدام و کشتن کادرهای اصلی ، سازمان را به سیاسی کاری کشاند . خوابی که امپریالیسم برای حزب جمهوری اسلامی دیده است ، همان کشتن کادرهای خط امام تعدیل حزب است که تلاش می کند بطور خرنده آن را پیاده نماید . در دهه ۷۰ شاهد ترور بسیاری از رهبران و کادرهای "سازمان آزادبخت فلسطین" بدست عمال صهیونیسم بودیم . اتخاذ شیوه ترور در رابطه با الفتح "بیانگری یک خط مشی حساب شده از طرف صهیونیسم بود .

پس از اینکه صهیونیسم دریافت که علیرغم تلاشهای بسیار انقلاب فلسطین و سازمان آزادبخت "نه تنها سرکوب نشده بلکه به عنوان حرکتی اصیل و در حال رشد و گسترش در ابعاد بسیار وسیعی تثبیت شده است . لذا توطئه تازه ای طراحی کرد و شیوه ای جدید در پیش گرفت ، شیوه ترور . ترور رهبران و کادرهای ذیصلاح و جوهری "سازمان آزادبخت" در واقع زمینه ساز حاکمیت یافتن عناصر و جریانهایی کم کیفیت بود . نگاهی به لیستی از شهدای "سازمان الفتح" که بوسیله صهیونیسم ترور شده اند بخوبی نشان میدهد که خط ترور رسم امپریالیستی چگونه دقیق و حساب شده عمل کرده و در واقع ترور رسم امپریالیستی به عنوان یک رکن و مکمل یک توطئه بسیار پیچیده و در عین حال غیر ملموس و خرنده بوده است .

مسأله اینجاست که با ترور هر کادری و رهبری فرد دیگری قاعدتاً جای او را پر خواهد کرد ولی طبیعی است که میان ماه من تا ماه گردون اگر به هر حال فاصله از زمین تا آسمان نباشد ولی تفاوت چندین سال زحمت و تلاش و حرکت و زندان و سختی و تبعید و شکنجه و درد و آگاهی و تجربه و مطالعه و ... خواهد بود . یک کادر همه جانبه تنها یک فرد نیست . یک قطب ، یک رهبر یک کادر خود یار است . یک نفس منطوی و یک شبه امت است . بقیة السیف شهدا و مجروحین و محبوسین بسیاری است و در بردارنده تجربیات و آگاهیها و قدرتهای فراوان است . سالها زحمت کشیده شده و خونها ریخته شده و شکنجه ها تحمل شده ، حبس و زجرها و تبعیدها تحمل شده تا حنیف نژاد ها ، محمد منتظر بیها بهشتی ها ، رجائی ها ، سعید حسن ها ، بدیع زادگانها ، کمال عدوانها ، کمال ناصرها ، ماجد ابوشرارها و مدنی ها و ... ساخته شده اند و طبیعی است که جای خالی "مستغیبها" صدوقی ها ، هاشمی نژاد ها ، ناصر صادق ها ، مشکین نام ها ، ابرار بیها ، باهنرها ، مطهر بیها ، الحاج حسن ها ، ابو صبر بیها و عبد الفتاح علی محمود ها و ... براحتی پر نخواهد شد و بقول صاحب نظری سالها باید بگذرد تا مادر در هر همچون سعید حسن "را بدنیسا آورد و بزرگترین و بهترین فرصت برای دشمن سالهاست . همین فرصت و خلائی که بین ترور تا کادر سازی وجود دارد

## سیری در روش شناخت امام خمینی

# لقاء الله

بنام خداي شهيدان

انگيزه نگارش:

چندی قبل رادیوهای بیگانه از جمله صدای ایران "که از ایدتولوژی بسیج کنند امام خمینی احساس خطر کردند و مانند طی یک سلسله صحبت های حساب شده مطرح کرده اند که افکار ایدتولوژیست امام خمینی چیزی جز افکار ماتریالیستی مارکس نیست مثلا" تعبیر امام را از بهشت و دوزخ مصادی قلمداد کرده اند و گفته اند که این مارکس است که از بهشت روی زمین سخن گفته است. این توطئه گران می گویند که جنت لقا همان بهشت رفاست که نیست هاست. غافل از اینکه جنت لقا نه رفاست مادی است و نه حتی بهشت نعيم بلکه سعادت واقعی است که مسلمانان کوته بینانی مانند اینها از درکش عاجزند.

مقاله زیر بطور اجمالی توضیحی است بر جنت لقا و همچنین نظر امام خمینی در این مورد. این اولین گام است و انشاء الله ادامه خواهد داشت.

خداوند متعال در قرآن کرم بکسانی که در راه او بیگار میکنند وعده بهشت و بهر موهبتی از نعمات آن را داده است.

در تاریخ اسلام هم می بینیم رزمندگان مسلمان همواره با دلی آرام و مطمئن جنگیدند و چاکر که پیروزی یا شهادت آنها بیهوده هر حال بایه های حکومت اسلامی را محکم میکرد و مستودر صورت

**چیزی برتر از بهشت و نعمت های آن این بندگان خاص خدا را حرکت دواورد و انگیزه اثار هایشان میشود و آن تحقق امر خدا و جلب رضایت او یا شوق دیدار خدا و لقاء اله است.**

شهادت به بهشت هم راه می یافته اند اما همواره در طول تاریخ اسلام به نمونه های از ایثار بی خودی که چیزی فراسوی شهادت و شوق بهشت است. ایثارهایی که فقط عاشقان حق و مشتاقان دیدار خدا می توانند بیافرینند. بیاد بیاوریم "انس" پیرمرد ۹۰ ساله را که در زمهره باران امام حسین در صحرای کربلا به شهادت رسید و با "عمار یاسر" را که در سنین بالای ۱۰ سال در جنگ صفین شرکت کرد و شهید شد. حال آنکه کهلوت عذرموجه و مناسبی برای عدم شرکت در نبرد حق و باطل بود.

داستان "حتظه غسیل الملائکه" مشهور است. با آنکه حضرت رسول اکرم (ص) به او اجازه داد نبودند که سروپس از ازدواج رای تواند در جنگ شرکت نکند ولی فردای ازدواج سراسیمه و بدون آنکه حتی مجال غسل کردن بیابد سراسیمه به میدان جنگ می شتابد.

امروز نیز در جنبه های حق نمونه های بسیار از این ایثارها به چشم می خورد.

در عملیات بیت المقدس رزمندگان ای که او طلیانه پسرای گشودن راه بروی مین رفتند بود یک پای خود را از دست میداد ولی به همین میزان از ایثار راضی نمیشد و دیگر یک خون آلود خود را بر روی مین های دیگری کشاند تا بانه که کردن بدنی خوش از شهادت رزمندگان دیگر جلوگیری کند.

یادش گرامی و روحش قرین رحمت الهی باد.

براستی هیچ قلم و زبانی رایاری توصیف این صحنه هانیست. مگر شهید "حسین فهمید" نبود که پس از تیر خوردن و مجروح شدن نازنجکی به کمر می بندد و خود را به زیر تانک دشمن مسمی افکند و خود شریک شهادت نوشید و دشمن و معیارهای مادی دنیا را منجمد می کند.

ملت ما در این چند ساله قبل و بعد انقلاب از این فداکارها و ایثارها بسیار به خود دیده است اما از این همه شهادت ها و ایثارها چیست؟

آیاتنا شوق بهشت و لذت بهر موهبتی از نعمات آن چنین صحنه هایی می بدید می آفریند فکر نمی اینست که صرف شهادت در جنبه های حق در راهی بهشت را بروی رزمندگان می کشاید پس این ایثارهای فراسوی شهادت چیست؟ چگونه است رزمندگان ای که می داند با همین جرات است به شهادت میرسد و وعده خدا در باره او اجرا میشود. باز دیگر خونین خوش را به جراحتی دیگر گلگون میکند؟

پس چیزی برتر از بهشت و نعمت های آن این بندگان خاص خدا را به حرکت در می آورد و انگیزه ایثار هایشان میشوند آن تحقق امر خدا و جلب رضایت او یا شوق دیدار خدا و لقاء الله است.

آری این عاشقان را تنها شوق و شوق دیدار خداوند به سلخ عشق می کشاند.

شهادت از دیدگاه علی علیه السلام:

مولای متقیان میفرمایند که عبادت کنندگان به دست اند؛ بردگان، آنها که از ترس دوزخ خنا را عبادت می کنند، تجار یعنی آنها که به خاطر نعمات بهشت خداوند را عبادت می کنند و بالاخره احرار که خداوند را نه به خاطر ترس از جهنم و نه به شوق بهشت بلکه تنها به خاطر خود خدا عبادت می کنند. (۱)

در جای دیگر علی (ع) می فرماید که: ما عهدتک خوفاً من نارك و طمعاً لجناتک بسمل وجدتك اهلاً للعباد فعبدتک (۲)

پروردگارا ترا با خاطر ترس از عذابت عبادت نکردم و نه به خاطر بهشت بلکه ترا شایسته عبادت یافتیم پس عبادت کردم.

می بینیم که علی (ع) انگیزه عبادتشان ترس از دوزخ و عذاب و باطمینان بهشت نیست بلکه شوق و عشق خداوند او را به عبادت و امید آوردن گوید که توانی عبادت دیدم.

این است که مولای متقیان در همین دنیا هم به دیدار خداوند نایل میشوند و در جنت بندگان خاص خداست. چرا که آخرت را در این دنیا هم می بیند. همه چیز را از دیدگاه اخروی می بیند و

زندگی اخروی را در همین دنیا تحقق میدهند و آنچه او را به حرکت و عمل و امید آورد عشق به خدا و جلب رضایت اوست. بقول خواجه عبد الله انصاری: "از هر دو جهان مهر تو گرفتم (صفحه ۸ مناجاتنامه از انتشارات کتابفروشی علمیه اسلامیه) به همین دلیل است که حضرت علی (ع) باز میفرماید: لو كشف الغطاء ما از دست یقیناً یعنی وقتی پرده ها دریده شود ند چیزی به یقین من نخواهد افزود.

**نظر امام خمینی:**

امام خمینی در تفسیر سوره حمد (صفحه ۲۳ و ۲۴ چاپ حزب جمهوری) میگوید:

همه عبادتگاران برای خودمان است. آنکه خیلی آدم خوبی است برای بهشت عبادت میکند شما بهشت را بردارید از روی اعمال ببینید چه کسی عبادت میکند. علی می ماند و حوضش که "عشق العباد هو عانقها" (بسته عبادت) عشق می ورزد و آن را آغوش می کشد. پیش اولذات چیزی نیست و بهشت وجهتم هم ملی السوی است، پیش او اثنا، علی ذات اللطالی. ۰۰۰

اثنا برای خدا که او را یافته اهل اینک عبادتش بکند، یافته او را اهل این است که عبادتش بکند. این یک مرتبه از مراتب آنهاست که عاشق عبادت شد، یافته او را که اهل است برای معبودیت، عبادت می کند. ۰۰۰

و نیز در مقاله لقاء الله (صفحه ۲۵۶ رساله لقاء الله به قلم آیت الله حاج سید جواد ملکوی

**هدف امام حسین (ع)، تنها شهادت و بهشت نبود بلکه هدفشان جلب رضایت معبود و خشنودن امری بود هدفشان ایجاد جامعه ای اخروی و روابطی بهشتی بود.**

تبریزی (گفته اند): "آیا مشاهده فرمایش حضرت امیر را که میفرمایند: هینی صبر علی عذابک فکیف اصبر علی فراقک (گیم که بعد از صبر کردم، چگونه به فراق شکیبا باشم) و آن سوز و گدازهای اولیا را میتوان حمل کرد به حور و قصور؟

آیا کسانی که می فرمودند که عبادت نمی کنیم برای خوف از جهنم و نه برای شوق به بهشت بلکه عبادت احرار می کنیم و خالص برای حق عبادت می کنیم باز ناله های فراق آنها را میتوان حمل کرد به فراق از بهشت و ماکولا و مشتهیات آن؟ هیبها که این حرفی است بس نا هنجار و حمله است بسیار ناپسندیده، آیا آن تجلیات جمال حق که در شب معراج و آن محفلی که احدی از موجودات را در آن راه نرسد و جبرئیل امین وحی محرم آن اسرار نبود میتواند گفت ارائه بهشت و قصرهای مشید آن بوده؟ او آن انوار عظمت و جلال، ارائه نعم حق بود؟ ۰۰۰

**عبادت حضرت شعیب (ع):**

در باره حضرت شعیب (ع) نقل شده است که روزی ملائکه خدا از وی سوال می کنند که انگیزه تو از عبادت چیست؟

بقیهد صفحہ ۲۴

## سخن امام - - - بقیه از صفحه ۲

کیهان ۶۱/۴/۸

۰۰۰ اگر امروز دولت های منطقه با سلاح نفت و سلاح کم در مقابل این جنایتکاران بایستند مسئله اسرائیل و سران آن آمریکا و اسرائیل را در تنه بیاورند یگر حل میشود.

اطلاعات ۶۱/۴/۱۲

پیام امام به مناسبت: عبادت آیت الله مدوقی: در هر جمعه و در هر جماعت و در هر محفل اسلامی و در هر گرد هم آیی برای یاری اللهدر انتظار قربانی هستیم. ۰۰۰۰۰

مقصد عقیده است و جهاد در راه آن و پیروزی انقلاب، نه زندگی و نه دنیا و رنگ و وی ننگین آن. ۰۰۰

پیش ما مطرح است هدف بسزرگ و شخصیت های این بزرگواران شهید است که به حمد الله هدف نزدیک و شخصیت های اینان با زترو لزوم می شود. ۰۰۰

اطلاعات ۶۱/۴/۲۴

قسمتهای از پیام امام خمینی به مناسبت عملیات پیروزمندان "روضان" ملت مظلوم عراق. ۰۰۰

بیاختیزید و با برادران همی خود دست است اخوت اسلامی دهید و این حکومت را از صحنه خارج کنید و خود با تصمیم خود حکومت اسلامی دلخواه را تشکیل دهید.

ملت عزیز عراق، اکنون که برادران شما با فدای جان برکف برای حفظ همین ونجات برادران عزیز در بند خود به سوی شما آمده اند. قیام کنید و با الهام از اسلام بزرگ برد شمنان اسلام بتازید که برادران عزیز شما و ملت شریف ایران از پشت جبهه ها به جبهه های آیند و با کمک شما عزیزان و برادران ایمانی، این غده صرطانی را از قلب یک کشور اسلامی بیرون ریخته و ملت شریف عراق را بر سر نوشت خود حاکم می گرداند.

۰۰۰ شما ای برادران و جوانان ایرانی که یک برادران رزمنده خود بشتاید که این لحظه از حساس ترین لحظات سرنوشت ساز است. با پیروزی اسلام بر کفر و فلقیان و با خدا خواسته اگر فلتی و با اهلان شود، شکست اسلام و ننگ ملت برای همیشه و هیبت کشما جوانان غیور زریار ذلت برود. پس تکلیف اسلامی و میهنی شما اقتضا دارد که سوی جبهه ها جوانمردانه هجوم آورید و بکشید تا جامه ذلت پوشید و بد اندک و هر چه ارتش عراق به کلی او بین رفته است و اسلام امروز احتیاج به شما جوانان بیرونده دارد.

بقیهد صفحہ ۲۴

کس که نخواهد به جنت و لقاء الله برسد باید زحمت را تحمل کند و دلسرد نشود امام خمینی

# ابراهیم (ع) عصیانگر همیشه تاریخ

ابرهیم عصیانگر همیشه تاریخ (۸)  
بسم الله الرحمن الرحيم  
در شماره های گذشته راهی را که ما می‌خواهیم  
مرحله هدایت ابراهیم (ع) را که بسیار  
میل بسوی خداوندی فطری و نفی بتها  
آغاز گشته و سپس با تحقق ایمانش  
به یقین رسید بود، بررسی کردیم.  
اکنون به توشه گیری از آیات بعدی سوره  
انعام می‌پردازیم.

آنکه ایمان آوردند و نیالودند ایمان  
خوش رابه ظلم، برای آنان است  
ایمنی و ایشانند هدایت یافتگان.  
آیه ۸۲ سوره انعام  
این آیه در واقع جمع بندی از سیر  
پر خوره ابراهیم (ع) است که بصورتی  
قانونمندی عام حاکم بر حرکت انسان  
مطرح گردیده و آن، شیوه دستیابی  
به آرامش و امنیت است.

قرآن کسانی را مستحق رسیدن به  
"امن" میدانند که ایمان آورد و آن را  
به ظلم نیالودند باشند. اما ما که می‌زنیم  
آلوده شدن ایمان به ظلم چیست؟ و  
پس از یک مرحله هدایت چگونه می‌شود  
که ایمان، ملبس به مستحرف  
می‌گردد؟

مکانیم آلوده شدن ایمان به ظلم:  
از دیدگاه منطقی توحید تمامی  
انسانها بر مبنای فطرت خدا و  
بی نهایت طلب شان به خدا ایمان  
دارند. اما از آنجا که دست انسان از  
ذات مقدس حق تعالی کوتاه است  
و در هر مرحله از هدایت، تصویری از  
خدا در ذهن دارد که گاه از رگه های  
ذهنیت کوی برخوردار بود و گاه  
تصاویر و با واقعیت فاصله زایی  
پیدا می‌کند. اما همه انسانها در نفس  
پذیرش و ایمان به خدا، وحدت  
و اشتراک دارند. در همین حال بسا  
نگاهی بتاریخ از آدم (ع) تاکنون  
در زندگی روزمره مردمان می‌بینیم که  
بسیاری از انسانها به جای آنکه بر مبنای  
فطرت، مستورا هدایت و کمال  
یابند، روز به روز از تسلیم به واقعیت  
بیشتر سرباز می‌زنند و اینجاست که  
چگونگی آلوده شدن ایمان به ظلم  
مطرح میگردد. اگر انسان باتکیه به  
ایمان خویش، مستورا در جهت  
رسیدن به مراحل بالای کمال و تقرب  
به الله حرکت نکند و ایمانش از بویایی  
برخوردار نباشد، در یک مرتبه درجا  
می‌زند و بسکون می‌رسد.

ایمان انسان مثل نهرا باشت و  
تازمانی که راه خود را باز کرده و جلو  
می‌رود، تصفیه و زلال می‌شود. اما هر  
وقت که در یک جای حرکت بماند  
و از جوشش و حرکت غافل شود، در طریقی  
اندک زمانی به گند آب تبدیل می‌شود  
به همین ترتیب انسان در تمام طول  
زندگی نیازمند حرکت به سوی کمال  
مطلق و در نتیجه رسیدن به مراحل بالا

از آلوده شدن آن به ظلم، تنهادر رگرو  
همین مجاهدات بی وقفه است.  
اصالت دادن به جوهره  
انسانها و برخورد تعالی بخشش؛  
نکته دیگری که در این بخش از آیه قابل  
توجه است، اینکه "ظلم" را ببنیاد  
و پوشش بر روی ایمان نامیده و به  
عبارت دیگر "ظلم" را زنگار روی ایمان  
میدانند. یعنی حتی پس از آلوده  
شدن ایمان انسان، باز آنچه جوهره  
وی را تشکیل میدهد، همان ایمان  
فطری به خدا و واقعیت مستقل  
از ذهن است و ظلم "همچون لپاسی  
رویه سطح آن را پوشانده است. با  
این دیدگاه است که می‌توان علیرغم  
تعمای گمراهیها و انحرافات، جوهره  
رشدیابنده و حق طلب انسانها را دید  
و همین اعتبار، در پی زدودن باطل  
از روی آن بود. باین دیدگاه است که  
اسلام باطل را زهوق و رفتی میدانند.  
بر اساس این بینش توحیدی است  
که امام خمینی همه انسانها حتی در  
سرگردنه راه خداوندانسته و  
بزرگی باید از انسانها را کمال طلبی  
میدانند. (کمال مطلق نه توهم کمال)

همین ایدئولوژی، امام را قادر ساخته  
است که در انقلاب مرگ بر شاه میسر  
از آن در استراتژی فتح قدس و جنگ  
اسلام و کفر، زندگی این ملت متحول  
سازد و توده ها را از زندگی عادی به  
سوی بالاترین مدارج کمال انسانی  
تعالی می‌دهد. این ایدئولوژی  
مبنای استراتژی امید است که بر اساس  
آن حتی در جو سگون و عدم تحرك بسا  
ایمان به جوهر رشد یابنده انسانها  
می‌توان خوش بینانه در جهت بیدار  
کردن نظرها فعال شد و میروزیها را  
در رنطفه دید.

از تسلیم به خدای ذهن تا یابند  
طبقات استعمارگر؛  
منطق توحیدی ابراهیم (ع) که  
سراسر شور و حرکت و مبارزه با سکون  
در تصور است. در استراتژی نیز  
حرکت آفرین بود موانع را به مبارزه  
با طبقات استعمارگر و ظالم برمی‌انگیزاند  
مبنای استعمار رد جامعه اعتقاد به  
این بینش غیر توحیدی است که راه

خداوند را می‌داند طبقات دانسته و به  
عبارتی می‌گوید خدا خواسته که طبقات  
غنی و فقیر باشند. این تفکر نتیجه  
"سکون در تصور" است که موجب  
می‌شود دیدگاهها را ثابت ببینیم. گویا  
خدا خواسته که مستضعفین محکوم  
باشند و مستکبرین حاکم

در هر مرحله اول با تسلیم به فطرت حق  
طلب خویش از خدا ایمان مخلوق ذهن  
قومش دوری جست و بسوی خدای فطری  
میل می‌کند. سپس در استمرار حرکت  
در پی تحقق ایمان خویش برمی‌آید و با  
محک زدن ماه و ستاره و خورشید به این  
جمع بندی میرسد که اگر اینها را بعنوان  
رب خویش بپذیرد، به صفوف مشرکان  
خواهد پیوست. در نتیجه گمان ربوبیت  
و استقلال بدیده ها را قاطعانه نفی  
کرده و بسوی خدای واحد و احد  
روی آورد. "انی وجهت وجهی  
للذی فطرا السموات والارض" در این  
مسیر پر خورده است که ابراهیم (ع) به  
یقین رسیده و در زمره موقنین قرار  
می‌گیرد.

ابراهیم (ع) با استمرار ایمانش  
و مراتب کمال را با شتاب طی می‌کند  
و بر اساس همین بویایی است که بسا  
رگه های ذهنیت و شرک نیز  
بصورت پیگیر مبارزه می‌نماید. شیوهها  
- توحیدی ابراهیم (ع) نمونه کاملی  
است برای آنکه می‌خواهند چگونگی  
حفظ ایمان و مبارزه با آلوده شدن آن  
به "ظلم" را بیاموزند.

نیاز مومنین به هدایت مستمر؛  
مومنین از موضع نیاز حفظ ایمان و  
جلوگیری از آلوده شدن آن به ظلم است  
که در روز و نیاز یابد ای خویش همواره  
این دعا را زمزمه می‌کنند که: "ربنا  
لا ترغ قلوبنا بعد ان هدیتنا" خداوند ا  
پس از هر مرحله هدایت دلهای ما  
را ملغزان. "مومنین از معبود خود  
می‌خواهند که آنان را در تمام حرکت  
و سیرالی الله یاری بخشد که هر مرحله

خداوند هم مقلب القلوب است و قلوب نیازمندان  
و عاشقان را در جهت خویش متحول میکند و هم ثبات  
دهنده و آرامش دهنده این قلوب است از این رو مؤمنین از  
یکسو تشنه پویایی و رشد قلوبشان هستند و در دل این دگرگونی  
ثبات و آرامش قلب را نیز میخواهند یعنی هم پویایی می  
خواهند و هم آرامش (آرامش پویا)

بالاتری از هدایت که دست می‌یابند  
و فقیر تر و نیازمند تر گشته و نیازشان به  
حرکت شدت بیشتری پیدا کند  
مومنین از زور و کار خویش می‌خواهند  
که دلهای آنان را از لغزش، که همانا  
غفلت از حرکت مستمر است، محفوظ  
نگهدارد. زیرا که حفظ ایمان و جلوگیری

تر هدایت است. در فراین صورت  
رگه های ذهنیت و شرک در ذهن  
انسان شکسته نشده و بصورت یک  
سیستم انحرافی حاکم میشود. باقی  
ماندن بزرگ تصویر از وجود، در واقع  
استمرار در ذهنیت است. به عبارت  
دیگر وحدت با تصویر ذهنی، اگر سر  
استمرار یابد، عین مشرک شدن است.  
ماندن در شرک و استمرار در آن، همان  
"ظلم" است که اساس ایمان انسان را  
ملوث می‌کند.

به این ترتیب، پرستش و تعب و  
خداوند، تسلی می‌مالمال از حرکت  
بویایی و رشد است و ایمان و نیازمندی  
به هدایت الهی، مبنای مبارزه با سکون  
و مبارزه با اصالت دادن به تصویرهای  
مرحله ای انسان از واقعیتهاست. تسلیم  
به خدا، یک حرکت است که در دل آن  
مستورا باید با ذهنیتها بنیاد و نقل  
از این مبارزه قدس، سیمه آید.

شدن، ذهنیتها را موجب میگردد  
استمرار و افشاری در شرک، انسان را  
بفردی مشرک تبدیل می‌نماید.  
با این دیدگاه است که می‌توان  
رویه هدایت ابودر را درک کرد. او چند  
سال قبل از بعثت رسول اکرم (ص) در  
میان قوم بت پرست خویش، به  
ضعف و بونی خدایان ذهنی بسی  
میبرد. یعنی با ملاکهای فطری  
خویش بتها را محک زده و از آنها بی‌زاری  
می‌جوید و بسوی خدایمیل می‌کند.  
رمز هدایت ابودر در این بود که  
به پرستش بتها اکتفا نکرد و مستورا  
در پی رسیدن به حقیقت مطلق تلاش

میکرد. همین امر با حرکت و بویایی  
بخشیده و ایمانش را از آلوده شدن به  
ذهنیت سیستماتیک و "ظلم" ایمن  
کند و بسود.  
مرحله رشد ایمان ابراهیم (ع)  
ابراهیم (ع) خود الگوی تمام  
عیاری از تحقق این آیه است. او

این دیدگاه ما را به تصویری نسبت  
به بدیده ها و رساند که مراتب وجود را  
ثابت دیده و بصورت یک سیستم  
طبقاتی ساکن در نظر آوریم. یعنی به  
حد بدیده ها اصالت بدیده هم نمیده  
نیازمندی و رشد یابندگی و سعه وجودی  
آنها.

چنانچه در انقلاب مرگ بر شاه  
دیدیم، آنان که ایمانشان به خدا  
افزوده نگشته عبادت در کج اثاثها  
اکفا کردند و در کمال هیچگاه به  
مبارزه بر علیه ظلم طاغوت برخاستند.  
اعتقاد به چنین خدایی موبد جامعه  
طبقاتی و ظالمانه است. در نتیجه تحقق  
ایمانشان در عمل، جز اسلام عافیت  
طلب و به ظاهر "خیرهای پیوسته"  
نی‌توانست باشد.

در مقابل توده های شهادت طلب  
باشعار "الله اکبر" همواره در پی  
آن بودند که تصویر خودشان را از وجود  
شکسته و مبرداشت واقعی تری دست  
پیدا کنند. این توده های فطری  
و حضرت عباس به خدای واحد حاکم  
بر جهان ایمان قلبی داشتند و خدا  
را بزرگتر از شاه و ساواکی و کارتر و رگمان  
میدانستند. در نتیجه شاه  
بودیم در هر نیایش شبانه با شعار  
تعالی دهنده الله اکبر، بر روی پشت  
بامها توطئه ها را در هم می‌شکستند  
و بر اساسی که با همین تصویر شکنیها  
ایمان به حاکمیت اراده و خدا بود که  
قدرتهای شیطانی در ذهن تودهها  
شکست و انقلاب اسلامی به پیروزی  
رسید.

امنیت از دیدگاه منطق توحید  
آیه ۸۲ سوره انعام، گروه مومنان  
را که ایمان خویش را به ظلم نیالوده اند  
و مستحق امن و آرامش دانسته  
و هدایت یافته می‌خواند.  
آنکه ایمان آوردند و نیالودند  
و هم هستند.

دید که "امن" از دیدگاه قرآن چگونه  
تلقی می‌شود و تفاوت آن با نقطه نظرها  
- دیگر چیست؟  
در رابطه با امنیت و آرامش  
برد اشتباهی مختلفی وجود دارد.  
بسیاری زندگی بیروال عادی و بسودن  
بستی و بلندی یعنی خیال تختی  
و آرامش میدانند که شعار امنیت،  
رفاه، تولید "بنی صدر فرساده" دل  
اینهاست. عده های دیگر آرامش را در  
سایه نزدیکی به الله میبینند. اما  
برای این منظور، به شیوه غیر اصولی  
متوسل شده و به عبادت جدای از صحنه  
مبارزه و نیازهای اسلام و انقلاب  
می‌پردازند. اما آنچه که در زندگی  
و شیوه های انبیا و ائمه اطهار آشکار است  
اینکه امنیت واقعی همان طمانینه  
است که در یک حرکت مستمر بسوی خدا  
باشیوه زندگی جان بهک، حاصل  
می‌شود. امنیت واقعی همان آرامش  
بویاست که حتی یک لحظه سکون و عدم  
تحرك را نیز برفته و زندگی را سراسر  
بقیعه رفاه ۲۲

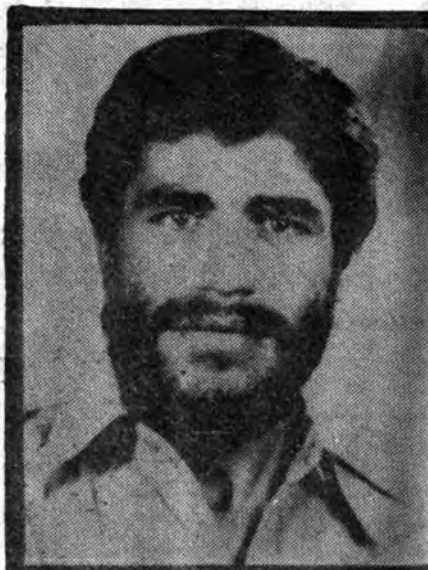


به مناسبت یادبود شهیدان

فرازهایی از زندگی و ویژگیهای  
مجاهد شهید

# علی اکبر توکلی

سرباز امام زمان عج،  
قاسم نوداماد



مجاهد شهید علی اکبر توکلی:  
خیلی دلم میخواد در فتح قدس  
بشرکت داشته باشم چون  
فرماندهی آن در دست امام زمان  
عج است ولی میدانم که در بازگشت  
راه گریلا شهید خواهم شد و این  
نهایت آرزوی من است.

بسم رب الشهداء والصدیقین

سال گذشته در مرداد علی اکبر توکلی در حالی که فرماندهی قسمتی از حمله در جبهه سومین راهی عهده داشت در راه آزادی کربلا قدم به شهادت بوسه زد و به ابد پیوست.

علی اکبر در روز ستای مریسون از توابع الیگودرز در خانواده ای روستایی بدنیا آمد از همان موقع با پدر و رنج روستائیان و ظلم و ستم فئودالها آشنا شد. روزها همراه پدرش به صحرا میرفت و پدرش را کمک میکرد. سپس از برای تحصیل ابتدایی برای ادامه تحصیل به اراک رفته و در آنجا دبیرش را گرفت و سپس در دانشگاه زاهدان در رشته مکانیک مشغول به تحصیل شد. سال دوم دانشگاه با اوج گرفتن انقلاب علی اکبر در نیامی دیگر به پیش گشود شد. شهید علی اکبر در تظاهرات و مبارزه با رژیم از جمله های فعال بود در دانشگاه نیز با همان سادگی روستائیش زندگی می کرد پس از پیروزی انقلاب در کارها می آموزش نظامی مردمی و ... فعال بود و در همین اوان بود که در جهت خدمت بیشتر به انقلاب نیاز به کار مسلحان ایدئولوژیک سیاسی تشکیل تاسی پیدا کرده و به گروه توحیدی صمدیه پیوست.

در تظاهراتی که به نفس جاسوسی برپا شد گرداننده اصلی بود و در افشای مواضع انحرافی بنی صدر نقش فعال داشت. پس از آن به اراک آمد و با شروع حرکت تقسیم زمین از قبایلی که واقعا در دست مستضعفین روستاها داشت به فعالیت زیاد در این جهت همگام و مسئول هیئت تقسیم زمین آزاد شهراک شد و علاوه بر کار در هیئت تقسیم زمین به راهرو تیبیین و تحلیل این حرکت پرداخت.

با شروع جنگ اسلام و کفر برای رفتن به جبهه شوقی عجیب داشت پس از تعطیل هیئت تقسیم زمین در آزاد شهراک در جهت خدمت بیشتر به انقلاب به بروجرد رفت و با گروه

شریعت به همکاری مشغول شد. تلاشهای شبانه روزی وی در جهت مبارزه سیاسی ایدئولوژیک با رجیسترها و بنی صدرها و سعی در کشاندن افراد صادق آنان به طرف انقلاب را می توان از یاد برد. علی اکبر در این مدت در انتشار نشریه راه گریلا در زمینه ارائه ایدئولوژی و خط مشی امام و همچنین در جهت تعالی دادن مسائل جبهه سومین زندگی شهدا فعال شد. او در صداقت، اخلاص و تقوایان همگان پراستی الگوبود.

در فروردین ماه ۱۳۶۰ به عهده از اینکه قرار شد باقی چند از جبهه ها به جبهه سومین به تهران آمده و طبق عهد خود با دختر عمه اش ازدواج کرد و بعد از دو هفته با کوشش بسیار و پیگیری به جبهه سومین رسید (مالکیه) محل شهادت مجاهد شهید مسعود براتی گودرزی (از یاران نزدیک علی اکبر که چند ماه قبل از او به شهادت رسید) اعزام شد از این پس می توان زندگی جدیدی برای علی اکبر به حساب آورد.

حال با ذکر چند محور از زندگی علی اکبر مجاهد راستین و سرباز امام زمان سعی می کنیم ویژگیهای او را الگوی زندگی مان قرار دهیم.

شهید علی اکبر در واقع یک سرباز امام زمان و پیرو واقعی امام بود. برای اینکه ما هم بتوانیم مانند او بشویم یک بررسی اجمالی از خصوصیات امام زمان کرده و سپس می بینیم که علی اکبر پراستی سرباز امام زمان بود.

امام زمان سلام الله علیه عصاره خلقت است و انسان کامل است. (تفسیر سور معلق امام خمینی) همانگونه که امام میگویند امام زمان به کمال رسیده و الگوی خلقت است. انسان کامل یعنی چه؟ چگونه انسان کامل میشود؟ امام خمینی می فرماید: "در فطرت همه بشر این است که کمال مطلق را خواهند."

تا بدینگونه خلیفه خدا در روی زمین شوند و امام زمان (عج) خلیفه خدا در روی زمین است. تحقق عینی تعالی صفات خدا گذشته است و موحدترین و عادلترین، عالمترین و صابرترین و قهارترین ... انسان است و به لقا الله رسیده است.

تعالی انسانهای خدا جو چون بدنیال تحقق صفات خدا ایند لذا انسانی را که صفات خدا را بیشتر تحقق داد ما الگوی خویش قرار میدهند و بدینگونه است که تمام انسانها بدنیال امام زمان (عج) و به شوق دیدن او به جبهه ها میروند و میگویند "هر کجا صالح ترین کار است تو آنجا میسی". سربازان امام زمان کسانی اند که می خواهند در تمام وجود کامل شوند صفات خدا را تحقق دهند و به لقا الله برسند. جوانهایی هستند که سلاح بردوش و قرآن بدست با هوشیاری مراقب دشمن هستند و شبها شیخون می زنند، روزها دعا می خوانند زاری می کنند، گرمی کنند، سرشان را به دیواری زنند می گویند یا امام زمان ظهور کن و بحث شان بر سر این است که امام زمان در خونین شهر ظهور میکند، در کربلا ظهور می کند، یاد رجنوب لبنان و هممازمه سبقتی گیرند، در شجاعت دارند که ببینند امامشان کجاست، در اعمال صالح از یکدیگر سبقت می گیرند و میگویند "هر کجا صالح ترین کار است تو آنجایی". مثلاً حسین شهید که یکی از سربازان امام زمان است برای محوظالین و تحقق حاکمیت واحد اللیمانق جگر کردن تانگ دشمن قلب انسانها را به تکان در آورد و به اینگونه به لقا الله رسید.

شهید علی اکبر نیز یکی از همین سربازان امام زمان بود. هدفش لقا الله بود و این را در بررسی شیوه ها و زندگی می توانیم ببینیم که چگونه در همه جا خدا را می دید و همه کارها را با اسم رب شروع میکرد.

۱ - پیوند شهید علی اکبر با مستضعفین و عشق به امت واحد است: امام زمان (عج) با تحقق امت واحد جهانی بهترین وجه حاکمیت واحد اللیمانق ارضی سازد و

شهید علی اکبر در جهت ستایش وحدانیت خدا این نیاز امام زمان، هر چه بیشترش امت واحد و حاکمیت مستضعفین قدم بر می داشت. شهید علی اکبر یک روستا زاد بود و از کودکی با ظلم و جور فئودالها و اربابان بزرگ شد بود کینه عجیبی از فئودالها به دل داشت. وقتی که در هیئت تقسیم زمین کار میکرد می گفت: "بالاخره با تکیه به قدرت خدا آورده نمود های امام به ستان به آنتها رسید و حالا نوبت ما است و به مردم روستا خیلی علاقه داشتیم و اتفاقی که بعد میرفت به کمک پدرش می برد اختور روی زمین کار میکرد و زحمت می کشید و در حالی که از انگشتانش خون می چکید از انقلاب و امام تعریف میکرد. علی اکبر می گفت پیروان واقعی امام این روستائیان هستند. یکبار که از جبهه به مرخصی آمده بود صحبت مفصلی برای اهل ده کرد و بعد از اوضاع جبهه برایشان گفته بود چنانکه پس از شهادت تمام اهیل ده به شدت گریه کرد مواز صحبتهای آنروزش تعریف میکردند.

در مدتی که مسئول تقسیم زمین آزاد شهراک بود پیوند عجیبی با روستائیان خورد و به مردم و در برخورد با آنان گویی که سالهاست علی اکبر با آنها زندگی کرده و در دل آنها را فهمید و روزها با تلاش زیاد و با کمترین امکانات و با غذای اندکی که اغلب نان و پنیر و سیب زمینی و ... بود در میان آنان زندگی می کرد. یک روز با زمان روزی همراه شهید مسعود براتی گودرزی پای پیاده به موقع اقطار نزدیک ده میرسند ولی وارد ده نمی شوند و بانان خرمایی که همسراه داشته اقطاری کنند می گویند ممکن است روستائیان غذای کافی نداشته باشند و بعد خجالت بکشند.

به برخورد با مستضعفین بخصوص روستائیان خیلی اهمیت میداد می گفت اینها انسانهای پاکی هستند و زیاد به حق با آنها و فرهنگ طاغوتی آلوده نشده اند و ما باید پیام امام و انقلاب را به آنها برسانیم و انسان بودن را از آنها یاد بگیریم. علی اکبر می گفت اگر هر روستایی که شهید بد هدتد او را انقلاب تضمین میشود.

پیوند علی اکبر در جبهه با جبهه ها قابل توصیف نیست و نمی توان روی کاغذ آنرا بیان کرد. تنها چیزی که می توان گفت این است که پس از شنیدن خبر شهادت علی اکبر تمام جبهه های که از دور و نزدیک او را می شناختند و حتی یکبار او را دیده بودند سایه هم چهره شان افتاد هر کس برای دیگری از برخوردش با علی اکبر سخن می گفت و همه می گفتند پس از علی اکبر ما چکار کنیم؟ این رابطه های درک می کنند که در جبهه با علی اکبر بودند.

۲ - عشق به امام و آیت الله منتظری:

شهید علی امام را فریاد دل مستضعفین میدانست و می گفت "خمینی تونوری از خدایم، فریادی از دل لهایم رهبر مایی".

می گفت امام بخاطر اینکه انسانی خدای من است ما از پیروی می کنیم شهید علی معتقد بود امام فریاد دل ما است، فریاد فطرت ما است. فطرت ما این است که خدا اجوبند و ضد ظلم و عدالت طلبند و ... مثلاً "مردم از ظلم امریکا و اسرائیل صد ایمان به تنگ آمده اند و وقتی امام فریاد اسرائیل باید ناپود شود راسر میدهد و وقتی فریاد آزادی کربلا و قدس را سر میدهند و نوری از خدا میشود، آنگاه مردم آنرا فریاد دل خود دانسته و می گویند رهبر مایی. رقصتی از وصیت نامه اش می نویسد: "همیشه از امام و گفته هایش پیروی کنید و در تمام موارد از او اطاعت نمائید که او ولی امر و نائب امام زمان است و هرگز تا خون در ریدن در اید او را تشها نگذارید که او وارث امام حسین (ع) و تمام شهیدان تاریخ است او ثار الله است همیشه سر نماز او را دعا کنید و بگوئید "خدا ایا خدا ایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار".

علی به امام زمان عشق داشت و به دنبال او بود و چون امام را نزد یکترین فرد به امام زمان و نایب امام زمان میدانست، پیروی از امام را واجب میدید و می گفت سرباز امام زمان کسی است که سرباز امام خمینی باشد.

یکشب در جبهه قبل از غزل بقیه در صفحه ۱۹

درسی که از خنیف نژاد می آموزیم درس عشق است وقتی کسی عاشق شد و از هیچ چیز جز خدا نترسد آن موقع صبرش زیاد میشود و مقاومتش زیاد تر میشود کارش را علی رغم موانع استمرار میدهد

## انسان عاشق

روشنفکران از نهضت ملی گرفته تا نهضت مقاومت ملی و نهضت آزادی و انجمنهای اسلامی دانشجویان و مجاهدین بود. امام هم ایشان را مفسر قرآن و ابودر زمان نامیدند. در حالیکه مسئولین حوزه ایشان را بعنوان یک شخصیت حوزه ای تلقی نمی کردند. و ما دیدیم که در تشییع جنازه ایشان ۳ میلیون تن بوده عزادار فریاد می کشیدند: "عزای عزاست امروز - امروز - روز عزاست امروز - خینیسی بت شکن صاحب عزاست امروز. طالقانی مجاهد پیش خداست امروز." ای نایب بیخبر ما جای تو خالی "و با عزاست امروز: روز عزاست امروز خینیسی بت شکن ما حب عزاست امروز."

### انسان عاشق و شرایط محیط

مانباید به شرایط و محیط امانت بسند هم و بگوئیم که این لباس و آن لباس را انسان عاشق و رفا را می پوشد. انسان عاشق وقتی که عاشق شد و وقتی که سوز شد و وقتی که درد دین داشت و درد تود بود و در امت واحد داشت بهر حال توده ها را بسیج میکند و به شکل هم امانت نمیدهد. چه روحانی باشد چه غیر روحانی. این انسان عاشق در درجه اول خود را بسیج و انگیزمند شده و سپس مردم را بسیج مینماید. جوهری میشود که تمام اعراض را بدنبال و در جهت الله به حرکت در می آورد.

### داستان موسی و شبان

در جریان داستان موسی و شبان میبینیم که شبان انسان عاشق بود که همه چیزش راه گله اش راه ره اش راه جان و مالش را در راه خدا معشوقش ایثار میکرد. البته ذنبت هم داشت. دیدیم که حق تعالی به موسی علیه السلام خطاب میکند که "تو برای وصل کردن آدمی و نی برای فصل کردن آدمی و خداوند این چنین ازنده عاشقش دفاع میکند. میبینیم که روح الله عاشق و عاشق خدا و عاشق رسول و سوز از مارک نمیرسد از ملامت و ملامت کننده نمیرسد حدش را میبشکند و خودش رشد میکند. سعه وجودی دارد. آن موقع که درس اسفار را تکوین میکردند و کتاب اسفار را با انبیا بر سر این طرف و آن طرف می بردند که میباید انجمن شوند امام درس اسفار میداد حتی برای یک طلبه میبینیم که تیبیین انسان عاشق با تیبیین منف و طبقه فرق میکند. این عشق و این بینهایت طلبی و این معرفت طلبی ای که حد را میبشکند. چه از درون روحانیت و چه از بیرون روحانیت باشد انسان عاشق خدا بالاخره میرسد به حقیقت میرسد به صفات خدا میرسد به قرآن و میرسد به اسلام راهنمای عمل. به همه چیز میرسد و امانت زمان خود را میدهد و بعد به ویژگی پیدا ارتود هم میرسد و توده را میتواند بسیج بکند و این ملاک حق و باطل است. در روحانیت از یک طرف آیت الله منتظری هستند و شهید منتظری هستند و از طرف دیگر شریعتمدار محمد وی کودتاچی هم هستند در غیر روحانیت نیز وضع به همین عنوان است. میبینیم شریعتمدار - آری روحانی با مادی قنط زاده و غیر روحانی بیون - میخورد و یک خط مشی را تشکیل میدهند و با سلامتیان و قومی و این برای مادرسی است که آنچه که امانت دارد خدا او دین خداست. نبود عشق به خداست. اینجاست که علی (ع) میفرماید: "اول الدین معرفت الله" آغاز دین معرفت

در شماره های قبل را مجاهد (شماره ۸) به پروردگار معاصیبه تلویزیونی حسین روحانی برداختیم و گفتیم که اتهام مشی چریکی جدا از توده که از طرف او به حنیف نژاد زد شد حری بی اساس بود گفتیم که او انسان عاشق بود که در آن شرایط خفقان نه تنها نقش زیادی در بسیج مردم داشت بلکه حمایت روحانیت مبارز را هم جلب کرده بود. و همچنین گفتیم که حنیف نژاد خط مشی است که اعتقاد مطلق بفتوه ها بود و نه عدم اعتقاد مطلق. بلکه اعتقاد داشت که باید به توده ها اعتقاد نسبی کرد. در این شماره به تیبیین انسان عاشق می پردازیم و روششن میبینیم که چنین انسانی در رکاد و صنف و گروه و طبقه خاصی تیبی گجند.

### بنام خدای شهیدان

### تیبیین انسان عاشق

۱- برخوردار صفتی و برخوردار حق و باطل با مبارزه یکی از مسائل روز انقلاب است که بایستی در اطرافش توضیحات داده مسئله برخوردار صفتی و گروهی "با مبارزه از یک طرف و برخوردار حق و باطل" با مبارزه از طرف دیگر است. عده ای و روشن فکران و غیر روحانیت را یک صنف و یک طبقه کرد و تیبیین روحانیون را یک صنف و یک طبقه محسوب میکنند و میگویند که مبارزه در رکاد روحانیت درست است یا خارج از روحانیت "آیا مشی شهید شریعتی درست بود است یا اینکه ابتدا شهید حنیف نژاد را از روحانیت جدا کرد و میگویند: آیا مشی حنیف نژاد درست بوده که خارج از رکاد روحانیت کسار میکرد است یا اینکه مشی امام خمینی که داخل روحانیت مبارزه میکردند "مثلاً مشی شهید نواب صفوی چه بوده؟ یا مثلاً مشی مرحوم طالقانی چه بوده؟ حرکت صدق و قیام. آخیر چگونه بوده است؟ اینها تیبیین روحانیت و غیر روحانیت مرز گذاشته و به بن بست میرسد. چه با به بن بست میرسد برای اینکه ما میبینیم در بین روحانیون هم جریان حق هست و هم باطل هم امام خمینی هستند هم شریعتمدار هست.

### ملاصد را و امام خمینی

نیروی که مرحوم ملاصد را را تکوین کرد و میخواست او را بکشد همان نیروی که توبه کرد تا بر علیه امام خمینی داشته و میخواست جماران را بمباران کند و در خط وحدت با ملک خالد بود. با این تفاوت که ملاصد را به غار کهک پناه برد که توده ها نبودند ولی پناهگاه امام خمینی قلب توده ها و حسین نمیدهد. ما بودیم نباید این روحانیت را در محتوی یک صنف و یک طبقه بگیریم و یک کاست و نباید بگوئیم در روحانیت هر چه هست درست است و یا هر چه هست غلط است.

### خط دانشگاه - خط حوزه

در درون روحانیت هم حق هست و هم باطل و در غیر روحانیت هم حق و باطل وجود دارد و در غیر روحانیت و در خط دانشگاه هم حنیف نژاد و بدیع زادگان بودند و در شریعتمداری بود و سعید حسن و دکتر شیبانی و مهندس بازرگان هر کدام در مقطع تاریخی خودشان و اعضای کابینه فعلی بودند. و هم تقی زاده ها و اصطلاح شریف امامی ها.

هم غیر روحانیون بودند که مردم را بسیج کردند و هم روحانیون که مردم را بسیج کردند. آیا میتوانیم نهضت ملی شدن نفت و آن جنب و جوش عظیم برای خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس و آن قیام ۳۰ تیر ۱۳۰۰ را غیر امیل و غیر مدعی تلقی کنیم. یا مثلاً بگوئیم که حنیف نژاد که لباس روحانیت نداشت و نقشی در مبارزه نداشته است؟ در حالیکه حرکت او از لایحان ارزشهای وجودی برخوردار بود که روحانیون مبارزه همدتا او را تأیید میکردند و خیلی از روحانیون با او پیوند تشکیلاتی داشتند کمک مالی و جانی میکردند اسلحه میدادند پول میدادند و عضو معرفی میکردند اینها را نباید شوخی گرفت

شهید نواب صفوی ابتدا دانش آموز هنرستان منعتی بود. سپس مدتی در شرکت نفت کار کرد و پس از آن به نجف رفت و چند سالی درس خواند و به ایران آمد. او مرتبه تحصیلات علمی اش چندان بالا نبود و بیشتر قرآن و روایت کار میکرد. او انسان عاشقی بود که مردم جنوب شهر را بسیج کرد. از پیشنهاد امام مرحوم این بود که درس قرآن در حوزه های علمیه به صورت درسی رسمی در آید. یا مرحوم طالقانی بیشتر کارشان تفسیر قرآن بود و برخوردارشان با دانشجویمان و

خداست و با همین نیاز و عشق است که به صفات خدا هم میبینیم. به قرآن میبینیم. همین توده ها میگویند "خدا، قرآن خمینی" یعنی از عشق به خدا ایشان به قرآن میروند و از قرآن هم میروند به ملاکهای قرآنی و امامشان را انتخاب میکنند. اینجاست که از حنیف نژاد می آموزیم درس عشق است و وقتی که کسی عاشق شد و از هیچ چیز جز خدا نترسد آن موقع صبرش زیاد میشود و مقاومتش زیاد میشود. بالاخره کلاوس را علی رغم موانع استمرار میدهد. بعد از مدتی دیگران هم میفهمند که ای این حقیقت خاصی داشته است و حتی دشمنانش نیز نظرشان را عوض میکنند. مثلاً امام حسین (ع) چقدر صبر کرد. چه قدر رکاد سازی کرد. از یک تفرقه شروع کرد از دین و نفاق از مارک و ملامت نترسید. حالیکه نمونه دیگری داریم که از دین جریان بعثت عشقشان به یک نتیجه میروند. یکی شهید مسطهری از روحانیت است. شهید مطهری کتابهای زیادی نوشته، کتاب "روش رئالیسم" را نوشتند. جاد بومس د افعه علی (ع) را نوشتند خیلی کار کردند و بعد میبینیم که خود شهید مطهری بدنبال گم گشته ای بوده است که در "جلد روش رئالیسم اشاره ای به این کم شست میبکند و پرهان خند یقین را مطرح میکند و فرازهای جدید دارند که میبینیم در کتابهای دیگرشان نیست و بعد در جریان انقلاب ۶۰ نوار تفسیر قرآن دارند و میبینیم که از ارزش وجودی بالایی برخوردار است بعد آخرین مقاله ای که از ایشان در روزنامه کیهان حدود سه چهار ماه قبل چاپ میشود در رابطه با رهنمود های به حوزه ها توریه میکنند که حوزه های علمی باید بحث عمیق و انسانی درباره فطرت و نظریات بکنند (روزنامه کیهان ۱۷ / فروردین / ۱۰۲) و طی مقاله دیگری نیز در مورد حوزه ها گفته بودند نباید چیزهایی را در حوزه درس بدیم که در کشور های غربی همان چیزها را درس میدهند.

میبینیم که کسی که در جریان مبارزه قرار میگیرد و در عمل صالح قرار میگیرد و عاشق میشود بالاخره میرسد به اینکه این منطقهای بشری: منطق یونان معلم کلاسیک نمی تواند جوابگوی انسان باشد و آخرین توصیه شان این میشود که روی منطق فطرت و نظریات کار شود و از طرف دیگر سازمان مجاهدین می بینیم که با همین کتاب "راعی شده" شروع میکنند. حنیف نژاد ۲۶ بار این کتاب را خواند. همیشه کتاب گره بی انتهای رد ستش بود یا کتاب را علی شده یا "توحید مفضل" یا روی قرآن کار میکرد یا روی نهج البلاغه. همیشه روی رابطه خدا او دیده ها فکر میکرد. منطق واحدی میخواست. کتاب شناخت را نوشت و در مقدمه کتاب شناخت نوشت: خدا بی که در علمان تأثیر نداشته باشد در رحمت شناساییمان نسبت به چنین خدایی شک کنیم. نه در خود خدا. در درک خودمان از خدا باید شک بکنیم. بعد میبینیم که میگوید انسان بینهایت طلب. یا مثلاً "ما خود مان میگوئیم پس انسان چشون" بینهایت طلب است پس خدای هست. همه انسانها پیغمبر رضحه ۲۴

در روحانیت هم جریان حق هست و هم باطل. هم امام خمینی هستند هم شریعتمدار هست در غیر روحانیت هم وضع به همین منوال است. میبینیم شریعتمداری روحانی با صادق قطب زاده غیر روحانی پیوند میخورد و یک خط مشی را تشکیل میدهند و این برای مادرسی است که آنچه اصالت دارد خدا و این خداست. خود عشق به خداست.

چهارده مرداد سالگرد پیروزی انقلاب مشروطیت را گرامی میداریم

# علامه نائینی و انقلاب مشروطیت

با درود به شهدای انقلاب مشروطیت

چهارده مرداد ماه سالگرد انقلاب مشروطیت و یاد آور حرکت عظیم آزاد یخواهانه ملت ایران و فرزان و شیبهای تاریخی و خاطره انگیز آن در کوچهها و خیابانهای تهران و تبریز و اصفهان و ... می باشد اما از ورای حوادث تاریخی و خونهای شهادت نما و یاد رقیب سازشها و خیانتها و خطوط فکری و دیدگاههای اجتماعی مختلفی در رابطه با حرکت آن زمان مشهود و نمایان است.

به خط مشی در انقلاب مشروطه جریان ملک خانها و تقی زادهها و جریان متحدین با برهاند اخترن انجمنهای نیمه مخفی در شهرها و برقراری محفلها و جلساتی که در آنها متون ترجمه شده از فرهنگ اروپایی و متاثر از انقلاب کبیر فرانسوا آموزش داد همیشه معتقد بودند که اگر حرکت آزاد یخواهی اروپایی و تدوین قانون و داشتن پارلمان و مجلس امری نیکوست و مورد نیاز ماست الزام دارد که در کنار آن وجود دیگر فرهنگ و تفکر غربی و اروپایی را نیز در دست و کورگورانه تمام و کمال بپذیریم اینها معتقد بودند که " ایرانی قادر به ساختن یک لوله هنگ هم نیست و باید از فوق سرتسپ ناخن یا فرنگی شد "

در مقابل جریان ظاهرالصلاح بود که زیر پوشش شرع و اسلامخواهی ابتعدا از حلقه اسریماد روز پرخندگ مظفرالدین شاه منطقیهای خود را در جامعه پخش کرد . متاسفانه بعد های از مردم و علمای ساده اندیش که عشق به اسلام و شریعت محمدی هم داشتند بدام توطئه این جرممان انحرافی افتادند . حرف اینها ظاهرآ " این بود که " ما قرآن داریم و نیازی به قانون و مجلس و ... نداریم و به این ترتیب در عمل بانفی قوانین اجتماعی موجد حکومت مطلقه استبداد سلطنتی می شدند . اینها در جامعه با برهاند اخترن سخنرانیها در مساجد و میدان در مقابل مردمی که بر علیه استبداد شعرا و آزادی سر داد بودند ، زیرکانه تبلیغ میکردند " آزادی؟! مگر میشود از اسلام هم آزاد بود مگر میشود زیر بار شرع نرفت؟! و در جواب توده های محرومی که در مقابل طبقات ثروتمندی در برابر تبعیض طبقاتی آوای " مساوات " و " تساوی حقوق " سرداد بودند ، با قیافه حق به جانب و متعجب می گفتند که " مساوات؟! مگر هرگز مومن و کافر مساوی هستند مگر میشود زن و مرد ، یا بالغ و نابالغ مساوی باشند و مسلم و ذمی را با یکدیگر دید نگاه کرد؟! این دو جریان و دو قطب کاذب انقلاب مشروطیت بشمار می آمدند . اما از رون نیاز اصل توده ها جریانی هم واقع بینانه و با توجه به ویژگی مذهبی و اسلامی

جامعه از یکطرف و نیاز عدل طلبی و ضد ظلمی و ضد استبدادی مردم در کنار آن ، با تکیه بر اصول اسلام در صدد برخورد فعال با جریانهای فکری جامعه که منشا بسیاری از اختلافات آن زمان نیز بود ، برآمد ما رهبراید ثلوثیک سیاسی این جریان ، مرحوم علامه شیخ محمد حسین نائینی ( ۱۲۶۵ - ۱۳۵۵ ق ) از مدرسین طراز اول حوزه علمیه نجف اشرف بود . وی تقریباً در جریان کامل بحثهای مطرح آنروزها قرار داشت ، بهمین خاطر یادیدن این تضادها بردوش خود تکلیف احساس کرد که بعنوان اولین قدمها و اولین تلاشها سعی در تدوین نظرات اسلام پیرامون سیاست و حکومت و مبارزه بنماید . بدنبال احساس این ضرورت وی دست به تالیف کتاب " تنبیه الامه و تنزیه المله " زد و در آن در صدد بررسی معضلات سیاسی ، ایدئولوژیک جنبش مشروطیت و پاسخگویی به ایرادات و اشکالاتی که از طرف متحدین و متشرعین عنوان می شد برآمد . کتاب علامه نائینی را به حق می توان از اولین گامهای شجاعانه در برخورد فعال با مسائل اجتماعی روز بطور مدون و استدلالی از موضع اسلام بشمار آورد تاریخ تالیف کتاب سال ۱۳۲۵ هـ ق همان سال است که بدنبال بحثهای مشروطه و مشروعه بر اثر سارهای علما و مجاهدین دلسوز انقلاب از جمله مرحوم نائینی متمم قانون اساسی برشته تحریر و رأی داد البته بعد ها بعلت ضعفها و نارسائیهایی که در جنبش مشروطه وجود داشت تحولات و انحرافات تاریخی مشروطه گشت ، بطوریکه کم کم روحانیت ایران و نجف نسبت به مشروطه دلسرد شدند . از جمله این روحانیون علامه نائینی بود که بدنبال دلسردی و ناس و یکسال بعد دستور جمع آوری کتابش را از بازارهای ایران و نجف میداد . تاثیراتی که کتاب مرحوم نائینی در حرکتهای اسلامی گذاشت ( خصوصاً بعد از سال ۱۳۲۲ و کودتای ۲۸ مرداد که کتاب بوسیله " مرحوم طالقانی با مقدمه وحاشیه تجدید چاپ شد ) قابل بررسی است . برای بسیاری از دانشجویان و دانش آموزان مذهبی که در جو مبارزاتی سالهای ۳۲ تا ۴۱ قرار داشتند این مسئله مطرح بود که آیا مبارزه های کمی کنیم مورد رضایت خدا و

پیغمبر هم هست یا نه؟ کتاب علامه نائینی به این سوال جوانان نیازمند پاسخ میداد . ایشان در کتابشان مطرح کردند که هر گونه مبارزه با شرک و بت پرستی و در رأس آن با طواغیت تحقق توحید و مرگ در این راه شهادت فی سبیل الله است ، به این ترتیب کتاب مرحوم علامه جوانان قاطعیت در مبارزه میداد . در انقلاب اسلامی نیز مسائلی مطرح میشود که بیاد مسائل مطرحه از طرف قطبهای کاذب انقلاب مشروطه می افتیم :

در مورد شاپرستی ، چاره ، گندن ریشه ناپاک شاه پرستی است تا آنکه که این ریشه علمی و اخلاقی ممکن نیست زیرا پیشرفت و بدست آوردن مقام در چنین اجتماعی شاخه های این ریشه می باشد .

باقی نیست چون برای ما اسلام مهم است ، و به این ترتیب در حرف و در عمل دین را از سیاست جدا میکنند . کتاب مرحوم نائینی از لحاظ تاریخی هم ، مبانی ثلوثیک انقلاب مشروطه به حساب می آید . به این خاطر در صدد برآمدیم خلاصه ای را از کتاب مرحوم نائینی ، بعنوان یکی از دستاوردهای ایدئولوژیک سیاسی بروی منتهضت اسلامی مردم ایران ( که پیسه انقلاب اسلامی منجر شد ) نقل - نمائیم .

خلاصه ای از کتاب در چاپ جدید کتاب مرحوم آیت الله طالقانی مقدمه ای در ضرورت انتشار کتاب و ویژگیهای آن به همراه تحلیل مختصری از حرکت مشروطه و مرقوم داشته اند و خود کتاب " تنبیه الامه و تنزیه المله " مشتمل بر یک مقدمه و پنج فصل و یک خاتمه است که خلاصه آن ذیلا می آید .

مقدمه پدر طالقانی نوی توانیم منکران شویم که تفکر مشروطه از خارج وارد شده بود و بنا بر این مردم در ابتدا نسبت به آن موضعی نداشته و قادر به درک آن نبودند ولیکن از آنجایی که مردم فشار استبداد را بردوش خود حس میکردند و به مشروطه رو آوردند . در این بین عد های از علمای دین ، که قاعدتاً می بایست پاسخگو نیازهای مردم باشند در پی خواسته های خود بوده و باعث سواری گرفتن حکام از مردم میشدند ( منظور همان روحانیون درباری است ) در حالیکه از نظر قرآن و نهج البلاغه و سیره انبیا ( ع ) میبایست توحید عمل در ذات و عبادت را به مرحله عمل در آورد . منطبق توحید ، منطبق " لا اله الا الله " است و باید در مقابل هر زنی ، يك اثبات ارائه گسودد ضعف مشروطه را بداند این بود که جریانات جامعه بیشتر بدنبال نفسی استبداد سلطنتی بودند و لایسی هیچکدام اثباتی برای جایگزین کردن نداشتند .

در میان این تضادها بود که علامه نائینی با برخورد فعالتر نظر مردم اسلام را در باره " حکومت اراک " داد که اگر به این عمل میشد فاصله بین حکومت و ملت که منشا فساد و بیچارگیهاست برداشته شده و راه رخنه بسته و نفاق ریشه کن میشد .

گرچه کتاب برای اثبات مشروعت مشروطه نوشته شده ولی اهمیت بیشتر آن بدست دادن اصول سیاسی و اجتماعی اسلام و نقشه هودف کلی حکومت اسلامی است . خلاصه کتاب بقلم مرحوم نائینی مرحوم نائینی ابتدا بر طرح ضرورت تالیف کتاب می پردازند و می گویند که از طرفی اربابان در مقام طلب تمدن و علم برآمد هاند و از طرف دیگر تاریخ منصفانه اعتراف دارد که عقل نوع بشر از وصول به اصول تمدن و سیاست اسلامی ، قاصر است .

متاسفانه اسلامیان گرفتار سیرت قهقرایی در بندل رقیب و اسطرت طواغیت و معرفت سسن از کتاب و سنت بودند . در نتیجه آن اهداف و اصول متروقی اسلامی که سرچشمه ترقیات است ، در نظر عد های منافسی تمدن و عدالت و وحشیانه آمد . از سوی دیگر سته گرگان آدمخوار ایران برای ابقای شجره خبیثه ظلم و استبداد غصب اموال مسلمین ، دستاویزی

بمهر از اسم حفظ دین نیافتند . مرحوم علامه پس از آن کرد و قسطب کاذب در حرکت مشروطه میفرمایند : سکوت در مقابل الحاد و لعاب بدین مبین واری نمودن شریعت مقدس در دفع این ظلم و اجحاف آشکاره ، خلاف تکلیف بلکه کمسک و مساعدت به این ظلم است . لهنذا این کمترین خدمت گزار ... انور ، در مقام ادای تکلیف و قیام باین خدمت برآمدم .

در دنباله ایشان به بررسی " ضرورت حکومت " و " وظایف حکومت " آن " انواع حکومت " ۱ - حکومت تملکیه " یا استبدادی ۲ - حکومت ولایتیه " که از نظر ایشان : حکومت ولایتیه نقطه مقابل حکومت تملکیه است و پرسید در توضیح لوازم حکومت ولایتیه می فرمایند ، از آنجاکه نفس انسان سرکش است و میل به طغیان دارد ، شخص والی و سلطان حکام از مردم میشدند ( منظور همان روحانیون درباری است ) در حالیکه از نظر قرآن و نهج البلاغه و سیره انبیا ( ع ) میبایست توحید عمل در ذات و عبادت را به مرحله عمل در آورد . منطبق توحید ، منطبق " لا اله الا الله " است و باید در مقابل هر زنی ، يك اثبات ارائه گسودد ضعف مشروطه را بداند این بود که جریانات جامعه بیشتر بدنبال نفسی استبداد سلطنتی بودند و لایسی هیچکدام اثباتی برای جایگزین کردن نداشتند .

اصل اول : قوانینی که حسد و وظایف والی و طبقات رامعین نماید ، و کفایت این قوانین با شرع مخالف نباشند . اصل دوم : گماشتن هیئت نظاره و مسدود یعنی مجلسی منتخب مردم از عقلا و صلحا و سیاسی که این مجلس نقش قوای رادعه و مانعه اقوایی که مانع از پیروی شخص معصوم از هوای نفسانی است ) را بازی میکند .

از نظر اهل سنت منتخب بودن نمایندگان مجلس کفایت بر اولوالامر بودن آن و حکومتش دارد ، ولی از نظر شیعه که این مسائل را از وظایف نواب امام زمان ( ع ) میداند ، باید یکا اعضای مجلس از مجتهدین باشند و تحت نظارت و اذن مجتهدین باشد . در قرآن مجید و سخنان ائمه سن دادن به ارافه شخص ، عبودیت غیر خدا محسوب میشود و مبارزه انبیا برای آزادی بشر از عبودیت غیر خدا بوده علامه نائینی به این ترتیب دیدگاه اساسی ، اسلامی خمسه را نسبت به طاغوت ارائه میدهد .

از آنجا که " مساوات " و " حریت " از اهداف و مقاصد اصلی جنبش مشروطه بوده علامه در پایان مقدمه این دو مفهوم را به این ترتیب مزیندی کرده و تعریف می نماید . ۱ - مساوات : یعنی تساوی و عدم تبعیض هم مردم در برابر قانون و مشارکت همه مردم در حقوق . ۲ - حریت : یعنی آزادی از اراده فرد ، آزادی از قید استبداد و

## پیوند با قبایل مستضعف بلوچستان (۳)

درسی طنز های ضد انقلاب بلوچستان

بسم الله رب العالمین  
درد و شماره قبل در خصوص بافت قبیلای بلوچستان و موقعیت اجتماعی سیاسی هر یک از قبایل و موضع گیری شان راجع به انقلاب و پیوند با امپریالیسم مفصل توضیح دادیم و اینک به بررسی طیفهای ضد انقلاب می پردازیم.

مسلم آنست که طیفهای ضد انقلاب در منطقه بلوچستان و شیوه سازماندهی و جناح بندی آن تفاوت کلی با جناح بندی ضد انقلاب در کل مملکت ندارد. اما در اینجا به علت شرایط خاص شکل ویژه ای دارد. همانگونه که می دانیم توطئه جدید جوهر کشتی خرنده و قانونی الرجوع شود به سرفاله هسه - ای راه مجاهد شماره ۲ و ۳ و ۴ امل سه جناح است. کما به شرح این سه جناح در بلوچستان می پردازیم.

الف - جناح تروریست (برانداز)  
شامل "جناحهای خوانین و چپ نما" ب - جناح تصفیه و مارک و طیف انجمن.

ج - روحانیت غیر مکتبی  
الف - جناحهای خوانین:  
در خصوص جناحهای خوانین باید گفت که بعد از طیف عمدتاً "انزواطلب و جریان کمپ دیویدی وابسته به پختیار و سلطان قابوس و کلاً ارتجاع منطقه تقسیم میشوند.

ویژگیهای جریان انزواطلب: فرق عمدتاً جریان انزواطلب با جریان کمپ دیویدی (ویژگیهای جریان کمپ دیویدی در شماره های گذشته توضیح داده شد). اینست که اینها خواستار جوامع بسته و جدا از جهان خارج و خصوصاً "جوامع جدا از انقلاب می باشند. جوامعی که رابطه آن با جهان خارج از کانال همین خوانین و تنها از همین کانال میباشد.

روست که از حرکت و یا تماس بین افراد تحت کنترلشان، خصوصاً "با نهاد های انقلاب سخت در هراستند و آنان را قوی میگردانند. خود میدانند که به همین دلیل تلاش میکنند تا همیشه حضورشان در منطقه احساس شود.

و با جریاناتی که بخواهند باین حضور خدشیده و وارد کند و آنها را خلع ید کنند و یا قوی برای آنها محسوب شدند با حرکتهای کور و فاشیستی روبرو میشوند. حتماً در تحلیلهای ساواک از این قبیل افراد کوهن یاد شده است. (کودن از این نظر که قادرند درک منافعهشان در پیوند با رژیم شاهنشاهی نبودند و یا در شرایط بعد از انقلاب هیچگاه نتوانسته اند پشت جریانات مختلف خود را مخفی کنند).

نمونه ای از حرکتهای کور راین جریان تروریست فیض محمد حسین بر و سایر شهدات رساندن ۳۴ زندان ام

در منطقه "گشت" توسط دژ دژ خلیل خان گمشاد زهی در اردیبهشت ماه سال گذشته می باشد. توجه باین مطلب خیلی اساسی است که این عمل در شرایط انجام شده که خوانین کمپ دیویدی و دیگر جریانات نظیر مفتی زاده و ۲۰۰۰۰۰ طرح کفرانس طائف و دیگر شیعه سنی کاری کردند. حتی بعضی از این خوانین برای آنکه بهتر بتوانند کار کنند در آن زمان تقاضای امان نامه نیز کردند (امان نامه از بنی صدر) در آن شرایطی که مفتی زاده با مخدوش کردن جود رایش شمسرو صحبت های ناروا در اسماعیل آباد ناخن در صد بود تا طرح طائف را با جرارد آورد و خلیل خان گمشاد زهی به تلافی مسائل عمدتاً شخصی ابتدا "مولوی حسین بر" را با وضع فجیعی بشهادت میرسانند و سپس ۳۳ نفر زندان راه راندند و آنها را که در میان آنها هم بلوچ بوده و هم فارس و هم سنی و هم شیعه به شهادت میرسانند. خون این عزیزان و کوری دشمن توطئه را نقش بسیراب کرد.

### یک تذکر

توجه شود که جوهر انقلاب اسلامی با ماهیت ننگین خوانین (انزواطلب) تضاد آشتی ناپذیر داشته و دارد و هم اکنون که خط امپریالیزم برخوردارند سرکوبگرانه و فاشیستی با جوهر انقلاب اسلامی است اینها هم مستقیماً در خط امپریالیزم قرار دارند اما باز هم اینها علیرغم شکل فاشیستی شان جوهر خوانین نیستند و جوهر آنها را باید در خوانین وابسته کمپ دیویدی جستجو کرد.

خوانین وابسته (کمپ دیویدی) در خصوص ویژگیهای جریانات کمپ دیویدی تاکنون توضیح کافی نداشته ایم. حال سیری از حرکات آنها را بطور مختصر توضیح میدهم.

قبل از انقلاب و در طول انقلاب "مرگ بر شاه" اینها سرمد اران چاقه داران بودند و فجاج زیاد در شهر زاهدان بوجود آوردند. پس از پیروزی انقلاب ابتدا امنزوی شده و برخی فراری شدند اما با حاکمیت دولت لیبرال، جسورانه از سوراخها سایرون خرنده و به فعالیت گذشته شان در خصوص گرفتن پست ها و حفظ حاکمیت قبلی پرداختند. درگیری عیدگاه که کسر یزدی برای سخنرانی به آنجا رفته بود اتحاد چپ نما - خوانین سیستانی

و بلوچ بخوبی مشاهده میشود حاصلی جز توعیه است. استناد آنکه که با منافعهشان نمی خوانند یعنی دکتر چیری نداشت روی کار آمدن دکتر میرامی (در خط مدنی) و برخورد های مفصل او با نهاد های انقلاب و مسئله تشکیل مولوهای جناح الازهر، پس از آن خود نیازمند توضیحات مفصلی است.

بعد از اشغال لانه جاسوس و کنار رفتن دولت موقت یکبار دیگر خوانین وابسته عقب زده شدند و بموضع گیری آشکارتری علیه جمهوری اسلامی دست زدند. تظاهرات معروف سرمایه سه ادران قاچاقچی در چابهار نفع آزادی جاسوسان امریکایی یکی از نمونه های این حرکت است.

توطئه کفرانس طائف هماهنگ با رفتارند بنی صدر طراحی شده بود. توطئه مشترک دیگر دینگونه بود که با عمدتاً کردن مسائل فرعی در منطقه بلوچستان

بنی صدر با تکیه بر این جریانات بتواند در مناطق سنی نشین - بخصوص بلوچستان و رفتارند کند و برای قابل ملاحظه ای بدست آورد. شکست بنی صدر موجب ناکامی آنها شد و سفر بنی صدر به ایرانشهر و سخنرانی در مسجد جامع، علیرغم سفارش امام مبنی بر سخنرانی نکردن در آن زمان قابل توجه است.

آخرین حرکت خوانین وابسته هماهنگی با توطئه فونیکس خرنده (کاد رکشی) بود. که آخرین نمونه آن ترور و شکنجه ستن از بهترین کاد رهای نهاد هاد رهنم ماه سال گذشته در منطقه "سریاز" می باشد.

اخیراً هم که خط تفاهم شرق و غرب مطرح است بعضی از آنها مانند "آرسان خان" همراه "بزنجهور" و "مینگل" (خوانین بلوچستان پاکستان) با حاکمیت کابل کنار آمده اند. (آریان خان مشهور استناد از ایالت چغانسیر در افغانستان شده است.)

الف ۲) چپ نما  
موضع گیری های چپ نماد منطقه بلوچستان جدا از فعالیت سرتاسری شان نبوده در عین حال که از ویژگیهای خاص منطقه هم برخوردار است.

۱ - جریان چپ نماد به لحاظ داشتن تفکر دکماتیستی اصالت ابزاری معتقد است که جریان رشد یابنده آن جریانی است که بشهر نظام تولیدی برتر و ابزار پیچیده تر باشد. همچنین نظام تولیدی کهن و ساده تر و کسانی که دارای چنین شیوه تولیدی هستند را ارتجاع میگوید. بدین لحاظ است که بورژوازی لیبرال و کمپرادور (سرمایه داری وابسته) مطلق تر از جوهر انقلاب اسلامی است. و از این روست که به ضدیت مستمر با جوهر استقلال طلب انقلاب می افتد. به همین خاطر است که جریان چپ نماد منطقه بلوچستان - با قاچاقچیان و اقاتشار مرغه (بوروکراسی وابسته به خوانین) بوحدت رسیده است.

۲ - همچنین این جریان با سوسیال امپریالیست دانستن شوروی و در واقع اصلی گرفتن شوروی به جای آمریکا. بخاطر ترس از نفوذ شوروی و اتحاد با خوانین امریکایی و وابسته به رژیم سلطنتی و کمپ دیوید را مباح

د انسته و علیرغم شعارهای مرگ بر خان که بسیار از آنها دیده شده هیچگونه تضاد بنیادی و آشتی ناپذیر با آنها ندارند. به همین جهت علیرغم ناشستن اطلاعات و امکانات تسلیحاتی هیچگونه حرکتی علیه خوانین تاکنون نداشته اند.

۳ - شعار شورابدون مسلاک و شعار خرد مختاری خلقها بدون در نظر گرفتن وابستگی طبقات، خون مختار طلب در منطقه بلوچستان بهترین زمینه پیوند این جریانات و خوانین بوده است. چپ نماد شعار خود مختاری نمتها همونوا با خوانین بلکه فریاد دل آنها بوده است.

۴ - در مورد جنگ هم که موضوع این جریان با مواضع "جنگ سوره زحمتگشان را کوچکتر کرد" و "جنگ ارتجاعی ربه جنگ داخلی در هر دو کشور تبدیل کنیم" عملاً رخدمت و مدام و خوانین و ضدیت با جوهر انقلاب اسلامی قرار گرفته اند. این جریانات با ویژگیهای فوق الذکر از آغاز متحد خوانین بودند و مانند ماههای

اخیر به پیوند آشکار با آنها رسیدند. بطوریکه در دستگیری یکی از اعضای سازمان پیکار "شونج" خوانین در محل مشخص شد بودند و برای اعزام مکی از آنها مریم ریگی اعلامیه مسداده و خواستار فرزا و قیام عمومی میشود. (برای روشن تر شدن مطلب به کتاب "مترقی ناما ما راست" از گروه دوالانوار شیراز مراجعه شود.)

ب - جناح تصفیه و مارک (طیف انجمن و ۲۰۰۰۰) تاکنون تصفیه های غیر اصولی در سطح استان (ام از بلوچستان و سیستان) وجود داشته. اما به تالیلی که در "توضیح میدهم در این منطقه این دو جناح تروریست و تصفیه گر" برای تعدیل حاکمیت با مشکل چندانی روبرو نشده اند. قدرت سنتی انجمن در استان و ادارات مختلف و اعزام از ادارات دولتی و غیر دولتی و راد یوتلو و ۲۰۰۰ از یک طرف و ضعف بسیج مردمی در زمان انقلاب در این استان.

۲ - پیچیدگی مسئله بلوچستان و تضاد های مرکب آن (فارس و بلوچ شیعه و سنی، مستضعف و مستکبر - خوانین - قاچاق سفون کشورهای مرتجع منطقه سفون اخوان المسلمین و وجود مهاجرین افغان و ۲۰۰۰ مهاجرت شد که کمی تحلیل مشخص و طبعا یک خط مشی معین که متضمن کادر سازی باشد در منطقه تدوین نشده

### توطئه جوهر کشتی خرنده شامل سه جناح در بلوچستان است:

الف: جناح تروریست (برانداز) شامل خوانین و چپ نما  
ب: جناح تصفیه و مارک (طیف انجمن و ۲۰۰۰)  
ج: روحانیت غیر مکتبی

است. (هر چند که خط مشی معین و مستقل از ذهن، همان تکیه به قبایل مستضعف و بسیج آنها علیه خوانین مستکبر و صدام و در خط آزادی قدس می باشد.) این مطلب یعنی فقدان تحلیل و خط مشی مشخص را در مقابل بعدی که بررسی چند شیوه برخورد با مسائل بلوچستان است توضیح میدهم.

۳ - غیر بومی بودن کادرها مشکل دیگری است که در این منطقه وجود دارد که نتیجه آن موقتی بودن افراد در منطقه است. از آنجا که تحلیل و خط مشی معینی هم بین ارگانها رسمیت نداشته و این افراد حاصل کار خود را نمی بینند و حتی اکثر اطلاعات و مشاهداتشان را هم نمی توانند جمع بندی کنند و از همین رو احساس رشد و بسیج نمی کنند و اکثر "زمانده خسته" میباشند. توده های نگر کردن تحلیل ها و اطلاعات از طرف بعضی از جریانات حاکم هم باین مطلب یک پیچیدگی را



بنام خدای شهیدان

مکتبی

۲- دادن پیش استراتژیک از زویداد های ایران  
منطقه رجهان  
۳- کمک به پید کردن دید استراتژیک از مراحل  
رشد خلق و افول امپریالیسم  
ضمناً راه مجاهد با این اخبار برخورد فعال  
میکنند

توضیح

از آنجائیکه اخبار و اطلاعات صحیح (کماهی  
همانطورکه هستند) تحلیلها را باور مینماید بر آن شدیم  
مجموعه ای از اخبار مهم روزنامه را در بخش از نشریه  
که بعین کار اختصاص دادیم درج نمائیم  
اهداف مورد نظر ما از این کار عبارتند از:  
۱- کمک به باور و تحلیل های سیاسی نیروهای

نی رختید • حداقل امریکارا حکوم  
می نمودید • این اندازه با امریکا و  
اسرائیل واستعمار غرب همدا و همکار  
نی شدید •  
اطلاعات ۶۱/۴/۲  
سخنان آیت الله منتظری در  
دیدار نخست وزیر  
..... به جاست همزمان با پیروزی ها  
- ی خود در جنبه ها جنایات  
صهیونیزم را در دنیا برای مسلمان  
و علمای اسلام افسانه نمائیم و آنان را برای  
یک راهبیمایی ۲۰ میلیون از مسلمانان  
تمام کشورهای اسلامی بسمت  
مسجد الاقصی آماد سازیم • بمنظر  
میرسد شروع این سفر تهادت رسام مبارک  
رضان در آستانه "روز قدس" که  
یکروز جهانی برای مسلمان است  
بهترین وقت خواهد بود •  
که از نامه تعریف مشخص ارائه  
نشده است •  
بیاد داریم که لیبرالهایی چون  
بنی صدر چگونه با سوء استفاده از این  
اصل در صدد انجام رفتارند و  
حاکمیت رسیدن بودند • توطئه آنها با  
درایت امام وسیع اصولی توده ها  
عقیم مانده •  
عقیم ماندن توطئه در این بود که  
مردم می گفتند ما به امام باخون رای داد  
یم و به بنی صدر با مرکب و خون  
مرکب رای شویم •  
آیت الله خزلی در سخنرانی  
تلویزیونی خود فرمودند حضرت  
علی در دوران خلفای راشدین امام  
بود مانند ولی رهبر نبودند چرا که  
اکثریت نداشتند •  
در این صورت چرا علی (ع)

### آیت ا... العظمی منتظری امید امت و امام

بنام خدای شهیدان

جمهوری اسلامی ۶۱/۳/۱۹  
قسمتهای از پیام آیت الله  
منتظری بمناسبت نیمه شعبان و روز  
جهانی مستضعفین  
..... امروز هرگونه حرکتی از هر مقامی  
و فردی که موجب بدبینی به انقلاب  
گردد اگر از روی عمد و توجه باشد خیانت  
به اسلام و در حکم محاربه با امام زمان  
میباشد •  
..... تجربه سه سال پس از پیروزی  
انقلاب نشان میدهد با حفظ همبستگی  
و وحدت کلمه و ایثار عمومی حمله های  
نظامی و تحریمهای سیاسی و اقتصادی  
دشمن خارجی هیچگونه خطری برای  
انقلاب نخواهد داشت بلکه احتمال  
خطر از ناحیه دوستان جاهل و افراد  
فروست طلب و غیر مومن به اصل انقلاب  
اسلامی می باشد از جهات و خصمتهای  
آنان است که دشمنان اصلی اسلام و  
جمهوری اسلامی ناپا بهره بر سر داری  
خواهند نمود •  
..... در جمهوری اسلامی باید  
روی کار عملکرد اشخاص و درجه و  
شخصیت و خلوص و تقوای آنان حساب  
شود نه روی میزان تظاهر افراد فرصت  
طلب و حساباندن و نزدیک نمودن  
خودشان را به این شخصیت و با آن مقام  
والا • بار شد این خصمتد هر صده  
سیاسی کشور خطرناکتر و خروج از صحنه  
برای نیروهای لایق و متدین مخلص  
کاملاً محسوس می باشد و آثار اجتماعی  
آن بزودی دامنگیر اصل انقلاب  
و سر نوشت ملت مظلوم ما خواهد شد •

امروز هرگونه حرکتی از هر مقامی و فردی که موجب بدبینی  
به انقلاب گردد اگر از روی عمد و توجه باشد خیانت به  
اسلام و در حکم محاربه با امام زمان (ع) میباشد آیت الله منتظری

### اخبار داخلی

شیخین را غاصب می دانند؟  
در این رابطه به قسمتی از نظرات  
و توضیحات آیت الله العظمی منتظری  
در باره ولایت فقیه که در کیهان  
۶۱/۲/۲۸ به چاپ رسیده است  
توجه می کنیم •  
..... مسئله انتخاب عمومی به  
هیچ وجه جای "حق" را نمیگیرد و  
وجدان هیچکس را ملزم نمیکند که  
از کسیکه برای اکثریت انتخاب شده  
اطاعت و پیروی کند زیرا منتخب بمنزله  
وکیل مردم است و موکل بهیچوجه  
ملزم نیست که از وکیل خود پیروی کند  
بلکه حق دارد هر وقت بخواهد او را  
را عزل کند • تازه این مسئله مربوط به  
اکثریت است که وکیل را انتخاب کرده  
اند اما راجع به اقلیت • مطلب  
واضحتر است زیرا به حکم وجدان  
هر هیچکس واجب نیست که از وکیل  
دیگری اطاعت کند و بنا بر این نظام  
اجتماعی معتدل میگردد • پس برای  
تنظیم اجتماع سیاستمداری لازم است  
که اطاعت از او و نفوذ حکم او ولو به ضرر  
حکوم هم تمام شود بر حسب  
و واجب باشد و تنها کسی که می توانیم  
چنین باشد • شخص است که  
حکومت و ولایت او یا تعیین خدای بود  
حکومت و سلطنتش از شئون سلطنت  
مطلقه الهی باشد • کیم در این  
بین • واسطه بخورد مثل فقیه  
عادل که از طرفنامه که خودشان از  
طرف پیغمبر معین شده اند و پیغمبر  
را نیز خدا نسبت به مومنین • از خون  
شان اولی تر قرار داده است  
نصوب شده باشد •

کیهان ۶۱/۴/۱  
آیت الله خزلی • فرمود امام  
مجلس شورای اسلامی بالاترین مقام  
است در این مملکت و زیر بنای آن نیز  
قانون اساسی است و مهمترین  
اصل قانون اساسی نیز اصل ولایت  
فقیه است • • • • • به هیچکس چو شیده  
قسمت که آنکه حصر آبادان را شکست  
کرد ستان رانجات داد و خورشهر را  
آزاد نمود فرمان و ره نمود های ولایت  
فقیه بود •  
کیهان ۶۱/۴/۱۰  
آیت الله صانعی • تا زمانیکه مردم  
ایران تکلیف الهی دارند بحال  
است قوین غیر اسلامی تصویب شود •  
ماقانون غیر خدا را نمی پذیریم • • • • •  
بر حسب قانون اساسی مقام ولایت  
فقیه فوق قانون اساسی است  
و سازشکاران و روشنفکران و کسانی که  
هر چه توانستند بر سر مردم مسلمان  
آوردند نمی توانند آنرا رد کنند •  
راه میسازند •  
در اصل • قانون اساسی ولایت  
فقیه مشروط به پذیرش ما شده است  
ولایت فقیه که صلاحیت یا عدم  
صلاحیت او در نهایت • مشروط به  
تشخیص اکثریت ما • باشد • حاکمیت  
خدا بر مردم را محدود می کند و چنین  
تعییری از ولایت فقیه در واقع نفوذ  
تفکر شیوه حکومتی مردم بر مردم در اصل  
• قانون اساسی است • خصوصاً



اطلاعات ۶۱/۳/۲۰  
سخنان آیت الله منتظری در دیدار  
نمایندگان نهضت های آزاد بیخوش  
..... در صورتیکه اگر همین عربستان  
شیرت خود را بسوی امریکا ببینند  
در هر فریکه امریکا بزود روی آید • با  
سیاست بازمانی شود قدس عزیز را  
از دست جنایتکاران نجات داد •  
جمهوری اسلامی ۶۱/۳/۲۴  
سخنان آیت الله منتظری در  
دیدار فرماندهان نیروی زمینی و  
فرماندهان لشکرهای عملیاتی •  
..... نجات قدس عزیز از آرمیهای  
قدیمی ما و هم مسلمان جهان بوده  
و میباشد • امید وارم با شروع این حرکت  
الهی از ایران اسلامی و بیوزار اکر سلا  
دیگر مسلمانان خود را برای پیوستن به  
این قافله عظیم آماد سازند •  
اطلاعات ۶۱/۳/۳۰  
سخنان آیت الله منتظری در  
دیدار اربابا نواده های شهدای هفتم  
تیر و اعضا ستاد برگزاری مراسم و همچنین  
مجروحین این فاجعه بزرگ •  
..... امروز زندگان ما با پیروان راندن  
متجاوزین صدای از سر زمین های  
خوزستان • متوجه آزاد سازی قدس  
عزیز شدند و برای این کار باید از عسوق  
گذشت و برای ما خرم شهر و قدس  
ولایتان فرقی ندارد ما حمایت  
از حریمین جهان را وظیفه شرعی  
خود دید ایم •  
..... در رابطه با توطئه اشیم  
رجو استها که گفته اند ما حاضریم در  
جنبه های لبنان بجنگیم فرمودند •  
شما یکبار امتحان خود را در جنبه های  
جنگ تحمیلی عراق داد هاید اگر  
صداقت داشتید آب به آسیاب آنها



**کیهان ۶۱/۴/۱۴**  
حجت الاسلام خامنه‌ای بر تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت کشور تاکید کردند.  
**اطلاعات ۶۱/۴/۱۵**  
حجت الاسلام معادخواه: ... هر دستگاهی که مسئول حفظ شخصیتها ... ی انقلاب است ... باید این دستگاه خود را سرزنش کند که چگونه از یک سوخ چند پارزش خسورد ... اینجا جای سرزنش و توبیخ است و اگر مشخص نیست که چه نهادی این مسئولیت را به عهده دارد این خود اشکال دیگری است و اگر مشخص است ... این دستگاه مسئول باید مورد سوال قرار گیرد که چگونه عبرت نمی‌گیرد ...  
راه مجاهد:  
ضرورت اطلاعات نفی نشده ولی اصالت داد نمی‌شود ... باید قبل از جمع آوری اطلاعات تحلیل مکتبی مشخص و واقع‌گرایانه‌ای از اجتماع داشته باشیم تا اطلاعات درست بکار گرفته شود ... در غیر این صورت سازمان اطلاعاتی خود یک بروکراسی جدید و یک حجاب جدید بین امام و امت خواهد گردید ...  
**کیهان ۱۱/۴/۱۳**  
حجت الاسلام رفسنجانی: مهم ترین هدف تروریسم این بود که بر اثر قطع کردن رابطه مسئولین و مردم محبت و صمیمیت ناشی از این رابطه را از بین ببرد و باید گفت که آنها در این مورد موفق بودند بطوریکه امروز حجابی نامرئی بین مسئولان و مردم وجود دارد که اهداست با سرکوبی تروریسم این حجاب برداشته شود ...  
راه مجاهد:  
بهترین شیوه حفاظت ساده‌ترین شیوه‌هاست و هر چه حفاظت پیچیده‌تر شود از مردم جدا می‌شود ...  
**اطلاعات ۶۱/۴/۱۴**  
احمد توکل: دشمن پس از سه شهادت رساندن مردان بزرگی مانند آیات عظام مدنی و دستغیب ... فکر میکردند ملت را از رهبرشان بی‌بهره ساخته است ... غافل از اینکه ملت خودشان هرگز ام یک رهبرند و به قول امام رهبر ما کورک ۱۳ ساله‌ای است که به کمرش نارنجک می‌بندد و خودش را به زرتانگی می‌اندازد ...  
راه مجاهد:  
صحبت امام در مورد رشد نهضت اسلامی و شیوه نهج‌های جنگ است در حالی که کاد رکنی تروریسم موقتاً موجب تعدیل نظام جمهوری اسلامی میشود ... اگر نظام جمهوری اسلامی بتواند جای پای فمید مهاراد ر خود باز کند پیروزی پس بزرگی است  
**اطلاعات ۶۱/۴/۱۰**  
نماینده مکه‌باد در مجلس: مدیریت فعلی کشور از حرکت امت حزب الله

عقب‌تراست مردم در تمام جبهه‌ها جلوافتاد ماند و واقعا " فداکاری کرده و میکنند چه در جنگ چه در مال و جان و ایشار خون و شهادت طلبی چه در سیاست نه شرقی و نه غربی و چه در قناعت پذیری ... آیا راست است که در آموزش و پرورش تحولات چشمگیری در جهت کم‌رنسنگ کردن خط حزب الله و امام به عمل آمده است و بیاید و نیروها بدون ضابطه در اینجا و آنجا کار گذاشته میشوند؟  
**اطلاعات ۶۱/۴/۱۵**  
آیت الله طاهری امام جمعته اصفهان در مورد گروه‌ها که مودیانسه علیه جمهوری اسلامی فعالیت میکنند گفت: اینها از یک جهت خطر بیشتری دارند ... گروه‌هایی هستند که نه علم جنگ مسلحانه کرده‌اند و نه آن کارها را میکنند ولی اقداماتشان امروز است و فکر میکنم در آتیه زمان کار آنها بدتر خواهد بود و لذت‌آبادی در ولت مردان ما هر چه زودتر تصحیقاتی را در مقابل اینها بگیرند ...

### جنگ اسلام و کفر از کربلا به قدس

جمهوری اسلامی ۶۱/۴/۱۱  
حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در مورد عقب نشینی عراق: ... صرفاً یک حرکت تاکتیکی انجام داده و فرار بوده ... آنها از خاک ما بیرون نرفته‌اند بلکه از مناطقی که آسیب پذیر بودند به مناطق قابل دفاع تری منتقل شده‌اند ... ما برای گرفتن سایر خواسته‌هایمان به راهی که انتخاب کردیم باید ادامه میدهم ... البته روش معمول ما این است که وقتی حرکتی انجام دادیم و ضرب شستی نشان دادیم ... مهلتی به دشمن میدهم که فکر کند ... بفهمد و تسلیم حق شود ... اگر دیدیم آنها بنامند ازند که تسلیم حق شوند قدم بعدی را بر میداریم ...  
راه مجاهد:  
صدام در طی ۲ سال جنگه و تجاوز راهی برای بازگشت بساز نگذاشته است ...  
... در مورد تغییرات اخیر رهیت حاکمه رژیم صدام گفتند: جوکلیسی نشان میدهد که این هم حرکتی است شبیه همین حرکت نظامی آنها ... یعنی برای مبهم کردن محیط سیاسی و یک تغییراتی داده‌اند تا ذهن مردم خودشان و ذهن ناظران را قندری در سرگردانی نگه دارند ... حتی اگر چهره‌های اصلی هم عوض شوند ... ما آن را کافی نمی‌دانیم و حتی خود صدام هم عوض میشود از نظر ماکانی نبود ... زیرا از نظر ما حزب بعث مسئول است ... با توجه به اینکه مسئول

امریکا است ولی نوکری را حزب بعث کرده است ...  
**جمهوری اسلامی ۶۱/۴/۱۰**  
میرحسین موسوی: مطالعه این عقب نشینی هاشمان میدهد که تمدن رژیم صدام از این کار از یک طرف حفظ نیروهای باقیمانده خود از دست رزمندگان د لیرواست و از طرف دیگر یافتن یک فرصت مناسب برای تثبیت قدرت سیاسی و نظامی است ...  
... مطالعه بیانیه کنفرانس اخیر حزب بعث نشان میدهد که قسمت اعظمی از این بیانیه راه نقد وضعیت ایران و اینکه انقلاب ایران تجربه‌اش توام با پیروزی نبوده و دچار شکست شده و سعی گردیده که یک چهره مشوهی از انقلاب مانسان داد میشود که خود این مسئله بیانگر این موضوع هست که انقلاب اسلامی به عنوان یک الگو در داخل خاک عراق مطرح است بویژه اینکه مادر این بیانیه مواجهه هستیم با فصل مفصلی در مورد جدایی دین از سیاست که نشان

میدهد که این موضوع بطور خاص در میان ملت رنج دیده عراق آن مطرح است ...  
**کیهان ۶۱/۳/۱۷**  
حجت الاسلام رفسنجانی: کمی برگردیم به گذشته و هفته قبل وزیر خارجه امریکا وعده داد که در رابطه با پیروزی جمهوری اسلامی در خرمشهر هفته آینده در خاورمیانه امریکا فعال تر است ... رادیو اسرائیل رسماً اعلام کرد که مصر با اسرائیل در رگتگی هستند که فکری برای حرکت تهاجمی جمهوری اسلامی بکنند یعنی دنبال استراتژی مشترکند ... رادیو بی بی سی اعلام کرد که کنفرانس سری در بند عقبه از صدام، فهد، رئیس کشور عمان قابوس واردن تشکیل شده که فکری برای پیروزی اسلام در آینده منطقه در مورد حرکت آینده جمهوری اسلامی ایران بکنند ... برروز صدام در ایلام حمایت کرده و اسرائیل در جنوب لبنان ...  
**کیهان ۶۱/۳/۱۹**  
میرحسین موسوی: ... اساساً ما تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان را با تجاوز صدام به جنوب غرب ایران بی ارتباط نمی‌دانیم و هر دو راناشی از استراتژی مشخصی تاگون می‌بینیم ...  
**اطلاعات ۶۱/۳/۲۲**  
یادداشت: کدام آتش بس: ... کاخ سفید واشنگتن طوسی اطلاعاتیه‌ای رسمی اعلام داشت که از این به بعد امریکا هیچ منافعی در جنگ خلیج فارس برای خود نمی‌بیند و لذا لازم است به هر طریق ممکن این جنگ خاتمه یابد ...  
... منابع واشنگتن می‌گویند: دولت ریگان آنچنان از تحولات اخیر پیروزی های ایران (نگران است که

الکماند رهنگ ظاهراً " تهدید های ناشی از پیروزی های ایران را با متحدین امریکا در اجلاس هفته گذشته ناتو در لوکر امپورگ مورد بحث و گفتگو قرار داده است ...  
... یونایتد پرس از واشنگتن (۶۱/۳/۱۶) نیز گزارش داد هیگ وزیر امور خارجه امریکا گفته امریکا برای حفظ صلح در خاورمیانه دست به ۳ ابتکار دیپلماتیک خواهد زد ... هیگ ... طی سخنانی به شورای روابط خارجی در شیکاگو گفت: اگر بخواهیم بیک نظم مسالمت آمیز بین المللی امیدی داشته باشیم باید " وقایع خاورمیانه را شکل دهیم " و اکنون لحظه امریکادر خاورمیانه است ... هیگ گفت: " امریکا برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق و فعال کردن مذاکرات خود مختاری فلسطین و رفع تهدید از آغاز جنگ حد و مرز لبنان و اسرائیل اقدام خواهد کرد ... این ابتکارها به یکدیگر مربوط و با کشورهای دیگر نیز هماهنگ خواهند بود ...

اطلاعات ۶۱/۴/۱۳  
نایب رئیس حزب ملی مصر در مصاحبه‌ای بایک روزنامه اسرائیلی گفت: باید از سقوط صدام جلوگیری کرد زیرا سقوط وی اسرائیل را با تهدید های جدی از سوی کشورهای مبارز روبرو خواهد ساخت ...  
**جمهوری اسلامی ۶۱/۴/۹**  
کمیته خبر روزنامه صبری الامرام اگر عراق در این جنگ پیروز شود بود خطری که امروز منابع امریکا در خاورمیانه تهدید می‌کند بسیار کم بود ... امروز منافع امریکا از اسرائیل در ایران اقتضای کند که برای آتش بس بین ایران و عراق عملاً اقدام کند ...  
**جمهوری اسلامی ۶۱/۴/۹**  
حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در رابطه با تجاوز رژیم صهیونیستی: ... اولاً " اسرائیل بس برای ماهیت تجاوز کارانه‌اش همیشه در صدد این است که فرصت پیدا کرد و موگاسی در جهت توسعه سرزمینی که اشغال کرده است بسردارد ...  
... تلاش اسرائیل و غربیها و عالیشان در منطقه و آنهایی که نمی‌خواهند یک جنگ جدی بسا اسرائیل شود این است که فلسطینی ها را به عنوان یک نیروی نظامی از

بین ببرند و آنها را به یک حرکت سیاسی ضعیف، بی سرزمین آواره تبدیل کنند ...  
... رابعاً " آنها برای از بین بردن حضور سورسدر لبنان حاضر بودند بهای زیادی بپردازند و زمان مناسبی گیسر آورند ...  
... دیگر از طریق لبنان بمنقاط حساس سوریه نزدیک می‌شوند و دمشق آسیب پذیرتر میشود ...  
... مهمترین مسئله به ایران مربوط میشود اینها در شرایطی که می‌دیدند پیروزی ایران خیلی چیزها را در منطقه و دنیا عوض می‌کند خواستند شرایط سیاسی خلق کنند که دست ایران را ببندد و یا ایران را بطور وسیع در آنجا مشغول کنند تا در اینجا نتوانند کاری کند و یا از لحاظ سیاسی مانده حرکت نظامی بکنیم ...  
**جمهوری اسلامی ۶۱/۴/۱۰**  
میرحسین موسوی: موقعی که این جنگ (جنوب لبنان) شروع شد، طبیعتاً " امریکا و اسرائیل چند هدف را دنبال میکردند که یکی از اصلی ترین

**آمریکا میدانست که ما ملت ما نسبت به لبنان حساسیت داریم و نسبت به اسرائیل هم از آن و حساسیت داریم ... آنها دنبال این هستند که صدام را در این طرف سر جای خودش نگه دارند و ایران که در نظر آنها خیلی اهمیتش بیشتر از لبنان و جبهه‌ای دیگری است برای آنها محفوظ بماند ... در این ترطه ما هم یک قدری بازی خرده‌ایم**  
آنها حفظ رژیم صدام و جلوگیری از سقوط حزب بعث بود ... فشار آوردن به دولت سوریه است که اسرائیل هم بتواند یک تهدید نظامی به دمشق کرد باشد و هم آن دولت را تحت فشار قرار دهد ... تا اینکه گرایش برای پیوستن به طرح‌هایی نظیر کپ دیوید مانند مصر، در آنجا بوجود بیاید ...  
... راه مجاهد:  
یکی دیگر از اهداف تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان، این بود که ایران را وارد آبره پذیرش آتش بس از جانب عراق نماید ... سو استفاده ای که عراق می‌خواست بکند این بود که در صورت عدم پذیرش آتش بس از جانب ایران، انقلاب اسلامی مارک صهیونیستی بخورد ...  
**جمهوری اسلامی ۶۱/۴/۱۰**  
حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی: ... تنها قدرت سوریه است که می‌تواند جلو تجاوز صهیونیستی بسا بیستد و وظیفه کشورهای اسلامی است که از سوریه حمایت کنند ...  
راه مجاهد:  
تضاد اصلی انقلاب اسلامی بسا جوهر انقلاب اسلامی در منطقه است ...



**کیهان** ۶۱/۳/۲۳  
حجت الاسلام رفسنجانی :  
راهی از خاک عراق در اختیار جمهوری اسلامی برای انتقال نیروها می رزمند به قدس باید داده شود .  
متأسفانه بعثت غفلی عراق با فرصت طلبی با این پیشنهاد سازش کرده برخورد کرد و در دنیا اعلام کرد که ما این راه را در صورتیکه ایران آتش بس را قبول کند چون در غیر شرائط آتش بس نیشود راهی در اختیار کشور متخاصم گذاشت . عراق می خواهد از ما باج بگیرد و حزب بعث در حال سقوط است از سقوط نجات دهد  
کیهان ۶۱/۳/۲۳  
حجت الاسلام خامنه ای :

راه مجاهد :  
در مورد خط مشی آزادی قدس عمدتاً سه نظر مختلف وجود دارد برای توضیح بیشتر رجوع کنید به مقاله "خط سرخ انقلاب" از کریلا به قدس است " در همین شماره .  
**اطلاعات** ۶۱/۴/۱  
حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی :  
این شعار که راه قدس از کریلا عبور میکند مورد قبول همه ماست و معتقدیم بدون حل مشکل حزب بعث غفلی عراق بدون برداشتن این مانع ربه هم پیوستن جبهه شرقی کارسدهای در مرزهای اسرائیل از ناحیه ما نمی تواند صورت بگیرد .

سازی قدس به عنوان یکی از مهمترین اهداف انقلاب اسلامی و نابودی رژیم اشغالگر قدس و یاد رک این نکته که تجاوز رژیم بعث صهیونیستی عراق به میهن اسلامی ما، جد از تجاوز رژیم اشغالگر قدس به جنوب لبنان نیست، اعلام می کنیم که کلید فتح قدس را در کریلا می دانیم .  
کیهان ۶۱/۴/۱۷  
سرهنگ صیاد شیرازی :  
... انشاءالله نماز وحدت خود را در کریلا ی حسین و در کنار ملت ستم دیده عراق برگزار خواهیم کرد که این خود آغازی است برای انجام رسالت جهانی رزمندگان اسلام بر

## نفت سلاح مستضعفین

**کیهان** ۶۱/۳/۱۹  
میر حسین موسوی : اگر او اکسپس و فانتومهایی که بایول مسلمان تهیه کرده باید به جبهه می آورد ، حد اقل از سلاح نفت استفاده کنید و شیرهای نفت خود را به روی آمریکا ببندید .  
**اطلاعات** ۶۱/۳/۲۹  
حجت الاسلام رفسنجانی : اینها ( کاخ نشینان عرب ) اگر یک شمشیر از خودشان اراده داشتند برای یک هفته می گفتند نفت ندهید . اگر نفت نبود ، نه اسرائیل میماند و نه امریکای توانده این جنایات را بکنند .  
**کیهان** ۶۱/۳/۱۶

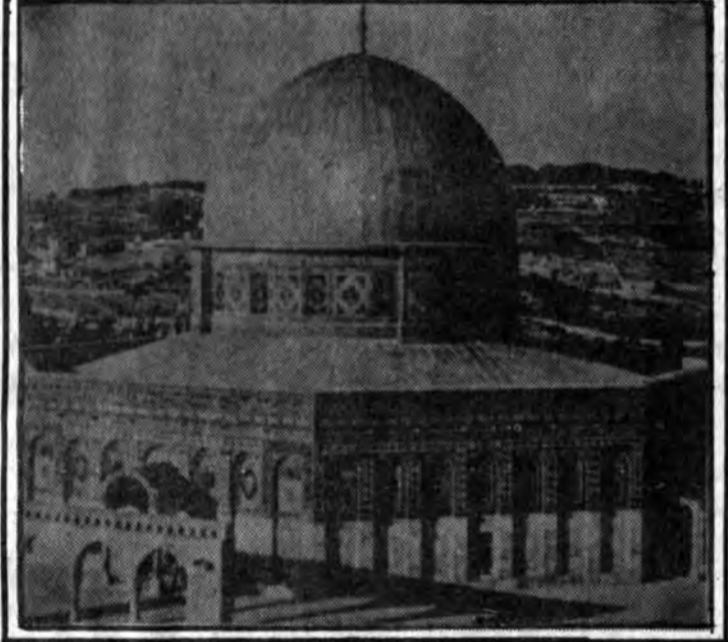
اولک است . . . امیدواریم روزی نفت ارزش راستین خود را پیدا کند و از این ماده در راه خدمت به توده های مستضعف اسلامی استفاده بشود .  
**کیهان** ۶۱/۴/۳  
فاروق قدوسی از کشورهای عربی تولید کننده نفت خواست سلاح نفت را علیه دشمنان امت عرب و هم پیمانان دشمن صهیونیستی بکار گیرند .  
**کیهان** - ۶۱/۳/۲۷  
دیسرکل سازمان کشورهای عربی صادر کننده نفت ( اوپک ) از کشورهای خواستار تحریم نفتی اسرائیل شد .

## مقاومت فلسطین و گسترش کمپ دیوید

خبرگزاری وفا ۶۱/۳/۱۶  
اسلحه های که اینک در دست تمامی ملت فلسطین است ، سلاح صبر است .  
**کیهان** ۶۱/۳/۲۵  
عرفات : هیچ نیرویی در روی زمین وجود ندارد که بتواند مبارز این سازمان آزادی بخش فلسطین را وادار کند که سلاحهای خود را تسلیم کنند .  
راه مجاهد :  
سلام علیکم بمصبرتم .  
تحلیل سیاسی خبرگزاری وفا ۶۱/۳/۲۶

... هد فخر اسرائیل ) از هم پاشیدن جسم عربی و نابودی پیشتاز انقلابی آن است .  
... ما اراده جنگ و رهایی را نمایندگی می کنیم و سراسر این اساس بر وفق نامحدود مردمی که در مناسبتهای مختلف سیاسی و اقتصادی ، در آرایش و جنگ آزمایش شده است ، متکی هستیم .  
... فیلیپ حبیب فرستاده کابوی امریکایی ریگان را می بینیم که بی شرمانه از سوریه و انقلاب فلسطین بی خواهد که خواستهای دشمن را مبنی بر عقب نشینی از لبنان اجرا کنند .  
خبرگزاری وفا ۶۱/۳/۲۹

ابوایاز عضو کمیته مرکزی جنبش فتح : نیروهای اسرائیلی از هر سو بیروت را محاصره کرده اند . بوسیله فیلیپ حبیب از ما خواسته اند که سلاحهای خود را تحویل ارتش لبنان بدهیم و فلسطینی ها به اردوگاهها بازگردند و فرماندهان و رهبران و کادرهای مقاومت فلسطین پرچمهای سفید بدست گیرند و وزیر سر نیزه های اسرائیلی از بیروت خارج شوند .  
... ما عناصر ، کادرها و رهبران انقلاب فلسطین این پیشنهاد را قاطعانه رد می کنیم مادر اردوگاههای خود و در همه جاویه تنهایی خسواهم جنگید تا در این جهان همه بداند که



## "تکلیف ملتها در آستان روز قدس و ... در اجتماعات و راهپیمایی های خود از دولت های خویش بطور جدی بخواهند که با قدرت نظامی و سلاح نفت در مقابل امریکای اسرائیل به مقابله برخیزند"

جمهوری اسلامی ۶۱/۴/۹  
آیت الله شیرازی امام جمعه مشهد ... ملت ما و تمام نهضت های آزاد بخش اسلامی به خوبی دریافته اند که تنها راه نابودی اسرائیل غاصب پیروزی قوای رزمنده اسلام در جنگ با صدام است و راه آزادی قدس از کریلا می باشد .  
جمهوری اسلامی ۶۱/۴/۱۰  
میر حسین موسوی : ... طبیعی است که ما به مسئله اعزام نیروها یک نگاه مجددی رویرو خواهیم شد و طبیعتاً بیشتر به فکر آن ایستاد درخشان امام امت خواهیم بود که بعین نحوی از طریق عراق راهی برای مقابله با اسرائیل باز کنیم .  
... ما هر کاری را که برای دفاع از خودمان ( در برابر عراق ) لازم بداند ، نیم انجام خواهیم داد .  
... طبیعی است که ما در آینده به خودمان حق بدهیم که اگر شرائطمان تحقق پیدا کند ضربات نهایی خودمان را بر سر رژیم بوسیده صدام وارد کنیم .  
**کیهان** ۶۱/۴/۱۳  
نامه ای از رزمندگان اسلام :  
... ما با آگاهی عینی به لزوم آزاد -

حجت الاسلام رفسنجانی :  
سئولان سوریه ، آقای حافظ اسد گفتند که کار اصلی شما در مرزهای عراق است و تا وقتی که آنجا را حل نکنید اینجا حل نمیشود یعنی هم ماهمین را گفتو شورای عالی دفاع هم در جلسه به همین نتیجه رسیدند و امام صریحتر از همه ما مسئله را مطرح کردند .  
جمهوری اسلامی ۶۱/۴/۹  
حجت الاسلام رفسنجانی :  
سئولان سوریه ، آقای حافظ اسد گفتند که کار اصلی شما در مرزهای عراق است و تا وقتی که آنجا را حل نکنید اینجا حل نمیشود یعنی هم ماهمین را گفتو شورای عالی دفاع هم در جلسه به همین نتیجه رسیدند و امام صریحتر از همه ما مسئله را مطرح کردند .

در صورتیکه اگر همین عربستان شیر نفت خود را به سری آمریکا ببندد در عرض یکماه آمریکا به زانو در می آید با سیاست بازپاشی شود قدس عزیز را از دست جنایتکاران نجات داد .  
آیه الله العظمی منتظری



### من به سران فلسطینی نصیحت میکنم که دست از رفت و آمدهای خردشان برداشته و با اتکاء به خداوند متعال و مردم فلسطین و اسلحه خورش تا حد مرگ با اسرائیل بتیزند

امام خمینی

این انقلاب سلاح رابریزین نخواهد گذاشت و تسلیم نخواهد شد .  
کیهان ۶۱/۴/۸  
عرفات : آنها روحیه فلسطینی ها را نمی شناسند . من در مرکز فرماندهی خود کشته میشوم . ما خیابان به خیابان ، و جب به جب خواهیم جنگید و تسلیم نخواهیم شد .  
از توانایی فلسطینی ها همین بس که اسرائیل رابه طولانی ترین و شدید ترین جنگ پس از جنگ ۱۹۴۸ اعراب و اسرائیل وادار کردند .  
ما هنوز به جنگ با این ارتش بزرگ اسرائیلی امریکایی ادامه میدهم . این مهم است که یک گروه کوچک بتواند علیه این ارتش مدرن بجنگد .  
راه مجاهد :

علت اینکه جنگ امروز لبنان از جنگ ۶۷ و ۷۳ عمیق تر و کاری تراست فرق بنیادی است که مقاومت امروز با جنگهای سابق دارد .  
فرق بین جنگ چریکی خودکام با جنگ دو ارتش کلاسیک . امید است همچنانکه رهبر سازمان آزادی بخش قانونمندی غلبه کم بر زیاد ( گروهانندک بر ارتش کلاسیک با رعایت قانونمندی های الهی گرام طرح کرده است .  
همیشه راهنمای عمل انقلاب خونبار فلسطین قرار گیرد .

کیهان ۶۱/۳/۲۲  
رادیو اسرائیل گفت : آنتنر بس اعلام شده تمهانیرو های سوریه راد برمیگیرند و نیروهای اسرائیل قصد دارند عملیات پاکسازی علیه چرسک - های فلسطینی راد را راضی تحت کنترل خود متوقف کنند .

کیهان ۶۱/۳/۲۲  
یک مقام سوری دیروز گفت : حافظ اسد رئیس جمهور سوریه به حبیب گفته است : سوریه بایزقاری آتش بس در لبنان موافقت خواهد کرد مشروط بر آنکه اسرائیل نیروهای خود را از لبنان خارج سازد .

کیهان ۶۱/۳/۲۲  
محمود لبادی سخنگوی سازمان آزادی بخش فلسطین : تا زمانیکه اسرائیلی ها در خاک لبنانند ما نمی توانیم آتش بس را بپذیریم .

کیهان ۶۱/۳/۲۲  
شیخ محمد مهدی نایب رئیس شورای عالی شیعیان : هرگز حرکت دیپلماتیک که به قصد برقراری آتش بس بدون اجرای خروج بعسادی اسرائیل از اراضی لبنان باشد

نظامی شود و مبارزان فلسطینی در چهار اردوگاه در حومه جنوبی پایتخت لبنان گرد هم آیند .  
ما این پیشنهاد را به کمیته لبنانی نجات ملی ارائه خواهیم کرد تا دیگر مسئولیت تهدیدی که متوجه پایتخت لبنان است بردوش ما نباشد .  
وی گفت اساس پیشنهاد ما عقب نشینی اسرائیل تا ۱۰ کیلومتری اطراف بیروت آزاد شدن جاده دمشق استقراری در لبنان در بیروت غریبی در اطراف اردوگاهها و نه در داخل آنهاست .  
مسئله تسلیم شدن به هیچوجه وجود ندارد .

کیهان ۶۱/۴/۱۶  
اسحاق شامیر وزیر خارجه رژیم صهیونیستی : هدف اصلی کشورش حصول به توافق در ساره صلح با تمام کشورهای عربی از جمله لبنان است وی افزود اما هرگز در مذاکرات جای برای سازمان آزادی بخش فلسطین وجود نخواهد داشت .  
کیهان ۶۱/۳/۲۵  
اریل شارون وزیر دفاع اسرائیل :



### برای آزادی قدس کربلای خونبار هرملتی چیست ؟

ادامه تظاهرات در سرزمین های اشغالی است و ترقیه و تصفیه جناح سیاسی کار سازمان آزادی بخش و تحقق شعار " توره توره حتی النصر " آرمان فلسطین می باشد تا آزادی " قدس " .

**کربلای ملت سوریه** - عمل خونبار رهایی بلندپایه های جولان است به شیوه بسیجی یعنی به شیوه پیروزی های " طریق القدس " ، " فتح المبین " ، " السی بیت المقدس " .

**کربلای ملت مصر** - امروز قیامهای مستمر و پرشکوهِ علیه حکومت فاشیستی " حسنی مبارک " حاصل سرسپردن آمریکا و اسرائیل و سرکوبگر خلق فلسطین است و همچنین حمله به اسرائیل از سرزمین " سینا " و انقلابی کردن کانال سوئز می باشد .

**کربلای ملت جزیره العرب** - قطع شریکان حیاتی شیطان بزرگ یعنی قطع لوله های نفت است که در این عمل خونبار درگیری با آل سعود اجتناب ناپذیر است . باید در درون جزیره العرب عقیق بنگرند که صدای جریان نفت همان ناله فریاد محرومان است که هر چه چپاول نفت شتابان تر باشد ، این فریادها بیشتر به گوش میرسد .  
نفت ها قیام میزند ما متعلق به مستضعفین هستیم نه صهیونیسم و حامیان آمریکا - می اش " . نفت ها میگویند " ما حاضر نیستیم ظلم شویم و موجبات عیش و عشرت شکنجه گران و حامیان اسرائیل را فراهم آوریم . جلوی صد و دروازه بگیریم " .

**کربلای ملت یمن جنوبی** ، در این است که " باب المندب " را بر روی عبور و مرور کشتی های اسرائیلی ببندند تا با این عمل کربلای ، اسرائیل را در محاصره اقتصادی قرار دهد تا آزادی " قدس " را تسریع نماید .  
**کربلای ملت های دیگر و مومنان امروز** چیست ؟

کل بیم عاشورا وکل عرض کن بنام خدای شهیدان  
هر لحظه هر روز هر مرحله از منی عاشورا است و هر مکانی کربلا ، آری کربلا آنجاست که سختی و آزمایش باشد در کربلا آنجاست که مستضعفین با انگیزه الهی می خواهند عدل الهی را در روی زمین تحقق دهند و در این راه خط مشی خونبار و جان به گف اخذ می نمایند .  
کربلا آنجاست که وقتی مستضعفین می خواهند با مستضعفین زیرستم فاشیسم سرزمین های اشغالی ( کوفه زمان ) پیوند بخورند در سر راهشان با مہلتارستهای چون لشکریان یزید و ابن زیاد برخورد میکنند و تحقق امت واحد درگیری با همین موانع میزند صفت است .

**کربلای هر ملت :**  
**امروز کربلای ملت ایران** که نهضت حسینی و رهبری خمینی است ، از ای قدس از طریق کربلاست که راهی بس بر بیچ و خم و خونبار است اما هدف نزدیک میگردد .  
و این تمهانه طبیعی و نزدیک است که کانون تثبیت شد و انقلاب اسلامی را با خلق خروشان و شتابان با نیرو بسیجی اثره با شیوه فهمیده ای جنگ به " قدس هزیر " میرساند .  
آزادی کربلا به معنای سقوط فاشیسم یزید صفت در عراق بوده و موجب میشود که انقلاب اسلامی ایران و انقلاب عراق و انقلاب فلسطین دست به دست هم داده و " قدس " را آزاد کنند .

**امروز کربلای ملت عراق** ، واژگونی " صدامیان " است که وابسته به کفر کمپ دیویدی است و در این رابطه پیوند با انقلاب اسلامی ایران و انقلاب فلسطین برای آزادی " قدس " .  
**کربلای انقلاب فلسطین** ، ادامه خط مشی چریکی در از مدت است با اسرائیل اشغالگر . همچنین

هدف ما لبنان یادگرون کردن واقعتی ها در سیاست داخلی لبنان نیست بلکه هدف صرفاً نابود کردن سازمان آزادی بخش فلسطین است .  
راه مجاهد :

این اجرای طرح کمپ دیوید در سطح گسترده است و فشار بر سازمان آزادی بخش فلسطین همان خط انزوا سرکوب است تا آنها را نیز قتل عام کنند و با جمع بندی کمپ دیوید برسازند .  
کیهان ۶۱/۴/۱

مبارک رئیس جمهور مصر را ایجاد یک دولت در تبعید فلسطینی در قاهره موافقت کرد به شرط آنکه فعالیت این دولت به زمینه سیاسی محدود باشد .  
کیهان ۶۱/۴/۳

سفیر رژیم اشغالگر که در اس وقت در واشنگتن : اسرائیل قصد دارد با سازمان آزادی بخش فلسطین به گفتگو بنشیند حتی اگر این سازمان موجودیت اسرائیل رابه رسمیت بشناسد .  
کیهان ۶۱/۴/۸

دیسینجر طرح قرارداد کمپ دیوید : در مذاقته لبنان نقش اصلی را امریکا و مصر باید بازی کنند .  
مشروط بر اینکه تمام نیروهای بیگانه خساک لبنان را تری کنند .

وی گفت مصری تواند یک نقش فعالی در این مرحله ایفانماید از یک طرف می تواند به خروج نیروهای که در لبنان هستند کمک نموده و در رمز اکثر مربوط شرکت نماید و از سوی دیگری تواند احتمالاً در نیروهای حافظ صلح در جنوب لبنان شرکت کند .  
وی در مورد نقش اردن در تحولات خاورمیانه گفت این کشور همراه با مصری تواند در مقابل فشارهایی که از سوی ایران بر عربستان سعودی و سایر کشورهای طرفه ارض وارد میشود مانند سپری تسرار گیرند .

راه مجاهد :  
وجود اسرائیل در جریان لبنان امری بدیهی است کشاندن پای امریکا و مصر بطور مستقیم که از طرف کیسینجر پیشنهاد شده تشکیل مثل کمپ دیوید ، در جهت گسترش سراسری آن و مقابله با انقلاب اسلامی است .

کیهان ۶۱/۳/۲۴  
هیگ : دولت امریکا در رجوع اول توقف خون ریزی و سپس یک راه حل دراز مدت برای احیای حاکمیت لبنان را دنبال میکند .  
هیچکس از بازگشت یک لبنان بی ثبات کماز سال ۱۹۷۶ - شاهد آن بود ایم استقبال نمی کند و امریکا خواستار فعالیت در جهت تغییر عقوب راندن تمام عناصر خارجی از لبنان است .  
راه مجاهد :  
اظهارات هیگ بیان خط





امپریالیسم و صهیونیسم در رابطه با لبنان است. چه کسانی خواهان ثبات لبنانند؟ الف - صهیونیسم اشغالگر خواهان ثبات امپریالیستی است تا مبادا جبهه جنگ علیه او بوسیله انقلاب اسلامی و فلسطینیان از لبنان شروع شود. ب - فرانسه خواهان ثبات لبنان است به لحاظ منافع تاریخی اقتصادی که در لبنان دارد. ج - سوریه خواهان ثبات لبنان است به همین وضع موجود و پاره تغییر شکلی در لبنان از هر طرفی مخالف است.

کپهان ۶۱/۳/۲۷

طرح تشکیل یک نیروی چند ملیتی با مشارکت امریکا و استقرار این نیروی جای نیروی مشترک عرب در لبنان از طرف امریکا ارائه شد.

اسحاق شمیر وزیر خارجه رژیم صهیونیستی: نیروی مورد نظر برای حفظ صلح در لبنان ناپستی تحت نظارت سازمان ملل متحد باشد.

راه مجاهد:

چنین نیروی پاسدار صلحی در حقیقت یعنی نیروی پاسدار امنیت اسرائیل نه نیروی بازدارنده تجاوز به لبنان.

کپهان ۶۱/۳/۲۷

شامیر به تلاش رژیم صهیونیستی برای تغییر دولت لبنان نیز اشاره کرد و گفت همکاری دولت جدید لبنان یکی دیگر از شرایط تشکیل نیروی پاسدار صلح در لبنان است.

نیروی چند ملیتی مورد قبول تل آویو باید از سرسریان کشورهای تشکیل شود که با اسرائیل روابط دیپلماتیک دارند.

کپهان ۶۱/۳/۲۷

شارون وزیر دفاع اسرائیل: لبنانی ها اکنون برای حل اختلافات سیاسی داخلی خود به یک فرصت طلایی دست یافته اند آنها قادرند که سر نوشت خود را در دست بگیرند ولی این به آن بستگی دارد که آیا امریکایی ها درک میکنند که فرصت یافتن لبنان را بیک کشور آزاد تبدیل کنند یا نه.

کپهان ۶۱/۳/۲۷

۱۶ سناتور جمهوریخواه سناتور حزب دمکرات طی نامه ای حمایت خود را از تصمیمات دولت ریگان مبنی بر موارد زیر اعلام کردند:

۱ - تلاشی ساختن سازمان آزادی بخش فلسطین به عنوان یک نیروی سیاسی نظامی.

۲ - عقب نشینی کامل نیروهای سوریه از کشور لبنان.

۳ - عقب نشینی کامل نیروی اسرائیل از کشور لبنان.

۴ - برقراری کنترل کامل حکومت مرکزی لبنان در تمامی سرزمین های این کشور و توانایی نجات خود از تمامی نیروهای خارجی.

راه مجاهد:

خط صهیونیستهای سرگوبگر و غاصب این است که به مرتزبه های آمریکا راه دخال مستقیم در لبنان وارد شده و متحد با او کار انقلابیون فلسطینی را یکسره کنند.

کپهان ۶۱/۳/۲۷

در صیدا ارتش صهیونیستی تمام مردم را مجبور کرده که در یک جا جمع شوند. پلیس نظامی ساعتی طولانی در زیر شعله موزان خورشید به جدا کردن فلسطینی ها از لبنانی ها می پرداخت.

اطلاعات ۶۱/۴/۱۵

مزدوران اسرائیل دیپلماتهای ایران در بیروت را ربودند.

کپهان ۶۱/۴/۱

گرومیکو وزیر خارجه شوروی در سازمان ملل گفت: تهاجم اسرائیل به لبنان منجر به کشتار فلسطینی ها شده است و ک...

نیروهای اسرائیل باید از لبنان بیرون روند و استقلال این کشور تعیین شود. . . . لانم است که تمام اعصاب فلسطین را در برابر کشتاری که هم اکنون در لبنان صورت میگیرد حمایت کند.

راه مجاهد:

حزب کمونیست شوروی با ساختن مشی نظام آمیز و مسالمت آمیزی که در برابر امپریالیسم دارد و به لحاظ اینکه موجودیت اسرائیل را بر سر میسازد می شناسد ما می توانیم حمایت قاطع و نظامی از ایثارگری ها و مقاومت های خلق فلسطین بنماییم.

نزدیکی به شعار نه شرقی نه غربی و اتکا به خود و در نتیجه افشای تفاهم شرق و غرب از برکات مقاومت فلسطین است.

کپهان ۶۱/۴/۳

سرد پیر خبرگزاری وفا: کسی از کشور دوست شوروی نخواسته است که سلاحهای سحرآمیز خود را بکار گیرد بلکه آنچه مورد نیاز است بکارگیری توانایی شوروی است حتی اگر این...

توانایی کمتر از توانایی باشد که امریکا بکار گرفته است.

کپهان ۶۱/۴/۳

نماینده سازمان الفتح در خلیج فارس: شوروی خسارات سوریه در جنگ اخیر لبنان را با تحویل سلاحهای پیشرفته جبران کرده است.

راه مجاهد:

آیا وظیفه اصلی شوروی در قبال لبنان تحویل سلاحهای ساده و چریکی به زلفندگان فلسطینی است یا سلاحهای پیشرفته بدون کاربرد به ارتش سوریه تحویل اینگونه سلاحها گسترش تفاهم شرق و غرب است.

اطلاعات ۶۱/۱/۱۵

گرومیکو: شوروی حاضر نیست سوی سلاحهای دیپلماتیک کاری انجام دهد و خط مشی کنونی اش در قبال خاورمیانه را در راهی تغییر نخواهد داد.

مبلغ ۵ هزار ریال دارای خسوسه راجعت استفاده رزمندگان اسلام تسلیم کرده است. . . .

راه مجاهد:

د ضرب عده های از رزمندگان اسلام که برای پاکسازی منطقه عقب نشینی شده عراقی هارفتن بودند در یکی از سنگرها نلمعی از طرف یک عراقی به زبان فارسی پیدا کردند که در آن نوشته شده " درود بر خمینی، درود بر رزمندگان اسلام، سپس گفته که در آن منطقه ۶۰ هزارین کارگزار اشتهاست با خمین ساشید و انشا الله تاکنون خیلی از آنها را خنثی کرده ایم

کپهان ۶۱/۴/۱

رژیم صدام جواهرات پارک گاه حضرت عباس (ع) را هارت کرد.

زاد یو بغداد ۶۱/۴/۱۳

عراق حاضر است روزی ۱۰۰ هزار دلار برای زیارت کربلا بپردازد. زائرین باید از ۱۵ سال پایین ترین تا ۶۰ سال بالاتر باشند و مهلت آن تا آخر ماه رمضان است در هوش ایران بایستی راه مشهد را برای مسلمانان عراقی بگشاید.

راه مجاهد:

این حرکت فرصت طلبانه برای گرفتن انگیزه آزادی قدس از طریق کربلا و خط مشی کربلایی و جان پرگف میباشد و مشابه است با مذ هب نمای محمد رضا در او اخر حکومتش در برابر سیخ خلق خروشان.

### عراق

کپهان ۶۱/۳/۲۳

یکی از اسرای عراقی طی نامه ای

## جنگ جهانی سوم

تحقق جبهه مستضعفین علیه مستکبرین و زمینه ساز ظهور امام زمان (عج)

بنام خدای شهیدان

جنگ جهانی اول و دوم حاصل تضاد بین جناحهای امپریالیسم بود.

در جنگ اول، ژاپن و آلمان برای آنکه خود را در مقام طراز اول جهانی جای دهند و بایست فقدان وسعت خاک و منابع طبیعی را بگونه ای جبران نمایند این دو تلاش میکردند تا از طریق توسعه مناطق نفوذ و مستعمرات به هدف دست پیدا کنند و این عمل مبنای درگیری آنها با قدرت های بزرگ جهانی نظیر عثمانی، انگلیس و فرانسه گردید. این جنگ با حدود ۹ میلیون کشته، ۲۲ میلیون معلول، ۵۰ میلیون مفقود و . . . . . بازتاب تضاد بین دو جناح از قدرتهای بزرگ جهانی بود.

جنگ جهانی دوم نیز با یورش آلمان به خاک لهستان آغاز گردید و عامل اصلی وقوع آن، تلاش متحدین برای جبران شکست گذشته و ارضای حس غرور و برتری طلبی خود بود. در این دو جنگ نقش ملل مستضعف جهان، سوختن در دل تضاد قدرت بین دوول بزرگ بود. یعنی در درگیری بین انگیزه های شیطانی، توده هامپره های بودند که در شروع جنگ و نه در سر و میان آن دخالتی نداشتند.

اماد رجال حاضر اگر جنگ جهانی دیگری بخواهد واقع شود، چه از لحاظ انگیزه ها و چه از لحاظ دستنه بندی نیروها، تفاوت های اساسی با دو جنگ گذشته نخواهد داشت. این امر دلیل تغییر و تحولات جوهری و بنیادینی است که در حرکت خلقها و انقلابات مکتبی و استقلال طلبانه انجام گرفته است.

در این بین انقلاب اسلامی ایران، ابتدا با سقوط

رژیم شاه و حاکمیت بر کشور ایران و سپس با خط مشی تشکیل "جبهه واحد مستضعفین علیه مستکبرین" جوهر انقلابات منطقه و جهان بوده است. در نتیجه جنگ جهانی سوم عمدتاً بر سر مسئله ایران و تلاش برای جلوگیری از تعمیق و گسترش آن صورت خواهد گرفت.

جنگ جهانی سوم، تضاد بین جناحهای امپریالیسم نخواهد بود، بلکه تجلی تضاد مقدس و الهی بین توده های پیا خواسته از کسو و شیطان بسزرگ و صهیونیسم غاصب و . . . از سوی دیگر خواهد بسود. در این صورت خلقهای مستضعف یک پای درگیری بسود و نقش تعیین کننده در سریر جنگ و نتایج آن خواهند داشت. این جنگ درگیری بین حق و باطل است که در آن، نیروهای حق هم دیگر ریاقتها ندود و آفتوش میکشند و جبهه واحد و خونباری علیه استکبار جهانی تشکیل میدهند. در این جنگ ساده اندیشی خلقهای جهان نسبت به امپریالیسم فرو رختن تمامی اشکال مبارزه در خدمت مبارزه قهرآمیز و مسلحانه و مکتبی قسرسرار خواهند گرفت.

جنگ جهانی سوم، مقابله تمامیت حق با تمامیت باطل است که در آن نطفه قیام کربلا، پس از ۱۳۰۰ سال نضج گفته و در گسترده گی جهانی در برابر باطل مسل می ستیزد.

و در یک کلام، این جنگ، تعرض جهانی مستکبرین علیه مستضعفین است که عامل مرز بندی بین حق و باطل می باشد. و این خود از اعلام ظهور حضرت مهدی (عج) است. توده های سنگر نشین و منتظر ظهور در جبهه های سی جهانی، هنگام بیداری اسلحه بدست دارند و به هنگام خواب، اسلحه را زیر سرشان میگذارند و یاد عسار عمل خود از خدای خواهند که ظهور روح صلح را عاجل فرماید.



شمن انسان در بندرها نشانه ها افراشته است، و آسمان انباشته از نشانه ها است، در افاق باد بانهارای بینم که در اهتزازند، و جویهای پیکارزند خورشید طلوع میکند و انسان به پیش می رود و به اوست که سوگند میخورد سازش نمی کنم، و تاپایان می جنگم می جنگم، قسمتی از شعری از "سمیح القاسم" شاعر فلسطینی

اگر امروز دولتهای منطقه با سلاح نفت و سلاح گرم در مقابل این جنایتکاران بایستید مسئله اسرائیل و پس از آن آمریکا و هر قدر تمند چپا و لگر دیگر حل میشود.

"امام خمینی"

# کربلا طریق القدس

## بلوای رمضان سبزوار

قلنداد میشد حال برای زندهگان بصورت يك " شعور و عمل " ملموس و نیاز اصل در آمده است. همانگونه که سرخی رانی توان از لاله قرمز جد اکرده آزادی قدس و ضدیت با صهیونیسم راهم نی توان از انقلاب اسلامی ایران جدا نمود که از ویژگیهای پایدار انقلاب است.

قبل از پایان دفع تجاوز و عقب نشینی بعث عراق ۹۰ درصد نیروهای جبهه د اوطنیانه عاشق رفتن به فلسطین و جنوب لبنان بودند. اسرائیل قبل از اینکه این موج خروشان خلق به جبهه ضد صهیونیستی منتقل شود، لبنان را جنایتکارانه اشغال نمود تا فلسطینی ها و زندهگان اسلام را تصفیه کامل نمیزی نمایند و " بیروت " را به صورت " تل زهر " جدیدی در آورد.

هدف از مرحله جدید جنگ اسلام و کفر تکمیل دفاع و نجات مستضعفین و آزادی قدس از طریق کربلاست.

این خط مشی موجب میشود که ثبات ارتش عراق شکست و توری پلیسی پاره گشته و بدین ترتیب نیروی فطری ملت مسلمان آزاد گردد. تا پیدا شده و قیام کنند و حرکت ذاتی جوهی در دسترس عراق آغاز شود.

از طرفی هدف امپریالیسم از جنگ تحمیلی و توریسم و جنگل و ۰۰۰۰ آن است که انقلاب تعدیل گشته و رفرمیسم کشاند شود. ( رجوع شود به سرفقاله راه مجاهد شماره ۸ )

جریان عافیت طلب و رفرمیست ایران هم وارد مرحله جدیدی در اشغال پست ها! شده است. از یکطرف شعار مکتبی " کربلا به قدس " میدهد و با این شعار خود را ظاهر سوار بر انقلاب کرده است در حالیکه عیقا " این خط مشی را قبول ندارند.

بقیماز صفحه ۱ درست است که کیتسه سابق به سرپرستی آقای اخلاقی منحل و تصفیه شده به سود ولسی از آنجایی که با اعتقادات آنها مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک نشد روابط خود را در بیرون کیتسه حفظ کرده و دوباره عناصر آن در بلوای رمضان فعال شدند.

بلوگران آتش زهر خاکستر و منتظر فرصتی بودند برای تحقق هدف هایشان.

متأسفانه هیچیک از مسئولین مسلکتی بلوگران را بازخواست نکرد و هیچکس از آنها نپرسید که تودمهای دهقانی چنگاهی دارند که به میدان آوردند و بنهاد های انقلاب به رگری آشکار کشاند شوند.

در بلوای اول همدستی جنبش ملی مجا هدین با انجمن ضد بهائیت دیده میشد و انجمن از صادماندیشی روحانی شهر استفاده کرد و زیر پوشش او کار میکردند.

در بلوای دوم ( رمضان ) عوامل بلوای اول چنان جرات پیدا کردند که فرمانده سپاه و چند برادر دیگر را با جاقوشندت مجروح نمودند و دیدشمان جرقهای برای عمل مقابله و حریق شدند. کاره تیراندازی و شهادت و مجروح شدن عده های کشید.

آنچه مهم است همزمانی بلوای رمضان با حرکت کربلا به قدس مردم به رهبری امام است. در شرایطی که باید پیگیر شهادت طلب سپاه تقویت شود و در شرایطی که بسیج از شهر به جبهه بایستی دائم التزاید شود، آیا درست است که رهبر مسئله فریاد سپاه را ضربه نمایند و سپاه را تضعیف کنند؟

ماه به نیروهای مکتبی همدارند هم که بلوای حرم و رمضان سبزوار در نومونه نیستند بلکه جریان هستند که در دسترس ایران وجود دارد منتهم مراتبش فرق می کند. باید هشیار بود.

خط مشی کربلا - قدس و رفرمیسم داخلی؛ جنگ اسلام با کفر کمپ دیویدی وارد مرحله جدیدی شده است. خط مشی سرخ " کربلا - قدس " در دسترس روز انقلاب قرار گرفته است.

آزادی قدس که روزی بنظر عده های يك " شعار " ایدئالیستی

این جریان نه تنها با اسرائیل درگیری بنیادی ندارد بلکه درگیری بنیادیش با شعار " کربلا به قدس " می باشد. اینها در محتوا معتقدند که شعار " کربلا - قدس " یک شعار چپ نام بوده و انقلاب اسلامی توان حمل و کشیدن آن را تا انتها ندارد. چرا که کمپ دیویدی با تمام نیرو نیست به موجودیت اسرائیل حساس است و خط مشی " کربلا - قدس " موجب میشود که نیروهای کمپ دیویدی به کمک صدام بشتابند و اگر تاکنون کمک اردن مصر و آمریکا و اسرائیل به عراق فیسر مستقیم بود همین کمک مابصورت مستقیم در پی آید آنوقت جبهه اسلام با تمامیت کفر کمپ دیویدی درگیری آشکار خواهد داشت.

جریان رفرمیست با علم بعین مسئله است که می خواهد همزمان با فشار همه جانبه کمپ دیویدی بر انقلاب مله در شهرها بلوا ایجاد نموده و بنهاد های انقلاب را تضعیف و سازماندهی خود را تثبیت کند.

اما جریان جوهری انقلاب به رهبری امام با حق بخشیدن و بالا بردن درجه بسیج مستضعفین بطرف جبهه ها و تکلیف الهی کردن جنگ، شعار " کربلا - قدس " را نیاز اصل مستضعفین ایران و جهان دانسته و خود را قادی حتمیل آن می بیند، مضافاً که نیروهای کمپ دیویدی عرب که جبهه های واحد علیه اشغال صهیونیسم در لبنان نگه میدارند، منطق حکم برای دفاع از صدام علیه انقلاب اسلامی ندارند و اگر به کمک صدام بشتابند ماهیت اسرائیلی شان برای مردم کشور هایشان آشکار شده و وضرات کاری تر خواهند خورد.

این جاست که خط مشی " کربلا - قدس " نه تنها در خط رفرمیست هانی گنجد بلکه نیروی آنها را هم به خدمت میکشود. و اگر چه از نظر تشکیلاتی امتیازاتی در داخل بدست آورده و تا حدودی تثبیت شوند ولی از آنجایی که توان و کشش درگیری با کفر کمپ دیویدی را ندارند، در دستان رو میشود و توده ها به حساب آنها خواهند رسید. پس باید از یکطرف خط " کربلا - قدس " را مرحله بندی کنیم و از طرف دیگر اظب جریان رفرمیسم و درگیریهای داخل شهرها هم باشیم.

( از عناصر لیبرال ) ترفیب و تشویق چارچوب " شمس " ( شورای مرکزی بنی صدر، مجسد لدا " وارد بازار اهل سنت ) شنیدنی است که چگونه سیاست شد. مواضع بدین شرح توهین به امام و انقلاب و صد و رانقلاب میدکند و درست همان برخورد گروهها دارد.

الف) به لحاظ سیاسی عمده ترین شیعا رفتی زاده " نفی ستم ملی - نفی ستم مذهبی ستم طبقاتی " ایدئولوژیک او شباهت کامل با جنبش است که در این شعارها هر چه میسج ملی مجاهدین دارد و در مواضع مبارزه با امپریالیزم و وابستگی وجود ندارد. نفی ستم ملی در حقیقت همان خود مختاری بی ملاک و در محتوای " خان مختاری " است؛ ( بخصوص آنکه مکتبی هر چند شخص رفتی زاده اینسک روابط بلوچستان را با وجود خوانین به روابط اسلامی خیسلی نزدیک میداند )، اما جریان فکری اش به شکل عینی و نفی ستم مذهبی که شکل دیگری از طرح کفرانسان طائف است. نفی ستم طبقاتی را هم چاشنی می کند تا جوانان یکسره از او نبرند. اما آنچه مهم است اولاً در این شعار مبارزه ضد امپریالیستی اصلاً مطرح نیست و ثانیا بین این سه شعار خود اواصلی و فرعی نشناخته اند و حتی بعد از موضع گیری نمی کند. ولی در عمل تشدید تضاد شیعه و سنی و سپس خان مختاری محور حرکتش می باشد.

۲ - در خصوص مد و رانقلاب مسئله جنگ برخورد فعال و موافق که هیچ موضع بی تفاوت هم ندارد، بلکه شدت با مد و رانقلاب مخالف است. سخنرانی های معروف مسجد اسماعیل آباد در

روست که هیچ روش زندگی از جمله زندگی رفاهی را مدومند است و آنرا باعتبار تطبیق با روشی یکی از اینها ( معاویه ۰۰۰ ) شرعی و محترم و اسباب رستگاری میداند. از این رو مبارزه با خوانین و ضد انقلاب از این دیدگاه معنی ندارد بلکه مذموم است ۴ - کافر دانستن شوروی و اهمل کتاب دانستن آمریکا از دیگر ویژگیهای مشترک این جریان با جریانهای دیگر فونیکیس خزنده در بلوچستان است.

۵ - توضیح اینکه بتدریج اینها به مناسبت مسائل نظیر مبارزه با بی حجابی، و مشرب خواری و ۰۰۰ جذب جمهوری اسلامی شده اند. اما ناگفته روشن است که جذب شدن صرفاً از این موضع و نه از موضع استقلال و آزادی آنها را همگام با روحانیت غیر مکتبی شیعه در سایر نقاط می کند. چرا که این خواسته ها را ضیا الحق و عربستان سعودی هم می توانند بدهند.

۲ - جناح روشنفکری برهبری رفتی زاده و بعضاً " اخوان المسلمین " رفتی زاده و اخوان المسلمین از جریاناتی هستند که در بسیاری موارد خود نهاد ها به رشد آنها در مقابل جریان اول کمک کرده اند. عدم شناخت ایدئولوژیک آنها) رفتی زاده که در این او اخبر دعوت اخوان المسلمین و دیگر بر توده ها

دخالت برادران اهل منست در سیاست و ناگزیر عدم درگیری با رژیم سلطنتی و ملوکیت میشود که این خود موضع گیری مشخص سیاسی است اما بعد از انقلاب ارتجاعی ترین آنها اولین کسانی بودند که معتقد به دخالت دین در سیاست شدند و اولین فتوای آنها حکم به کفر شیعه بود و برای روشن شدن مطلب می توان به کتاب صراط مستقیم نوشته مولوی نسکندی مدیر رسد سر باز مراجعه کند.

۲ - در خصوص جنگ هم موضع اولیه آنها همگام با مدام و دول ارتجا - عی منطقه این بود که جنگ را جنگ شیعه و سنی میدانستند و اگر " مانع از بسیج مردم مستضعف بلوچ بسمت جبهه میشدند.

راه رشد انقلاب، پیوند با قبائل مستضعف بلوچستان بقیماز صفحه ۱۲ می کند. و این در حالی است که افراد کمی بلوچستان می آیند، به لحاظ شخصی اکثر " افرادی دارای انگیزه ها و خصمتهای پسندیده هستند. این فعال نشدن در جهت حل مسائل منطقه ای موجب آن شده که اختلافات غیر اصلی بین نیروهای انقلاب در بسیاری موارد اصلی شده و رقابت های شخصی و گروهی و فیسر بنیادی جای برخورد روی مسائل منطقه وحل مشکلات آنها را میگیرد. البته افرادی که بدون وارد شدن در این درگیریهای غیر اصلی به پیوند با مردم بلوچ وحل بنیادی مسائل منطقه همت گماشته اند از تیغ جلا دان و خطر تصفیه بی نصیب نماند هاند.

ج - روحانیت غیر مکتبی این جریان شامل دو قسمت رایج ( سنتی ) و روشنفکری میشود که ذیلاً به تشریح مواضع هر سبک می پردازیم.

۱ - جناح سنتی ( رایج ) یا جناح الازهر و جامعه اسلامی مدینه ( عربستان )

۱ - اینها قبل از انقلاب معتقد به جدایی دین از سیاست بودند و آن هنگامی بود که این حکم منجر به م

۲ - عدل صحابه

۳ - عدل صحابه

بقیة از صفحه ۱

### شهید علی اکبر

بنی صدر امام راجع به جریانات جامعه صحبت میکردند و معلوم بود که از دست بنی صدر و اطرافیان لیبرال‌ها در پی داشتند. همان موقع علی اکبر که تازه از شناسایی جبهه برگشته بود و به سخنان امام گوش میداد به گریه افتاد بود. می‌گفت امام توجیه و مظلومی حرفهای دل را نمی‌توانی بگویم کسی آن را نمی‌فهمد. می‌گفت امام نیاز به آدم‌هایی دارد که حرف دلش را بفهمند و تنها یک پیرو صداد نباشند بدین جهت روی پیامهای امام فکر میکرد و کار میکرد کتابهای امام را قلمباز مطالعه می‌نمود و معتقد بود که یک پیرو خط امام باید به ایدئولوژی امام نیز مسلح باشد و بتواند با ایدئولوژی‌ها و تفکرات انحرافی برخورد کند.

اوه فدایی که امام می‌گویند همه باید خمینی شوند اینطور لیک می‌گفت، از اینجا بود که مدت‌ها قبل از عزت بنی صدر حتی در جریان انتخابات ریاست جمهوری به انحرافی بودن تفکر بنی صدری برده بود و معتقد به برخورد با مواضع انحرافی بنی صدر بود پرداخت با موقعی که هنوز جریان بنی صدر به شکل آشکار و مشخص نشد بود، و وقتی مواضع بنی صدر را افشامیکرد بدلیل عدم آگاهی کافی بعضی از یاران خط امامی به وی مبارک تنافق و ضد امام می‌زدند و علی اکبر با صبر تحمل می‌نمود و می‌گفت بالاخره خودشان بی‌بیرند. بچه‌هایی که مدتی با وی بودند عشق او را به آیت‌الله منتظری میدادند علی اکبر می‌گفت آقای منتظری به حق جانشین واقعی امام است. می‌گفت اوه درد و رنج روستائیان شناسست و مثل خود مادرده بد نیامد مویسزرگ شده می‌گفت آیت‌الله منتظری زحمت

زیادی برای بجا آوردن حق روستائیان می‌کنند و خواهند بند "ج" را پیاده کنند ولی جریانهای ایشان را از دست می‌کنند و به ایشان فشار می‌آورند می‌گفت آیت‌الله منتظری هم مانند امام در دلش را کمتر کسی می‌فهمد.

۳ - علی اکبر، مجاهدی عارف بعضی هاتفرمی کنند عرفان یک چیزی است جدای از مبارزه رزمندگی و تنها مخصوص یک عده است که سالها کتاب خوانده‌اند و در گوشه اتاق می‌نشینند در حالی که انقلاب اسلامی و جنگ استخلاف این را ثابت کرد. مادرجبه‌ها رزمندگانی را می‌بینیم که هم دعای کبیر می‌خوانند و هم اسلحه بردوش به دشمن یورش می‌برند اصلاً "حلمو تهاجمشان همین عرفان است، عرفان یعنی شناخت خدا از طریق تحقیق حاکمیت خدا و صفات خدا. رزمندگانی که با اسلحه‌اش بر سر صدایان کافر

### علی اکبر میگفت: آیت‌الله منتظری بحق جانشین واقعی امام خمینی است ... ولی جریانهای ایشان را اذیت میکند و به ایشان قار می‌آورند.

می‌گوید و عدالت خدا را اجرا میکند، بزرگترین عارف است. بدین دلیل علی (ع) را ابی العرفا می‌خوانند و امام زمان (عج) بزرگترین عارف است امام قرآنی را کسی خواند در عمل تحقیق میداد و عملش همین دعا بود و از این روی راسر از امام زمان می‌دانیم. در حمله ۲۱ اردیبهشت هنگامیکه بچه‌ها برآتش دشمن قرار گرفته بودند

### مجاهد شهید علی اکبر توکل می‌گفت: امام نیاز به آدم‌هایی دارد که حرف دلش را بفهمند و تنها یک پیرو صاده نباشند ... وی معتقد بود که یک پیرو امام باید به ایدئولوژی امام نیز مسلح باشد و بتواند با ایدئولوژی‌ها و تفکرات انحرافی برخورد کند.

امکان پیشروی مشکل شده بود علی اکبر با گفتن الله اکبر این جورایی شکست پیشت سر آن بچه‌ها با فریاد الله اکبر به خاکریز دشمن حمله کرد و دشمن را شکست میدهند، این است عرفان علی اکبر. شهید علی اکبر با گفتن الله اکبر 'خدا بزرگتر از همه چیز است' خستند و بزرگتر از تنگ و تنگ دشمن است اینگونه با شرف مبارزه میکند و حاکمیت خدا را تحقق می‌بخشد. در همین عملیات بود که حدود ۲۲ عراقی را به تنهایی اسیر گرفت در شناساییهایی که میرفت همیشه این خطبه حضرت علی (ع) را می‌خواند "تول الجبال ولا تزل و...". کوهها بلرزند اما تاملرزه دهند نهایت راه هم بفشاره، جمجمه‌ها را بپاره کند، سپاره قد مهیبت را محکم می‌گذارد، انتهای لشکر دشمن نظر کن. بدان که بدستی که تصور پیروزی از آن خدا است.

در میان بچه‌های جبهه شناسایی رفتن علی معروف بود بدین جهت مسئول شناسایی شده بود همیشه جلوتر از همه بود و حتی تا چند قدمی دشمن پیش میرفت. علی اکبر زاهد شب و شب روز نبود شبها که به شناسایی میرفت نیز شبها زاهد بود و روزها هم که سر به دیوار سنگری کوبید و می‌گفت عجل علی ظهورك زاهد و شیر بود. در رزیدگی دشمن وحسام ترین لحظات شیر بود و در همان حال زاهد هم بود دعا و قرآن می‌خواند و نزل خدا استغفار میکرد. علی اکبر تحقیق این حدیث بود: "لکسل

می‌شوند و امیرالایم در داخل همسراحت نمی‌نشینند و دست به ترور و توطئه می‌زنند. به همین خاطر در انتقاد سال در ستاورد ها و تجربیاتش به دیگران فعال بود و سعی میکرد هر چیزی که خودش میداند به دیگران هم یاد دهد و گاه رسازی کند. در شناساییهایی که می‌رفت همیشه چند تن از بچه‌هایی که تازه آمد بودند با خود می‌برد. واقعا به اینکه در راه آزادی کربلا شهید میشود ایمان داشت و بخاطر آزادی قدس واد امره را هوش تجریباتش را به دیگران انتقال میداد با بچه‌ها صحبت میکرد و تحلیلها و ستاورد ها را قرآنی را هم به آنان می‌آموخت. بیایم یاد رس گرفتن از زندگانی و شیوه‌های او ماه سر باز امام زمان (عج) و پیرو واقعی امام خمینی شویم. بیایم با شناخت علی اکبر و علی اکبرها به خدا نزدیکتر شویم. تنها یاد رک واقعی خط امام و مسلح شدن به ایدئولوژی امام است که می‌توان چنین انسانها را شناخت و به قلبهای تپنده آنان راه یافت. تنها با منطق امام (برهان صدیقین) می‌توان به قلب بزرگ حسین فهمید هارا ریافت، امام هم با همین منطق است که قلبهای تپنده علی اکبر همارا حسین فهمید هارا پرورش داد و مانند ابی القلوب گشته‌اند کسی گویند، رهبر ما آن طفل ۱۲ ساله‌ایست که با قلب کوچک خود که از زشش بیش از صد هازیان و قلم ماست با بستن نازنک بفرز ترانگ دشمن رفت و "والسلام" را مساجد، صبر و مقاومت همسر و خانواده، قسام نمود امامان راز خداوند متعال خواهانیم و امید داریم يك لحظه در ادامه راه او بی تفاوت نباشند.



### متن وصیت‌نامه مجاهد شهید به خانواده‌اش:

بسم الله الرحمن الرحيم  
متن وصیت‌نامه من علی اکبر توکل می

خدمت بد و مواد و خواهران برادران همسر و بقیه وستان آشنایان سلام:  
امروز روز جهاد است، جهادی مقدس بر علیه کفار در سراسر جهان روز مبارزه در حنگ حق علیه باطل و من نیز خوشحالم از اینکه خداوند این توفیق را بمن داد تا در این جهاد مقدس که همانند غزوات صدر اسلام است شرکت نمایم و امیدوارم که همانند تمام مردان راه حق این امتحان را با موفقیت کامل به پایبستان ببسرم. این جنگ خیلی مقدس است شمارا به خون شهیدان سوگند نگذارید بسازش کشید شود همیشه از امام و گفته‌هایش پیروی کنید و در تمام موارد از او اطاعت نمائید که او ولی امر و نایب امام زمان است و هرگز تا خون در بدن دارید او را تنها نگذارید که او وارث امام حسین (ع) و تمام شهیدان تاریخ است او شاره الله است و همیشه سر نماز او را عا کنید و بگوئید: "خدا ایاه خدا یا، تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار".  
اگر قدر این رهبر امام را ندانید عذاب الهی بر شما وارد میشود همانند زمان حضرت علی (ع) که بعد از ۱۴۰۰ سال زجر و بقیه صفحه ۲۰

### وصیت‌نامه مجاهد شهید علی اکبر توکل می

است که با ظلم و شرک و کفر درگیر میشوم بچه‌ها امام را هیچوقت تنها نگذارید من در سیمای اوانیبا را می‌بینم و راهش را آنهاست. تنهائیش نگذارید بچه‌ها این جنگ خیلی مقدس است. خیلی مقدس است روش خیلی نیرو بگذارد باز هم می‌گویم که این جنگ خیلی مقدس است و چه درجه‌ها در پشت جبهه شدت در آن فعال شوید و بفرمایید "ارزش هر کس به اندازه‌ای است که در مبارزه می‌گذارد. و ملاک ما برای تقوا و اسلامیت و مسلمانسی و بساداش نیروی است که هر شخص در این جنگ می‌گذارد. بچه‌ها اگر همه هم جان دهید نگذارید که این جنگ بسازش کشید شود که مرگ نهضت است و این نهضت اسلامی به نابودی کشید میشود و غضب اسلامی آن وقت نازل خواهد شد و آن یک حکومت کافر و غاصب خواهد بود و بچه‌ها سازش محال است. این راه همیشه میدانم که در اردوی بازم تاکید میکنم که نگذارید و با تمام نیرو نگذارید که سازش شود چون وقت ندارم خدا حافظ میکنم.  
"خدا نگهدار امام باشد." به امید پیروزی حق و آمدن امام زمان (عج) "برادر کوچکتان علی اکبر توکل می ۶۰/۲/۱۷

### بنام خدا

بچه‌های خوب و عزیز که همیشه وقتی به چهره‌تان نگاه میکردم جلوه امام را می‌دیدم و واقعا نیروی گرفته و بعد اوقات و باکی شما هر لحظه و برحقانیت راهی که برگزیده بودیم را سخ تر میشد و میشوم. بچه‌ها، چند نکته می‌خواستم موقع رفتن بگویم که امید انید و ولی باید ببخشید کسی خواهد اینها را بگویم:  
بچه‌ها همیشه آیه ۸ آل عمران را "ربنا لا ترخ قلوبنا بعد ان هدیتنا...". یادتان باشد، همیشه و تحقیق این آیه به نظر من انتقاد پذیری می‌باشد. کمن صداقت و انتقاد پذیری را دو رکن اساسی برای رشد و تکامل انسان و تعالی انسان میدانم.  
بچه‌ها مسئله دیگر اینکه همیشه بین دو نماز دعا کنید یک دعای که به نظر من مهم است و خیلی مهم و آن اینکه:  
"خدا ایاه یا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار".  
بگوئید با ایمان و کامل و صد درصد معتقدم که امام پرچم امامتش را فقط به حضرت مهدی (عج) خواهد سپرد. و دعای پشت نشر به راه راهنمای عملتان بشاشد (۱۰)  
به خانواده و برخورد با آنها اهمیت بدید چرا که هدف پیاده کردن قانون خدا و رسیدن به امت واحد است و در این راه

وصیتنامه....

شکجه و فشار و خفقان نتیجه اش بود. شما نیز اگر به ارزش انقلاب و رهبری آن پی نبرید همان خواهد بود که تمام ضد انقلابیون و فرصت طلبان بگویند که این انقلاب اسلامی بود همیشه اسلامی خواهد ماند. تازمانی که یک مسلمان روی زمین است مبارزه است و این مبارزه بی امان خواهد بود تا بوی گفرو، شرک و نفاق ادامه خواهد داشت. به کسانی که پیوسته آیه یاس می خوانند این گفته شهید مطهری را بگویند که: هی نگویید انقلاب برای ما چه کرد بگویند ما برای انقلاب چه کردیم. به آنها بگویند آیات ۶۰ تا ۱۷۵ سوره آل عمران را بخوانند، تقواریشه کنید که قرآن راهنمای تقوای شماست. شما مایه امید تمام مستضعفان جهانید. نگذارید که با انحراف انقلاب و سازش در جنگ این مایه امید به یاس تبدیل شود. با شرکت همه جانبه در جنگ چه در جنبه رزق و در پشت جبهه به تمام نیانسانان دهنده کعبه و تکیه بر شرق و غرب و ابزار پیچیده امپریالیستی بلکه با اتکا به نیروی ایمان و سلاحهای خود کفای پستی پستی خداوند متعال یا ورهه مستضعفان جهان میتوان بر تمام قدرتهای ابرازی و شیطانیه پیروز شد. تا آنها نیز نتوانند با راهنمای عمل قرآن و ادب شیوه های انسانی و مکتبی شما حرکت کنند و زمینه قیام جهانی حضرت مهدی (عج) آماده شود و اطمینان دارم که چنین خواهد شد و امام خمینی پرچم مبارزه را بر زمین نخواهد گذاشت تا بدست حضرت مهدی (عج) بپسارک و امپد و ام که شما با شرکت هر چه بیشتر و فعالتر در جنگ زمینه ظهور را جمل حضرت را فراهم آورید. انشاء الله

دوستان و افراد فامیل واقعی من کسانی هستند که بعد از شهادت مرا هم را ادامه دهند و از دستورات امام اطاعت نمودند و در درون خود امت واحد را برقرار نمایند و در مبارزه علیه باطل شرکت کنند. امت واحد مرا فراموش نکنید و در راه برقراری آن در بین خودتان کوشش کنید و تحقق اراد خداست من آرزوی ندانم جز پیروزی اسلام و برقراری حکومت اللّٰهُمَّ خُوشِحْ لَنَا مِنْهُ لَنْ نَكُونَ تَوَاسُطًا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ عِلْمِهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ. اینک که توانستیم در این جنگ شرکت کنیم یا اینکه بجنگیم تا با پیروزی و کربلا و سرانجام قدس را آزاد کنیم یا اینکه بانثار خون خود بر شهادت بوسه زنیم که این نیز پیروزی خون بر شمشیر را نشان میدهد. از شهادت نترسید که مرگ ناپسندی انسان نیست بلکه تحولی است از صورتی بصورت دیگر و مرگ همراهمی که پس حال که زندگی این دنیا مزرعه آخرت است پس بیایید انسانهایی آزاده باشیم و بخود بیاییم و با هدف زندگی کنیم از خود بیرسیم ما که هستیم از کجا آمدیم؟ چرا آمدیم؟ به کجا میرویم؟ کجا میرویم؟ چگونه به پایان باز هم تا کعبه می کشیم همیشه گوش به فرمان امام باشید و او را تنها کسی نگذارید و گفته های آیت الله منتظری را در نظر داشته باشید که "القدس، ما المقدس، و ما اداریک ما القدس و خیلی دلم میخواهد بفتح قدس شرکت داشته باشم چون فرماندهی آن در دست امام زمان (عج) است. ولی میدانم که در باز کردن راه کربلا شهید خواهم شد و این نهایت آرزوی من است. در پایان وحدت و پیروزی برای اسلام و مسلمین را از خداوند متعال خواستارم. همیشه بعد از نماز دعا کنید بخصوص برای امام.

"والسلام علی من التبع الهدی"  
دوستدار اسلام و مسلمین - علی اکبر توکلی ۶۰/۲/۱۹  
اگر از آسمان گلوله باران اگر از نون شمشیر خون ببارد اگر دشمن هزاران ناو آرد قسم بمنهضت باک حسینسی که هرگز برنگردیم از خمینی  
اگر از تشنگی و گرسنگی ما بمیریم در میان کوه و صحرا قسم بمنهضت باک حسینسی که هرگز برنگردیم از خمینی  
اسباب و وسایل شخصی چیزی ندارم و هر چه دارم متعلق به شما بچه ها و در مادرم می باشد. بچه ها بیدار و مادر سرزنید که آنها انسانهای پاک و مسلمان و متعهدی هستند. برادران و خواهران، مرضیه را هم فراموش نکنید.  
مرضیه هم امیدوارم همانند پدر و مادرم از شهادت مسن اند و هگین نشود بلکه با عزتی راسخ همچون زینب اسلحه افتاده و صرا بردارد و راهم را که راه اسلام و امام است ادامه دهد تا در بهشت به دیدار هم نایل شویم.

خدا نگهدار مبارزان راه حق و امام باشد. آمین  
علی اکبر توکلی ۶۰/۲/۱۹

بسم الله الرحمن الرحيم  
نامه ای از علی برای بچه های خوب  
سلام، امیدوارم در حالتان جملگی خوب و سلامت باشید و چون همیشه در راه خدا به کار و کوشش بپردازید و با شکر و سپاس از پروردگار خود استفاده کنید. من از دوران زندگیم فقط دو سه سال اخیر را می توانم زندگی بنام آشنا شدن با اسلام و امام و شهادت کربلا و زندگی واقعی و مسئولیت زندگی بودن نه متحرک بودن را به من نشان داد و از عنایت خداوند بود که مرا با شما پیوند داد و مرا در زمانی قسرترا داد که صف بندی حق و باطل هر چه بیشتر مشخص میشود. وقتی تلاش و کوشش و مداومت و استقامت شمارا یاد می آید ایمان به پیروزی حق بر باطل چند برابر میشود. بچه ها مبارزه و کوشش ما در این زمان بسیار مهم است ما در مرحله ای از تاریخ هستیم که اگر نخواهیم میتوانیم نقطه عطف باشیم و اگر کوتاهی کنیم خدا هرگز ما را نخواهد بخشید و انقلاب اسلامی ایران مراحل حساسی را طی کرده و هر لحظه میشود. الان مرحله مبارزه و آزادی نهایی و در وجود یکتاوری و مرحله مبارزه تا قلب آزادی و استقلال و مشخص شدن آزادی خداوندی و آزادی خود ساختار است.

شهید علی اکبر میگفت: راه آزادی قدس راه پر پیچ و خمی است و احتیاج به انسانهایی زنده و همه جانبه دارد. خصوصاً که عده ای از رزمندگان شهید میشوند و امپریالیسم در داخل هم راحت نمی نشیند و دست به ترور و توطئه میزند. به همین خاطر در انتقال دستاورد ها و تجربیاتش به دیگران فعال بود و سعی میکرد هر چیزی که خودش میداند به دیگران هم یاد بدهد و کادر سازی کند.

برادرانم و خواهرانم پیوند با روحانیت، مردم، توده های فطری و مردم خیلی مهم است و بهترین وسیله رفع عدم انسجامها و رفع اشتباهات و اختلافات و شبهات برخورد با مردم فطری است که از خدا می خواسته علم زندگی و سازمان زندگی جلوگیری میکند. این مسئله مهمی است به تزکیه نفس بسیار اهمیت میدهد که بقول امام اگر تعلیم همراه با تزکیه نباشد جنایت بزرگی است و نمونه های این مسئله بسیار بارز و عینی است و تزکیه فقط در این نیست که به خود رنج دهیم یا بسیار روزه بگیریم یا لباس مندرس بپوشیم، نه تزکیه در نفس است شاید نتوانم آنطور که میخواهم گفته ام را بگویم چون شیاطین برای استثمار مردم بیشترین ضربه را آنجا زدند که مفاهیم را عوض کردند و مسئله به نظرم ما را از انحراف دورنگ میدارد یکی صداقت و دیگری مسئله انتقاد پذیری است. اگر این دو مسئله را رعایت کنیم و اصول اسلام را بپذیریم هرگز انحراف نخواهیم یافت و هر کجا که در نهضتها و انقلابات شیعی انحرافات ایجاد شدند در اینجا بود. ما سادماندیشی نسبت به دشمن از چیزهایی است که موجب ضربه خوردن میشود. دشمن را نتوان حقیق و کوچک شمرد. بچه ها الان وارد مرحله مبارزه با خمینی نمایمی هستیم و مسئله های مهمی که انقلاب را تهدید میکند همین مسئله است که اگر از این مرحله بگذریم پیشرفت عظیم انقلاب است. قرآن را بخوانید و هر چند که سطحی باشد دعاها را فراموش

نکنید. مهمترین وسیله تزکیه نفس همین دعا های خالصانه به درگاه خداست. به نماز اهمیت بسیار دهید بخصوص اول وقت که يك وسیله ای برای خود سازی همین نماز است. چون تسلیم مبارزه ها و جنگها برای برقراری قسط و عدل و امامت و امت واحد است. به روابط خانوادگی بیشتر اهمیت دهید اگر بتوانید روابط عالی و انسانی اسلام را در داخل خانواده برقرار کنید مهمترین ضربه را به دشمن زداید. اهمیت دادن به روابط نجس خانوادگی بخصوص پدر و مادر آنقدر مهم است که اگر مستحبات را امر کنند واجب میشود و اگر مکروه را امر کنند حرام میشوند. "والسلام"

پاروق (۱): اللهم اجعلني من جنك فان جنك هم الغالبون. بار الهی اقرب ما را از سپاهت بس برستی سپاه تو که ایشان پیروزند. واجعلني من جنك فان جنك هم الغالبون. قرار ده مرا از حزب خودت زیرا که حزب تسموایشانند رستگاران. واجعلني من اوليائك فان اوليائك لا خوف عليهم ولا هم يحزنون. قرار ده مرا از دوستانت برستی که دوستان تسمو نیست ترسی برایشان و نه ایشان اند و هگینند.

علی اکبر میگفت: در درگیری با امپریالیسم و صهیونیسم از لحاظ اقتصادی زیر فشار قرار بگیریم و این روستائیان و کشاورزان اند که میتواند ماریاری دهند بدین جهت حتی از جبهه هم که به مرخصی میرفت برای کشاورزان از ایلان و امام صحبت میکرد و وظیفه شان را یاد آوری میکرد

اطلاعیه گروه شریعت بروجرد بمناسبت شهادت مجاهد شهید علی اکبر توکلسی:  
بنام الله پرورش دهند شهید  
بقیه السیف ابقی عددنا و اکثرا ولدا. حضرت علی علیه السلام باقی مانده کارزار حق و باطل رشد یافته ترین و مانا ترین جریان است. بیشترین تعداد را نیز دارا باشد.  
بچه ها امام راهی جوت تنها نگذارید من در رسمیه ای او انبیا را بیمن و راهش راه آنهاست تنها بایش نگذارید. این جنگ خیلی مقدس است و خیلی مقدس است.  
(قسمتی از وصیتنامه شهید علی اکبر توکلسی)

شهادت برادر مجاهد علی اکبر توکلسی عضو گروه شریعت اهل روستای مزینون "ازنا" که در فجر ۶۰/۷/۵ در عمل صالح دفع تجاوز کمپ دیویدی در جهت گسترش نهضت اسلامی به شهادت رسید، ربه پیشگاه حضرت مهدی (عج) و امام امت و خانواده شهید پرورش تبریک و تسلیت میگوئیم.  
مجاهد شهید در عمل تهاجمی به پشتیبانی از جبهه مطروح شرکت جست و به تسخیر خانه های عراق واقع در مثلث کفر - لکامه - میهن و غنله و سویدانیه در کربلا سوسنگرد با آرزوی جی و حمله برد تاجبیه طراح را از ضربات شدید این توپخانه در امان دارد.

توکل سرخ باغ شریعت، علی اکبر با شوق زیارت کربلا و آزادی قدس، قاسم و ارباب جبهه رفت، عباس وارد پشتیبانی از جبهه طراح شرکت جست و حسین وارد عمل مسلحانه دفع تجاوز به شهادت در راه الله بوسه زد.  
خون او و دیگر شهدای جنگ اسلام و کفر ضربات کوبنده ای است بر پیکر شیطان بزرگ که می کوشد با هیئت های صالح بین الدولی و ایادی مزدور اخلیش از طریق بمب گذاری اودرگیرهای داخلی جنگ اسلام و کفر ربه انحراف کشانده و به سازش وادارد.  
علی جان تود وصیت نامه ات گفتی که: "دوستان و افراد فامیل واقعی من کسانی هستند که بعد از شهادت مرا هم را ادامه دهند و از دستورات امام اطاعت نموده و در درون خود امت واحد را برقرار نمایند و در مبارزه علیه باطل شرکت کنند."  
علی جان تود سعود پیوستی. قسم به بیکری ما به باره و غرقه در خون سرختان که ادامه دهند راهتان خواهیم بود.  
شریعت بروجرد ۶۰/۷/۵

# از ۳۰ تیر تا ۲۸ مرداد قسمت دوم - ۲۸ مرداد

از ۳۰ تیر تا ۲۸ مرداد

در شماره گذشته در خصوص قیام ۳۰ تیر به تفصیل صحبت شد و اینک به بررسی کودتای امریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد می پردازیم.

در بررسی علت کودتای ۲۸ مرداد علاوه بر تمام دلایل فوری که وجود دارد، بنظر ما اصلی ترین دلیل آن محتوای اصیل نهضت ملی بود. همانگونه که در حمله رژیم پهلوی - صهیونیستی یعنی - نفی با انقلاب اسلامی و اصلی ترین دلیل آن جوهریت انقلاب اسلامی و حکمت انقلاب است. مواضع نهضت ملی که جوهر رادیکال آن را تشکیل میدهند و به همین دلیل کودتا شکل گرفت بشرح زیر است:

- ۱ - خلعید از شرکت غاصب نفت ایران و انگلیس و عدم تکیه به سایر قدرتهای امپریالیستی.
- ۲ - ملی کردن شیلات.
- ۳ - سیاست مساواته منفی و عدم تعهد به هیچیک از قدرتهای بزرگ.
- ۴ - گرفتن وزارت دفاع از شاه و تلاش برای بوجود آوردن ارتش ملی و تصفیه ارتش وابسته.
- ۵ - انحلال مجلس شورای ملی - درباری و انگلیسی سنا.
- ۶ - بکارگرفتن شیوه اقتصادی ملی و نیروی بسته بدون نفت.
- ۷ - بستن لانه جاسوسی انگلیس و بدست آوردن اسناد آن.
- ۸ - بدست آوردن اختیارات تام و گذراندن قوانین نظیر قانون - ۲۰٪ محصول به نفع دهقانان و روستاها - اجرای آن در بعضی مناطق و تضعیف نفوذ آلها.
- ۹ - وضع قوانین به نفع کارگران.
- ۱۰ - عدم تسلیم به فشارهای امریکاجست بستن قرارداد های تحمیلی نظیر قرارداد "بانک بین الملل".
- ۱۱ - تضعیف دربار و اعوان و انصارش.
- ۱۲ - انحلال مجلس توطئه گر همد هم.

- ۱۳ - فراری دادن شاه و نطق ها و عملکرد دکتر فاطمی.
- ۱۴ - این مواضع اصیل و انقلابی خود بهترین دلیل بر حمله کودتاچیان و امپریالیستها به جوهر نهضت ملی و تلاش برای سرنگونی آن است.

برای شناسایی بیشتر جوهر نهضت ملی و کافی است به بعضی از سرفاله های روزنامه باختر امروز آن زمان بینگیم:

دکتر فاطمی در نامه ای که از زندان بیکی از شخصیت های آن زمان می نویسد تاکید میکند که از جریان میتینگ بعد از کودتای ۲۵ مرداد دکتر صدق کاملاً باخبر بوده و جمله به جمله نطق - ها را خوانده است.

متن میتینگ ۵ خرداد میدان بهارستان به نقل از "فرازهای از زندگی شهید دکتر حسین فاطمی" صفحه ۱۸۰ - ۱۸۱ همچنین سرفاله و نامه باختر امروز ۲۶ مرداد ۳۴ به نقل از همان کتاب صفحه ۱۵۰ و ۱۵۱.

در خاطرات آیدن آمده است: ۰۰۰۰ در پایان مذاکرات و خشنود بودم که به توافق با امریکائیا و نزدیک شده ایم. وضع ایران مسلماً تیره بود و ولی من معتقد بودم بهتر است به این فکریا شیم که برای صدق جانمیتانی جستجو کنیم، نه آنکه بگوئیم اورا بخرم. در آخرین مذاکرات با امریکائیا در باره این مطلب با هم توافق کردیم ۰۰۰۰ خبر سقوط صدق از اریکه قدرت و هنگامی که بمن رسید که دوران نقاهت را میگذراندم و با اتفاق زن بیستم و در درباری مدیترانه میان

جزایریونان باکشتی گردش و سیاحت میکردم. آن شب با خیال راحت شام مانه خوابیدم.

مردم قهرمان تهران و مردم قهرمان و تعظیم با احساسات پاک شما، مردم قهرمان تهران، تعظیم به وفاداری و ثبات شما، شما مردم قهرمان تهران موجب این اوضاع هستید، شما مردم قهرمان تهران پیش قدم و پیشاهنگ نهضت ملی ایران بودید، شما برای اولین مرتبه از همین میدان بهارستان فریاد برآوردید و هموطنان شهرستانی را متوجه حقوق از دست رفته خود کردید.

هموطنان عزیز وضع مزاجی من طوری نیست که بتوانم زیاد صحبت کنم ولی در مقابل احساسات پاک و احساسات صمیمانه و سرشار شما چاره ای نداشتم، جز اینکه برای عرض تشکر و تعظیم در مقابل احساسات شما پشت میکشوم و قرار گیرم. (فریاد زندم فاطمی و زندم فاطمی و یار وفادار صدق و توام پاک زدن شدید رشته سخن وزیر امور خارجه را قطع کرد.)

هموطنان: جو تیره شود مرد راز و گسار همه آن کند کش نیاید به کار (غریب شادی از میان جمعیت بلند شد و گفت زدن شدید آغاز گردید.)

هموطنان دیشب وقتی شصت تیر گارد شاهنشاهی (فریاد سرد مباد به مدت چند دقیقه در میدان بهارستان طنین انداز شد) بطرف من نشانه روی میکردن چون به اراد شما به ثبات و عقیدت شما ایمان کامل داشتم میتانم که نهضت ملی نخواهد مرد. (باز هم طغیان احساسات ملت آغاز شد و فریاد زنده با صدق و زندم فاطمی مانع از ادامه صحبت دکتر فاطمی شد.)

**شهید فاطمی:**  
هموطنان، فرزند آن پدری که قرارداد ۱۹۳۳ را شصت سال تمدید کرد و میخواست نهضت شما را از بین ببرد، فرار کرد. پدرش ۲۰ سال عامل کمپانی نفت جنوب بود و چهل سال دیگر را برای پسرش گذاشت.

هرگونه استعمار  
هموطنان، فرزند آن پدری که قرارداد ۱۹۳۳ را شصت سال تمدید کرد میخواست نهضت شما را از بین ببرد. (فریاد مرد مباد) پدرش بیست سال عامل کمپانی نفت جنوب بود و چهل سال دیگر را برای پسرش گذاشت. (فریاد مرد مباد.)

هموطنان امروز وظیفه شما حساستر و مشکلتر از هر روز است. امروز شما باید نشان بدهید ملتی هستید که میتانید روی پای خود بایستید و مانع هر چه باشد از میان ببرد آرید. هموطنان بآنها کسی گویند نهضت ملی شمارنگ خارجی دارد بگوئید ملت ایران برای نفوذ خارجی بقدر پیشیزی ارزش قائل نیست برای شما آن کسی که خارج از مرز شماست خارجی است.

استعمار بسیار مفید استعمار بسیار مضر است برای شما ملت ایران است (فریاد صحیح است توام با کف زدن شدید بدت چند دقیقه) هموطنان و جنایات دربار پهلوی روی جنایات ملک فاروق را سفید کرد. (در اینجا ابراز احساسات علیه رسلار که پاکتن مرد مباد توام بود چند دقیقه نمی گذشت که دکتر فاطمی را که پیش از آن قدرت ایستادن نداشتم به صحبت ادامه دهد.)

هموطنان اسلحه ای که به قیمت عرق جبین شما تهیه شده بود.

فرزند عاقد قرارداد ۱۹۳۳ میخواست علیه نهضت شما بکار اندازد. (فریاد مرد مباد)

هموطنان - خائن همیشه خائس است. روزی که صدای راد یوتهران بلند شد آن دقیقه ای که گفت نقش توای اجنبی توای خائن نقش بر آب شد. راه اولین سفارتی را که انگلستان دارد در پیش گرفت. (غریب مرد مباد بلند شد و نظاره های شدیدی علیه شاه آغاز گردید و مدت چند دقیقه جمعیت فریاد میکرد ماشاه نبی خواهیم.)

هموطنان امروز روزی است که فرد شما سراسر از مراقب و پیدار وطن باید باشید (صحیح است) امروز شما آمدید و سلاطین ننگینی را که کلنگ انگلیسی ۲۲ سال قبل برای حفظ منافع انگلستان در نفت جنوب در ایران پایه گذاری کرد و از کون و سرنگون کردید امروز شما باید دست به دست فرزند رشید وطن دکترو صدق (کف شدید با فریاد صدق پیروز است بدت چند دقیقه) بدهید و برای ایران نوایران آباد، ایران دوران تحرکات اجنبی طرح آینده را بسازید (صحیح است) هموطنان شکر خدا را که آخرین پایگاه سی ساله نفوذ انگلستان یعنی در ریاننگین پهلوی آنچنان منهدم شد که جز اراده شما اراده دیگری نمی توانست بدون آنکه خون از دماغ کسی بیزد این گانجون فساد و این گانجون ننگ را منهدم کند (صحیح است)

هموطنان موظف سنگین ایند قایق بحرانی را فراموش نکنید و از همین دقیقه که اینجا هستید و از آن دقیقه که اینجا را ترک میکنید مواظب تره مراقب تره پیدار تره همیشه باشید خدا ای ایران بزرگ است، خدا ای ایران نخواست که نهضت شما از کون شود.

فرزند پهلوی میخواست (مرد مباد) فرزند عاقد قرارداد داد ۳۳ میخواست به جنگ خدا برود میخواست به جنگ ملت برود بجنگ اجتماع که نمونسه عالیترین مظهر خدا است برود خدا او را آنچنان به زمین زده که هیچکس دیروز در چنین ساعتی حتی در خیله خود تصور نمیکرد.

خدا ای ایران خدا ای بزرگ وطن نگهد ارونکهبان شما باشد

**قطعنامه میتینگ**  
آنگاه مهندس رضوی متن قطعنامه میتینگ را در سه ماده بدین شرح قرائت کرد که مردم با بلند کردن دست آنها را بالاتفاق مورد تصویب قرار دادند و میتینگ ساعت ۷/۵ بعد از ظهر خاتمه یافت اینک قطعنامه میتینگ:

در قطعنامه دیروز مردم تهران از دولت دکتر صدق خواستند که بغیرت جامین کودتای خائنه دربار شاه فراری تحت تعقیب قرار دهد همچنین از دولت خواستار شد که شورای وقت سلطنتی تشکیل شود تا تکلیف آینده مسلک روشن شود.

پایان میتینگ و شروع د مونسراسیون  
ساعت ۷ و ۲ دقیقه بعد از ظهر میتینگ پایان یافت و سراسر جمعیت در حالیکه مشعلهای فرورانی در دست داشتند بطرف خیابان شاه آباد به حرکت درآمدند و علیه شاه فراری نظاره های آغاز گردید و این نظاره های در تمام خیابانهای بزرگ شهر تا مقران نیمه شب ادامه داشت.

فرار کودتاچیان با فرزند عاقد قرارداد داد ۱۹۳۳ این بود که اگر رخه کردن صدای ملت و در نهایت کردن حکومت ملی توفیق پیدا کردند و نتوانستند بر دست های افراد وطن پرست و آزاد بخوابند و زنجیر بگدازند راد یوتهران در ساعت مقرب برنامه محمولی خود را شروع نکند تا سردسته خیانتکاران خود را از کلا برداشتن پس از چند دقیقه با هواپیما به تهران برسانند و مزد فروش وطن و تجدید عهد اسارت و سرک استقلال و محسور حاکمیت مملکت را از انگلستان بستانند.

این جوان هوسباز بایک چنین اندیشه خام و احمقانهای سراسر اوش کرده بود ملتی وجود دارد که همایین مبارزات و افتخارات وطن و تمام جهاد ملی شدن نفت و مجموع عملیات چند سال اخیر در طرف نفوذ شوم و خانه برانگرا از استعمار انگلستان از اوست و هم اوست که در مقابل دربار و در برابر مجلس سازی اشرفه در اقلیت سازی مادر، در جلسه مسد اخلاقی برادرها و در تحرکات و بد اخلاقی و افکار خود شاه بر ضد منافع کشور سد آهنین مقاومت بسته و نیکند ارد که حاصل زحمات پیچیده صفحه ۲۶

### ابراهیم (ع) بقیماز صفحه ۸

عقیده و جهاد میداند. امنیت الهی زندگی جان به کف ابراهیم (ع) است که از یک سوی پیکرانه در پی تصویر شکنی و قرب به الله است و از سوی دیگر عرفان و اوره خلوت نبی کشاند بلکه از عرفانش رزمندگی می جوشد و در برخورد با دشمنیت های قومش، بت شکن گشته و الگوی عصیانگری در تاریخ میشود. بر قلب ابراهیم (ع) در حرکت قریباً "الی الله" مستمرا "طمأنینه" نسعنازل میشود و در دل این آرامش واقعه ای بر خورد های توهین آمیز و منزوی شدن حتی در بین خانواده مونهایتا" قرار گرفتن در میان شعله های آتش نیزامری طبیعی است که به تبع حرکت حق او انجام می پذیرد. امنیت و آرامش ریهاد رسایه تسلیم به خدا ای واحد؛ آرامش و یقین در دید ارق تعالی

هم قلب القلوب است و قلوب نیازمند ان و عاشقان را در جهت خویش متحول می کند و هم ثبات دهنده و آرامش دهنده این قلوب است. از این رو مومنین از یک سوتشنه پویایی و رشد قلوبشان هستند و در دل این دگرگونی ثبات و آرامش قلب را نیز می خواهند. یعنی هم پویایی می خواهند و هم آرامش (آرامش پویا). قلب تند (ع) در روز عا شورا که قلب جهان است از یک طرف مرکز گردیدن عالم است و از طرفی کانون آرامش. این است توحید واقعی مکانیسم هدایت؛ در قسمت آخر این گروهی را که با تحقق ایمانشان از آلوده شدن آن به ظلم جلوگیری کرده و در یک حرکت مستمر به آرامش ریهاد است یافته اند و هدایت یافته می دانند و هم هستند و در این آیه مکانیسم هدایت بصورت مشخص ارائه شده است که تحقق کامل بقیماز صفحه ۲۵

### آرامش بقیماز صفحه ۲

عزاداری امام حسین (ع) جسمای طرح مسائل سیاسی نیست که این جریان نه تنها امام حسین (ع) را شناخته که اسلام را هم شناخته است چرا که اسلام دین سیاست است. این برخورد ها از آنجا نتیجه میشود که اینها را بطه عدل الهی را با انسانهای عدل طلب نبی دانسته اند و نبی توانند بفهمند که انسانهای عدل طلب وقتی احساس

در طی عزاداری به امام حسین (ع) عشق میورزند و وقتی بیرون میروند به فکر استقامت خون حسین (ع) مافتند بدین ترتیب سخن از مظلومیت شیعه و آرمات شیعه انگ آور است و این اشکها سیلی را ایجاد میکند که با خروشند خود سدها و موانع را زمین میبرد.

می کنند جامعه قسط و عدل شان و امت واحد شان زیر فشار و مظلوم واقع شده گریه خود بخود جاری میشود. گریه طبیعی حدود رای شکند با قواعد و منطق صوری و الفاظ قابل تبیین نیست و صغری کبری هم ندارد، چرا که نتیجه عشق است. گریه الهی، طبیعی که بسبب خاطر آرمات شیعه است موجب میشود که انسان به قسط خوش بازگردد و تدریجاً معصوم شود. در سازماندهی امام زمان (عج) قرار گیرد و در این حالت است که نیروش چینه بن برابر میگردد. شیوه های از امام محمد باقر (ع) در برخورد با تاریخ، نهضت های شیعی و حرکت های ائمه می توان این شیوه سازماندهی را دید بطور مثال

قرآن ظلم را لباس و پوششی بر روی ایمان میدانند. یعنی حتی پس از آلوده شدن ایمان انسان، باز آنچه جوهره وی را تشکیل میدهد همان ایمان فطری به خدا و واقعیت مستقل از ذهن است. و ظلم همچون لباسی رویه و سطح آنرا پوشانده است. باین دیدگاه است که اسلام باطل را زهوق و رفتنی می داند.

امام محمد باقر (ع) در وصیت شان میگویند که بعد از من یک نفر نوحه سرا را در نماز بخواند تا آنجا. برای من عزاداری کند. این عزاداری به خاطر این نیست که برای حضرت قایده ای داشته باشد. بلکه باید در سبک عزاداری طبیعی و الهی نتایج سیاسی افشاگران راهم دید. حرکتی است که به خاطر الهی بودنش توده ها را بسیج نموده و به خاطر نتایج سیاسی افشاگری اش آگاهی لازم را هم بآنها میدهد. تشییع جنازه و بسیج مستضعفین در جریان مبارزه علیه رژیم سلطنتی هر قیامی چهارم شهدای قیام قبلی خود بود که در پی عزاداری برای شهدای هر شهری مردم در بسیج بالاتری قرار گرفته و عزاداری هاتیدیل به قیام ثبات شکن می شد. در طی جنگ اسلام و کفر نیز تشییع جنازه شهدا از محلات مختلف منجر به بسیج خانواده ها و راهی شدن جوانهای محل بصفت جبهه های نبرد می گردید. بعضی از جریانه ها تشییع جنازه برای شهدا را اساس آورید انند در حالیکه فرهنگ انقلاب میگوید "زینب در زخمیه بین نعر اکبر آمد" یعنی جنازه اکبرها و زینب ها را از خانه بیرون آورد و بیرون آید بسیج در مرتبه بنسالات و عمیق تر شکل میگردد و مستقیماً به حرکت سازماندهی خود جوش تبدیل میگردد.

پاورقی (۱): کیهان ۱/۴/۶۱ در دیدار با علما و روحانیون ائمه جماعات و عظام تهران و قم  
پاورقی (۲): فیالیتی کت معکم فافوز معکم "زیارت وارث"

است که به حیات آدمی عشق و شور و حرکت می بخشد و تجلی آن را در برخورد رزمند جان به لگی می توان دید که پس از آنکه با اصابت ترکش خمپاره و دستش را از دست می دهد، با شوق می گوید که من حضرت عباس شده ام. یعنی در آن لحظه آنچه برایش مطرح است پیوند با الگوهای معصوم و اولیا خداست و در را با طبعنا بر آورده شدن چنین نیازی احساس آرامش می کند. آرامش در روزه مومنین عین حرکت است که بقول امام خمینی حتمی از نعمتهای بهشت هم صرف نظر کرده و بدنبال وصل به پروردگار هستند و امنیت و طمانینه را در یک زندگی پر تحرک در جهت قرب به اللسی بینند. همان که جاهد شهید عبد المرضا مهاجری مقدم گفته بود آرامش و راحتی وجدانی که انسان به هنگام دفاع از حق علیه مشکلات آن دارد حقیقی است. آری آرامش الهی در حیات طیبه و اخروی رزمندگان در صندقا از اسلام و حق است. از اینجاست که مومنین دعا میکنند "یا قلب القلوب ثبت قلوبنا علی دینک" ای دگرگون کننده قلبها و قلوب ما را بر دین خود ثابت قرار ده مومنین از خدا ای خویش می خواهند که در پی دگرگونی و تحول ثبات و آرامش را نیز بر قلبهایشان حناک نماید. خداوند

### لقا بقیماز صفحه ۷

عبادت خدا چیست؟ شعیب (ع) میفرماید که ترس از عذاب خدا مرا به عبادت و امید دارد. بار دیگر ملائکه به خدمت شعیب می آیند و می گویند که خدا او را فرمان داد که درهای جهنم بر روی تو بسته شود، از عذاب خدا امترس ولی شعیب (ع) همچنان به عبادت خدا مشغول میگردد. باز ملائکه به حضورش می آیند که شعیب عذاب خدا که بر تو موقوف شد پس دلیل ادامه عبادت چیست؟ شعیب (ع) میگوید که به شوق نعمت های بهشت عبادت می کنم، ملائکه از جانب خدا ابه او نرسد میدهند که درهای جنت بر روی تو باز است و هر آنچه از نعمت بهشتی بخواهی نصیب تو میگردد ولی پس از آن سن وعده الهی باز هم شعیب بعبادت ادامه میدهد و این بار دوزخ و وعده بهشت چرا باز هم عبادت می کنی؟ این بار حضرت می فرمایند که عبادت من بخوا طر شوق دیدار و رؤیت جمال الهی است. پس خداوند به او امر میکند که بهشت را در روی زمین بنا کند. نفس مطمئنه امام حسین (ع)

امام حسین (ع) پس از آنکه مخالفتشان را با یزید اعلام کردند، از مدینه خارج شدند تا مقابل یزید رانداری ببینند. اگر امام حسین (ع) در مدینه می ماندند بدست عوامل یزیدی شهید میشدند و مسلماً از بهشت نیز نصیب نمی ماندند ولی هدف امام (ع) تنها شهادت و بهشت نبود بلکه هدفشان جلب رضایت معبود و تحقق امری بود. هدفشان ایجاد جامعه ای اخروی و روابطی بهشتی بود. آفریدن الگویی

برای همه مسلمانها در طول تاریخ تا ظلم و ستم را باسخی مردانه گویند، بایستند و جنگند و شهادتشان رهگشای مستضعفین بشود. امام خمینی در بیاناتی که در دیدار با نمایندگان مجلس در شب عید ۱۳۶۰ ایراد می کردند گفته اند که: یا ایها النفس المطمئنه ۳۰۰۰ (۳) روایتی است که خطاب به حضرت سید الشهدا (ع) است که آن وقت است که به شما میگویند "فا دخلی فی عبادی، نه فی عباد اللعنه"

امروز در جامعه ما انسانهایی هستند که هدف و قصدشان تحقق روابط بهشتی و زندگی اخروی در همین دنیا است یعنی می خواهند که سرانجام زمان (ع) بشوند و به جنت لقاء برسند.

عبادت های دیگر فی عبادی يك عنایت خصوصی است، مال خود را این بشر مال خودش است و وقتی اینطور شد جنتش هم فرق دارد با جنت های دیگر. . . . جنت لقاء امام خمینی در دیداری با پاسدارانی که در درجه های نبرد بودند گفتند که: امیدوارم جنت شما جنت لقاء باشد یعنی فقط شوق بهشت و عشق شهادت و تریس از عذاب مارا به جبهه نکشاند بلکه قصد و هدفمان تحقق امر خدا و جلب رضایت او باشد. و در جای دیگر امام گفته اند که: بندگان خاص خدا در بهشت هم دنبال نعمات نبی رونسند و

دنبال خدا میگردند. "باز بقول خواجه عبد الله انصاری: "گل بهشت در چشم دشمنان خار است. چونند ترابا بهشت چهار است" (صفحه ۱۳ مناجاتنامه) امروز در جامعه ما انسانهایی هستند که هدف و قصدشان تحقق روابط بهشتی و زندگی اخروی در همین دنیا است یعنی می خواهند که سرانجام زمان بشوند و به جنت لقاء برسند. نمونه های ایثارهایی که در جبهه ها مشاهده میشود، دلیل روشنی است بر این مدعا. خواجه عبد الله انصاری میگوید: "الهی اگر عبد الله را بخواهی سوخت دوزخ دیگری باید آیش او را و اگر بخواهی نواخت بهشت دیگری باید آسایش او را" (صفحه ۱۳ مناجاتنامه) این کلام صدق حال انسانهایی بسیار در جامعه امروز ماست. قرآن کریم می فرماید: وعد الله المؤمنین و المؤمنات جنتا تجری من تحها الانهار خالدین فیها و ساکن طیبه فی جنت عدن و رضوان من الله اکبر ذلک هو الفوز العظيم (آیه ۷۳ سوره توبه ۹) (خداوند بمرادان و زنان مومن وعد داد باضایی را که زبآن جوهاروان است که جاودان باشند در آن و ساکن های پاکیزه در باغستانهای جاودان و خوشنودی و رضایت خدا برتر است و آن گامیابی عظیمی است.) پاورقی ها: (۱) - سوره صف آیات ۱ و ۱۱ و ۱۲ - سوره توبه آیات ۲۰ و ۲۱ (۲) - حکمت ۲۳۷ صفحه ۵۱۰ نهج البلاغه صبحی صالح چاپ بیروت. (۳) - سوره فجر آیات ۲۷ تا ۳۰.

سالگرد مقاومت تل زعتر را گرامی میداریم.

# از تل زعتر تا بیروت

بنام خدای شهیدان  
در سال ۱۳۵۵، همزمان با ورود ارتش سوریه به لبنان، فالانژها و مارونی‌ها به همکاری ارتش لبنان و رزمندگان فلسطینی راکه ۲۵ روز در تل زعتر مقاومت کردند، محاصره کرده و تحت اشغال خود درآوردند. حماسه تل زعتر همیشه بعنوان الگویی حرکت زاد رطول مبارزه فلسطینیان بود که یاد آن همه تیروها را جهت آزادسازی هرچه زودتر سرزمین شان بسیج می نمود است. باید آری که این رزمندگان در تل زعتر از خود نشان دادند و زانند همه انقلابیون دنیا و توده‌های مظلوم و زجرکشیده است.

در سهایی از مقاومت تل زعتر در طول مقاومت تل زعتر جمله‌ای بود یوار آنجا نوشته شد بود که مضمون آن چنین است:

اگر تمام فلسطینیان هم فدا شدند و فقط یک زن باردار فلسطینی باقی بماند طفل نوزادش فلسطین را آزاد خواهد کرد.

عربی از ثمرات همین مقاومتها و افشاگرهاست.  
"بیروت، تل زعتر جدید"  
حال چندی است که بیروت اسرائیل باز قتل و غارت خود را به مواضع فلسطینیان افزایش داده و آنها را تحت حملات شدید خود قرار داده است. صهیونیسم اشغالگریا توجه به ویژگی جهانخواهیش قصد دارد که بیروت را نیز به سرزمینهای اشغالی

۱ - اسرائیل به طولانی ترین نبرد دعوت شده که در این نبرد طولانی بازنده است.  
۲ - ویژگی اسرائیل همیشه جنگهای ضربتی باتکیه به ابزارهای پیچیده بود که کثرت تلفات پدید می آورد و این بار نیز درام افتاد و در این تجا و ز وحشیانه، اسرائیل بیشترین تلفات را داشته است.  
۳ - خون شهدای لبنان



خود اضافه کرده و از بیروت تل زعتر جدیدی بسازد. کما اینکه آب و برق و غذا را به سوی شهروندان بیروت بسته می خواهد همه فلسطینی ها و رهبران آنها و رزمندگان اسلام را تصفیه فیزیکی کند. در تمام طرحها - بی نیز که از طرف امپریالیستها برای حل مسئله فلسطین داده شده است (طرح ۴) مادهای فیلیپ حبیب، طرح شورای امنیت و ۱۰۰۰) به خلق سلاح فلسطینیان و بیرون کردن آنها از سرزمین لبنان تاکید داشته اند و می بینیم که هر روز نیز حلقه محاصره بیروت را تنگ تر میکنند.

"در سهایی از مقاومت لبنان و فلسطین"

فلسطین و مقاومت آنها باعث موجب شد که این مقاومت بدرون اسرائیل کشید شده و به تظاهرات چند صد هزار نفری علیه جنگ و همچنین اعتصاب سربازان اسرائیلی تبدیل گردد.  
۴ - هر لحظه مقاومت در لبنان و بیروت موجب میشود که ماهیت امریکایی - صهیونیستی طرح فهد آشکارتر گشته و آرمان فلسطین که آزادی قدس است در خشانتر گردد و توده های بیشتری حول این آرمان بسیج شوند و نهضت های رادیکالتری بوجود آیند. شهدای تل زعتر ماهیت ارتجاعی بعضی از سران کشورهای

اگر تمام فلسطینیان هم فدا شدند و فقط یک زن باردار فلسطینی باقی بماند طفل نوزادش فلسطین را آزاد خواهد کرد

نشان داد.  
۵ - مقاومت خونبار لبنان و فلسطین نشان داد که شوروی که موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناخته، در شرایط سخت و حساس به کمک فلسطین نمی شتابد و موجب می شود که رزمندگان فلسطینی به نیروهای اسلامی و بنیادگرای انقلاب ایران و منطقه تکیه بیشتری بنمایند.  
۶ - ما مطمئنیم که رزمندگان فلسطینی همچون گذشته در مقابل این توطئه ها ایستاده و با مقابله و کربلاگونه و طولانی خود دشمن را شکست میدهند. آنها با ایثارهای حسین گونه خود به ملت های سرب می آورند که برای آزادی فلسطین باید با آندسته از حکومت های ارتجاعی که سد راه آزادی قدس هستند مبارزه کنند.  
۷ - رزمندگان فلسطینی با

مقاومت هرچه بیشتر خود به سازمان مقاومت فلسطین می آموزند که تکیه به دولت های مرتجع که اسرائیل را به رسمیت شناخته اند، نمی تواند آنها را در جهت تحقق آرمانهایشان یاری نماید و به آنها می آموزد که سران مرتجع منطقه نتوانند بر سر ملت مظلوم و بی دفاع فلسطین ولینان نیستند بلکه بطور غیر مستقیم کشتار آنها را نیز تایید می کنند. پس تنها راه آزادی فلسطین تکیه به قدرت لایزال الله و نیروی توده های مردم و بسیج مستمر این مردم در طی قیامها و مبارزات مسلحانه می باشد، نه از راه تکیه به سران مرتجع عرب که این خود پایمال شدن خون همه شهیدان این سرزمین مقدس است.

"اذا الشعب يوما أراد الحياة... ولا بد أن يستجيب القدر..."  
"هنگامیکه ملتی سازمان یافته را ده کند تا حیات جدید با شرف داشته باشد، سرنوشتش شوی را که امپریالیسم صهیونیسم بر علیه آن گرفته است دگرگون میکند."  
"والسلام"

## \* بیروت کربلاست

همان مشهد است، بیروت کربلاست  
هر جا که روکتی، بانگ مسلسل است  
با این همه شهید، سازش نمی کنیم  
فردای فتح را فریاد می کنیم  
آه ای خدای من  
آه ای خدای من  
کی میرسد خمینی روح دلاوران؟  
کی می رسند مردم ایران؟  
تاد در رکاب او  
قدس عزیز را آزاد ما کنیم  
قدس عزیز را آزاد ما کنیم

همان مشهد است، بیروت کربلاست  
هر جا که روکتی، بانگ مسلسل است  
با این همه شهید سازش نمی کنیم  
فردای فتح را فریاد می کنیم  
جان برادران  
جان برادران  
ما آمدیم زایران  
درنگ، صبر  
از سنگر شهادت مورد اتکی خوش  
چندی دگر حفاظت جانان به  
تاماز راه کرب و بلا موج گون رسم  
تاماز راه کرب و بلا موج گون رسم  
همان مشهد است، بیروت کربلاست  
هر جا که روکتی بانگ مسلسل است  
با این همه شهید، سازش نمی کنیم  
فردای فتح را فریاد می کنیم  
آزادی چریک، دلشادی چریک  
آزادی چریک، دلشادی چریک  
پرویز مردی عاقبت

آزادی چریک، دلشادی چریک  
آزادی چریک، دلشادی چریک  
آزادی چریک، دلشادی چریک  
همان مشهد است، بیروت کربلاست  
هر جا که روکتی، بانگ مسلسل است  
با این همه شهید سازش نمی کنیم  
فردای فتح را فریاد می کنیم  
با جویهای خون،  
بارود های خون،  
با جویهای خون،  
با خون و خون و خون  
آزادی کنیم  
آزادی کنیم  
همان مشهد است، بیروت کربلاست  
هر جا که روکتی، بانگ مسلسل است  
با این همه شهید، سازش نمی کنیم  
فردای فتح را فریاد می کنیم  
تا بازگشت مان  
وطن بجان  
هر لحظه، هر زمان  
هر نقطه، هر مکان  
یک جنگ، یک گریز، ۰۰۰ آغاز می کنیم  
یک جنگ، یک گریز، ۰۰۰ آغاز می کنیم  
همان مشهد است، بیروت کربلاست  
هر جا که روکتی، بانگ مسلسل است  
با این همه شهید سازش نمی کنیم  
فردای فتح را فریاد می کنیم

"رفضان ۶۱ - اصفهان"

تل زعتر نشان داد که وقتی ارتجاع مسلحانه ملت آواره ای را محاصره و سرکوب میکند نباید به راه حلهای سیاسی اصالت داد

بیام امام خمینی بنامسبت روز قدس:

بقیه از صفحه ۷

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله وانا اليه راجعون

در سالروز قدس سال ۱۳۶۱ غم انگیزترین و دردناکترین روزها را میگذرانیم و اسفناک ترین مصیبت بارتین ایام را پشت سر میگذاریم. نه فقط غم و درد برای شهدای بی پناه و بیگناه لبنان مظلوم و نه فقط اسف و مصیبت از جمله دامنه دار اسرائیل جانی پایبند های خوشبختی و آتش زای بی سبب ساکنین عرب و مسلمان بیروت که موجب شهادت و آسیب هزاران بیرو جوان و زن و مرد و کودک بیگناه بی پناه شده است و نه برای نقشه های شوم آمریکای ابر جنایتکار برای هدم اساس اسلام در ایران و سایر کشورهای منطقه برای ککهای مادی و معنوی مصر و اردن و دیگر همقطاران بعد و جنایتکار انصار گسخته، بگین و صد ام که اینان خوی درندگی و جنایتکاری دارند و زندگی و حیات مادی آنان بستگی به تجاوز به حقوق ملتها و مستضعفان جهان دارد و تحت ستم قرار دادن و سرکوبی ملت های مظلوم از افتخارات آنان است و نه برای بیرحمانه صدم افکنی و حزب بعث عراق به کشور اسلامی ایران و کشتار هزاران کودک و پسر زن و بیرو مرد و پسرانه بدل کردن شهرهای آباد و سرسبز عرب نشین و فارس نشین ایران که این حزب مشرک نمی تواند اسلام را تحمل کند و برزله آن براندازی اسلام و هواداران آن است.

مصیبت و تاسف و غم و درد برای اهتلا مسلمانان به این حکومت های خود فروخته و دل بسته به ابوقدرت امریکا و چشم بسته به فرمان دشمنان اسلام و مسلمانان است.

اینان برای مخالفت با جمهوری اسلامی و ککهای نظامی و تالیفات مادی و معنوی به صدام که اسلام را دشمن خود میدانند و رهایی می تراشیدند و مسئله فارس و عرب را بر خلائق دستورات اسلام و قرآن مجید پیش می آوردند و در وقت های تبلیغاتی و مطبوعات در خدمت ابرقدرت های پشیمانی اسرائیل از ایران را با دسوخ شاخدار بها نه میکردند.

امروز که اسرائیل بیک کشور مسلمان عربی حمله نمود و مسلمانان را به خاک و خون می کشد چه عذری در خفقان مرگبار خود دارند؟ چه عذری در پیش خدای قهار و ملت های اسلامی در رکع با اسرائیل و ارباب جنایتکارش دارند؟ چه عذری در تعقیب پیش نهاد ذلت بار کربد پدید و طرح فهد دارند؟ چه عذری در سازش با این جانان بالذات و خون خواران حرفه ای دارند؟ آیا امریکا با امریکای سابق که مارا به دسوخ متهم به سازش با آن میکردند فرق کرده است و با اسرائیل با اسرائیلی که به بهانه دوزخین دادن اسلحه به جمهوری اسلامی به کمک صدام شتافتند و به دشمنی با ما برای نجات حزب بعث هفتلی یقه پاره میگردند تقصیرت کرده است؟

بارالها! مسلمانان منطقه گرفتار یک چنین حکم فرمایانی هستند، چنانچه مولای ایشان علی ابن ابیطالب گرفتار منافقانی ظاهر الصلاح بود و به دست آنان در مثل این ایام به لقا تو شتافت و از گرفتار به نجات پیدا کرد.

بارالها! امروز اسلام گرفتار منافقانی جنایتکار است! از نهروانی ها که با نام اسلام آن را میگویند و با دشمنان اسلام به اسم اسلام و در حقیقت برای چاول اموال ملت های مظلوم و محروم و در بند کشیدن آزادگان ملت ها سازش می کنند.

خدایا! این دولت مردان نادان بار ذلت اسرائیل را به دوش میکنند که چند روزی بر ملت های مسلمان حکومت کنند. خدایا! این حکومت های نادان با داشتن همسایگان امکانات برای پیروزی بر ابرقدرت های آمریکا و اسرائیل صحنه میگذارد و برای تحکیم پایه های کفر و شب و روز خود رانی فهمند.

بارالها! این خلق مسلمان و مظلوم را از چنگال آنان نجات ده، اما اکنون چه باید کرد؟ آیا راهی میماند و فریاد ها و بی قراری ها از دست دشمنان اسلام و مستضعفان جهان کافی است یا آن که این وسیله است نه هدف؟ گرچه دولت های منطقه و مال استعمارگران و ستم پیشگان همین فریاد ها را در حلقه ستم زدگان و محرومان خفه میکنند. اهم آنان که از

هم اکنون از فریاد مظلومانی که در هر سال یک مرتبه در حصول کعبه آمل خود میگویند و ناله و فغان میکنند و در جمعی که اساسش بر امور سیاسی بنیان گذاشته شده به مخالفت بر میخیزند خروش و پر خاش مسلمانان برای رهایی قدس به هر وسیله - ای که باشد خفه خواهند کرد.

اسلام عزیز و پیامبر عظیم الشان و شهید حراش کدر شب مبارک قدر برای محرومین به خاک و خون کشیده شد، این شکوه را به کجا سرد هستند که سلطه گران در بلاد اسلامی میگویند در روز بکشید و ناله نکند، در زیر شکنجه های امریکا، اسرائیل پلید و مگر قدرتمند ان خرد شوید و دم بر نیارید.

درد هاز یاد است، لکن چاره چیست؟ ملت ایران به پیروی از قرآن کریم و اسلام بزرگ راه چاره ای ریافت و رژیم امریکایی پهلوی را پس از فریاد ها و اعتراضها با مشت و دندان در مقابل تانکها و مسلسل ها از پای در آورد و صدام جنایتکار و حزب مشرک او را با ایمان و قیام الله از پای در آورد و ضلالت بلند پرواز را که لاف سرداری قادیسیه میزد به در روزگی و ذلت کشاند و تمام توطئه ها را با هدایت الهی در نقطه خفه کرد و اکنون نیز از پای نمی نشیند تا آنچه از روز اول به عنوان غرامت و سرای نادید مجرم خواست جامه عمل پوشد و تصمیمات شورای امنیت سازمان های بی ارزش را جز ورق پاره های در خدمت و ستم کنندگان نمی داند.

آنان با همه عریذها و تبلیغات بی پایه سرتعظیم به پیش صهیونیست ها فرو آورده و برای تحکیم پایه های حکومت آنان و وابستگی نشان چون صدام در آستانه مرگ ننگین، به تشکیل جلسه و در قطعه نامه برداخته اند و گمان کرد ماند دولت متکی به خدا و ملت عظیم ایران بیدی است که از این باد ها بلرزد، ملتی که اکنون طعم شیرین شهادت را چشیده است و پیرو مولای خود امیرالمومنین و اولاد عظیم القدر او که شهادت را فوز عظیم میدانستند و در حراش شهادت و پیروان نبردند ای "فرت ورب الکعبه" را سر میدادند، از سازمانهای نوکر ابرقدرت های ترسیدند ملتی که ابرقدرت امریکا را از کشور بقیه ۱۰۰۰ روحنا لقدمه خدا با ذلت و خواری رانند و نفت و خنس سزائن خود را از حلقم آن بیرون کشید از طبل های تو خالی سازمان های ساخته آن نمی ترسد و این ملت و دولت پیرو آن همان گونه که کرارا "اهلم نمود ماند خواستها سی مشروع خود را از صدام و حزب هفتلی میگردند و برای احقاق حق مشروع خود به هراقدهای دست میزنند. بلسخ ما بلسخ.

و اما تکلیف ملت ها در آستان روز قدس و آستان سالروز

شهادت بزرگ انسان تاریخ و شهید است، در اجتماعات و راهپیمایی های خود از دلت های خویش بطور جسدی بخواهند که با قدرت نظامی و سلاح نفت در مقابل امریکا و اسرائیل به مقابله برخیزند و اگر گوش نکردند و اسرائیل جنایتکار را که تمام منطقه حتی حریمین شریفین را تهدید میکند و هم اکنون حق خواسته های او واضح شده است راتایید کردند با فشار و اختصا بات و تهدید آنان را مجبور به عمل کنند، در حالی که اسلام و اماکن مقدسه آن مورد تهدید به تجاوز قرار گرفته هیچ فرد مسلمانی نمی تواند در مقابل آن بی تفاوت باشد و آنچه در این موقع که اسرائیل تجاوز گسترده به بلاد مسلمین نموده و مسلمانان بیگناه و بی پناه را به خاک و خون کشیده است، دلت های منطقه انجام میدهند جز یک کلام بی محتوا و سازشکارانه نیست و مصیبت با ترانکه از دست اسرائیل به امریکا، جنایت کار اصلی پناه میبرند و در حقیقت از خوف ماره او هسا روی می آورند و با اشتیاق ابرار مقابل با آنان حاضر به یک کلمه خشن یا یک تهدید نیستند و با این وضع باید همه حاضر برای محو و نابودی شوند و در طول زندگی خود به هردلتی تن در دهند.

ایران همانگونه که اعلام کرد جز از راه عراق و برکناری حکومت حزب بعث نمی تواند اقدامی مؤثر کند و پس از حصول خواسته های مشروع خود و اوطلب است که خیلی بیشتر از حال در کنار سایر مسلمانان و به ویژه ملت ها و دلت های عربی در نبرد با اسرائیل تشریک مساعی نماید و عنوان یکی از قدرتهای بزرگ مسلمان منطقه با قدرت های دیگر منطقه بسیار گویند متراژ این زمان در نبرد با اسرائیل همکاری کند

و اگر خدای نخواست و اوضاع و احوال کشورهای اسلامی و عربی و حکومت های منطقه به همین منوال باشد که نه تنها اسرائیل سازش و تسلیم و تایید از دشمن اصلی و وابستگان به اوست که ککهای مادی و معنوی به آنان می کنند، ایران مجاهد در پیشگاه مقدس خدایوند عذر ندارد و از ملت های اسلامی منهای دولت ها استمداد میکند که اگر آنان اجابت کردند دست به اقدام مؤثرتر و جدی تر خواهد زد. من به سران فلسطین نصیحت میکنم که دست از رفت و آمد های خود شان برداشته و با انکاء به خدایوند متعال و مردم فلسطین و اسلحه خویش متحد مرگ با اسرائیل بستیزند، چرا که این رفت و آمد ها موجب میشود که ملت های مبارز از شهادت سرد شوند. شما اطمینان داشته باشید که نه شرق بدرد شما میخورد و نه غرب. با ایمان بسرخدا و تکیه بر سلاح با اسرائیل بجنگید و هم چون ملت و نیروهای مسلح ایران که بی انکاء به قدرتها و ابرقدرت ها و با ایمان به خدای تعالی و قدرت لایزال او تاحصول خواسته های مشروع خویش دست از اسلحه برنیدارید. خدایا! و از این سستی هلاوی تفاوتی ها و جاه طلبی ها خود باختگی ها در سراسر جهان به تهناه میبند. خدایا! برای نصرت اسلام و مسلمین جهان و مستضعفان در نبرد مستکبران و برای نصرت نیروهای جمهوری اسلامی بر نبرد خورندگان بعثی صدامی از درگاه مقدس استمداد می طلبم. والسلام علی من التبع الهدی.

روح الله الموسوی الخیسی

بقیه از صفحه ۱۰  
انسان عاشق...

بینهایت طلبند و خدایا! بد باشد. گرچه این استدلال نارسایی داشت ولی استدلال محکی بود. بعد میبینیم که رادامه این سیر به علت نیاز از انسجام طلبی و وحدت طلبی نارسایی سازمان کشف میشود و بچه ها نیازشان به این سؤال زیاد میشود که رابطه خدا و دیدید ها چیست؟ گانالی که خدا ابه بدید و هم میزند چیست؟ گویند به اینکه رابطه خدا با آیات قرآن چیست؟ و چگونه این آیات از خد انشات میگیرد. اگر مبنای فلسفه خداست خوب این آیه چطور از خد انشات میگیرد. نیاز جمع دره آن موقع پاسخ به این سؤال بود. با توجه به اینکه این کتاب چاپ شد مورد معرض افکار عمومی قرار گرفته بود.

جز از طرف امام و حجت الاسلام رفسنجانی انتقاد مشخصی دیگری بهمانند که انتقاد امام خمینی بدست رزندگان داخل کشور رسید. حوزه برای امور معنوی و آندسته از روحانیونی که یک حوزه برای امور مادی و یک حوزه برای امور معنوی قائل بودند نمیتوانستند به این نیاز پاسخ بدهند. آنها میگویند حوزه علمیه حوزه اقتصاد، حوزه آزمایشگاه با حوزه روحی و قرآن و کلیات فرق میکند و مجاهدین میگویند ما میخواهیم خدا و قرآن در اقتصاد ما را در علمان و در خط مشی ما راهنمای عمل باشد و اسلام راهنمای عمل میخواستند و ضربه ۵۴ ناشی از عدم پاسخ کامل به این نیاز بود و بچه های مذهبی سازمان نتوانستند انسجام لازم را کسب کنند.

لازم است بگویم که شهید رجایی بهنگام آزادی از زندان در رابطه با ایدئولوژی جمع گفتند که حقیقتاً هم در آخر کار قبیل از نسیگیری به فطرت رسید بود و توصیه کرد نبود که بایستی کارشونه

سخن امام رهنمود مستضعفین  
بیانیم این سخن امام رارهنمود خود مان قرار دهیم که گفتند فیلسوفان، جامعه شناسان چله نشینان ۱۰۰۰ از تحلیل ایشاها و شهادت ها عاجزند. بیانیم انسان عاشق راتیبین کیم و بد نبال منطق فطرت برویم تا خود مان رشد کنیم و دین خدا را در یک قالب و ازینک خاص نبینیم.



### تسلیم یا تحلیلی

بقیه از صفحه ۴  
تعقل کرده، البته "تعقل و تحلیل" با هم تفاوت بنیادی دارند. "تعقل" در طول تسلیم به خدا و قرآن و امام، معنی میدهد.

امام معصوم کسی است که "تحقق" کامل آیات قرآن باشد و آیات قرآن را موه میباید نماید. رهبری کسی بیشترین تحقق کامل آیات قرآن باشد. و نایب برحق امام زمان (عج) است. بطور خلاصه بایستی لحظه به لحظه خدا را در قرآن و لحظه به لحظه قرآن را در امام ببینیم. این بسیار مهم است که منطق شهدای انقلاب همین "شعار" "پر شعور" "خدا، قرآن و خمینی" بوده و هست. "راسمجاهد" راه، "خدا، قرآن و خمینی" است.

بعبارت دیگر بایستی حاکمیت خدا را در آیات قرآن و حاکمیت قرآن را بر امام، بطور "مستمر" ببینیم که این همان حکومت خدا بر مردم است. این همان حکومت قانون (قرآن) بر مردم است. که در کتاب ولایت فقیه نیز آمده است.

اسلام مکتب تحقیق  
اسلام مکتبی است. صد در صد تحقیق ما الگوهای از این تحقیقها را داشته ایم. نظیر انبیا، اولیا و ائمه اطهار (ع)، علی (ع) گفتند که من قرآن ناظمم.

در این مکتب هیچگونه ایده آلیسم سیستماتیک و انحراف اصولی راه ندارد. در این نظام، انسان به یقین در خط مشی میرسد و قادر است بدون تردید، توده ها را بسیج کند و با دشمن درگیر شود و از تعداد شهدا و امارک خوردن هم وحشی نکند، چرا که تحقق امر خدا بدست ماست. بعنوان مثال اگر به مکاتب دیگر نگاه کنیم، می بینیم که آنها از تجربه و تکرار تجربه شروع می کنند تا به تئوری می رسند و آنوقت تئوری را به محک عمل می زنند و تا ببینند آیا درست در می آید یا نه، اگر اشتباهی داشتند بعد از عمل تصحیح می کنند و ولسی از چنین روشهایی به آدم ایمان استراتژیک نمی دهد، چرا که در این مکاتب تئوری همیشه در حال تغییر است.

"تئوری" یا "تحقق" همان تئوری را دارد که "تحلیل" یا "تعقل" دارد. "تعقل" متکی به وجود شناسی است، عقل به حسب فطرت است و بسا مبنای فطرت است که می توانیم "تعقل" کنیم. منظور از فطرت در اینجا فطرت خدا است. تا تسلیم محض خدا نشویم، نمی توانیم "تعقل" کنیم زیرا که اساس "تعقل"، خدا و صفات است. اساس "تعقل" منطق وجود که همان رابطه خدا و دید ما باشد است.

هر رهبری که آیات را بیشتر "تحقق" بدد، بیشتر در تشکیلات امام زمان (عج) است و رابطه اش با امام زمان

(عج) بیشتر است. در نظام تسلیمی، توده ها به اصول یقین دارند و توده ها اصول و فطرت دارند و صاحب تشخیص هستند. بعنوان مثال امام خمینی به توده ها گفتند، حتی اگر رئیس جمهور رفاه طلب یا مقام طلب شد، جلوی او بایستید. در اینجا امام فطرتها را یقین کرد و نه آنکه به توده ها فطرت یا اصول ببخشد.

اگر به اصول یقین داشته باشیم، چنانچه در تائید ضربه بخوریم

"عباد الرحمن" کسانی هستند که هنگامیکه آیات پروردگار برایشان خوانده میشود، کورو کر بر خور می کنند. (۲) ولی فقیه نیز از این آدمهایی که کورکورانه اطاعت میکنند خوشش نمی آید. زیرا برایش رشدی ندارد. ریشه اطاعت کورکورانه آنست که فرد تسلیم خدا نیست، گمانیکه اطاعت کورکورانه می کنند می خواهند خیالشان تخت باشد.

خیال تختی

**در نظام تسلیمی - تحقق "یا تسلیمی - تعقلی":**  
۱- یک نظام فطری است، و از تسلیم به خدا شروع می شود که عین آزادی واقعی است.  
۲- رهبر کسی است که به هدایت الهی نیازمند تر است.  
۳- توده ها می توانند به رهبران علی رغم طول و عرض معلوما نشان انتقاد کنند.

بلافاصله بکمک اصول جمع بندی کرده، کسانون ضربه را تشخیص داد و واگشتبیا همان را اصلاح می کنیم و ایمانمان را نیز نه تنها از دست نمی دهیم بلکه ایمانمان فزونیتر نیز میشود. در این سیستم معرفتی هر ضربه ای هر چند شدید یک "تازیه" است و تخت بخوابیم و کاری به کار رانند. ایمانمان را رشد می دهد و یقینمان را زیاد تر میکند.

### سازماندهی و مکتب

بقیه از صفحه ۳  
خدا جو هستند و نیاز به صفات الهی دارند و با ذکر این صفات می توان ایجاد اشتیاق کرد منتهی باید در همین ایجاد اشتیاق به مرتبه فرد هم توجه کرد. مثلا "قبل از جنگ، در ارتش تفکرات غریب و خود کم بینی نسبت به اسلحه غریب نفوذ داشت. از آنجاکه برای ارتش هادرت مطرح است ایجاد اشتیاق در ارتش بدین صورت بود که بایست برای آنها صفت قدرت خدا را مطرح کرد. چنانکه وقتی ارتشی های آمدند در رجب و میزبانان شهادت و عاشق به خدای بچه های سپاهی و بسیجی و میزبان بسیج الهی مردم را در مقابل با تمام قوای امپریالیسم می دیدند. کم کم خود کم بینی آنها نسبت به ابرقدرتها و ارتشهای کلاسیک کم شده. قدرت خدا و قدرت اسلام و قدرت امام را به چشم دیدند و این باعث شد آنها هم حرکت کنند که نتیجه آن را در شرکت فعال بسراوردان رزمندگانه ارتش در عملیات فتح المبینی و بیت المقدس دیدیم.

اگر فردی عالم است، با صفت علم خدا با او برخورد کنیم. با این توجه که علم خدا عین ذات خدا است. باید دید هر کس از لحاظ درونی چقدر می آید و از همان راه را و ایجاد اشتیاق به سمت الله کرد.

ایجاد شوق و بسیج حرکت دادن جامعه و بسیج توده ها امری است آید و تلوونیک چرا که مکانیزم آن ایجاد اشتیاق و ذکر

متخصص و دیگر اشتباه نمی کند. در حالیکه اساس رابطه است و امامت بر هوشیاری است و نه هوشی خیال تختی راننده هاتوبوس هر چند خبره باشد ممکن است او را خواب فرسا بگیرد و غیر آگاهانه اشتباهی نماید و مسافرین باید هوشیار باشند و راننده را در حالت هوشیاری نگاه دارند.

### رمز بسیج

عقل آنکه امام خمینی می توانند مردم را بسیج کنند، آن است که امام در نظام تسلیمی - تعقلی "جسای دارند. امام بدین دلیل توان بسیج توده را دارند که توده ها را فطرتا "خدا - جو" می دانند. وظیفه امام این است که این فطرت را بیدار کند تا استعداد فطری ما جوشیده و عمل کند.

در این نظام رهبر کسی است که هدایت الهی نیازمند تر است. در این نظام توده ها می توانند به رهبران علیه طول و عرض معلوما نشان انتقاد کنند.

در این نظام تا تسلیم خدا نشویم نمی توانیم صفات خدا را درک کنیم و تسلیم خدا نشویم، قرآن را نمی توانیم درک کنیم و تا تسلیم خدا نشویم، استدلال نمی توانیم بکنیم. استدلال

صفات پروردگار توده ها است. مثلا امام خمینی در بسیج "مرگ بر شاه" از راه ذکر عدل الهی و انگیزه عدالتخواهی و ضد ظلمی، در توده ها ایجاد اشتیاق نمود و آنها را حرکت دادند. بسیج یکی از دستاوردهای تشکیلات مکتبی است چرا که نفوس توده ها را

در رجبهای جنگ دیده شد که یک شعار اصیل و مکتبی و بایک سرود و نوحه انقلابی چقدر در بسیج و سازماندهی رزمندگان موثر است. نظیر شعار آزادی قدس از طریق کردل و بانوحه های انقلابی که موجب بیداری فطرتها میگردد.

بیدار کرد و آنها را در اطلالیانسه وارد تشکیلات مکتبی کند و از آنجاکه انگیزه بسیج شوق الی الله است تشکیلات به سمت مکتبی شدن و الهی شدن پیش خواهد رفت. این شیوه در درون تشکیلات وجه جامعه سطح وسیعی بایستی تحقق پیدا کند.

### بقیه از صفحه ۲۲

ابراهیم...  
است و بخاطر ایمان به پروردگارش احساس امنیت می کند. هر چه یقین ابراهیم (ع) افزایش می یابد و ایمانش خالص تر می گردد، بیشتر بر علیه تصاویر ذهنی قومی شور و در این حرکت مستمر با تصاویر خود از ذات حق تعالی یافتگان است دست می یابند.

و واقعیت مستقل از ذهن، ابتدا بسا خود مبارزه می کند و به تبع این کشمکش درونی، به مبارزه بر علیه شرک و ذنیت قومی نیز بر می خیزد. او در عین حال که در دو میدان درون و برون درگیر مبارزه

یعنی، طلب دلیل، یعنی طلب نور و هدایت. منبع و مبدأ نور و هدایت و اخلاق، خدا و صفات خدا است. در منطق وجود یا منطق فطرت، مبنای استدلال، مبنای اخلاق، مبنای عرفان، خدا و صفات خدا هستند. در این منطق انسان فطرتا "خدا جو" می باشد، عرفان استدلالی و عرفان در صحنه در این نظام معرفتی است که معنی پیدا می کند.

والسلام  
(۱) خط مشی جدا از سیاست  
(۲) - رجوع شود به شرح دعای "اللهم عرفنی نفسك فانك ان لم تعرفنی نفسك لم اعرف رسولك، اللهم عرفنی رسولك، لم اعرف حجبتك... (نمایش

در زمان غیبت ابوعمر و نائب اول امام دوازدهم در غیبت صغری به ابوعلی محمد بن همام) ترجمه: پروردگارا وجودت را بمن بشناسان که اگر نشناساتی، فرستاده ها را نخواهم شناخت و اگر پیامبر را نشناسم، حجت تو را در زمین نخواهم شناخت... (۲) - والذین اذا ذکروا بآیات ربهم کم یجذو علیها صامتا و عیانا... (فرقان - آیه ۲۳)

در رجبهای جنگ دیده شد که یک شعار اصیل و مکتبی و بایک سرود و نوحه انقلابی چقدر در بسیج و سازماندهی رزمندگان موثر است. نظیر شعار آزادی قدس از طریق کردل و بانوحه های انقلابی که موجب بیداری فطرتها میگردد.

**از دیدگاه اسلامی، همه انسانها خدا جو هستند و نیاز به صفات الهی دارند و با ذکر این صفات میتوان ایجاد اشتیاق کرد. منتهی باید در حین ایجاد اشتیاق به مرتبه فرد هم توجه کرد.**

توضیح: در همین شماره راسمجاهد مقاله ای تحت عنوان سازماندهی مکتب ضمیمه بعلمت ضرورت و نیاز انقلاب چاپ میشود. در شماره های آینده این بحث ادامه خواهد داشت.

است و بخاطر ایمان به پروردگارش احساس امنیت می کند. هر چه یقین ابراهیم (ع) افزایش می یابد و ایمانش خالص تر می گردد، بیشتر بر علیه تصاویر ذهنی قومی شور و در این حرکت مستمر با تصاویر خود از ذات حق تعالی یافتگان است دست می یابند.

و واقعیت مستقل از ذهن، ابتدا بسا خود مبارزه می کند و به تبع این کشمکش درونی، به مبارزه بر علیه شرک و ذنیت قومی نیز بر می خیزد. او در عین حال که در دو میدان درون و برون درگیر مبارزه

والسلام

از ۳ تیر تا ۲۸ مرداد ...  
بقیه از صفحه ۲۱

و جانبازهایش را یک کانون فساد و ناپاک و مرکز حشاش  
پاتش هوسبازی و سوکری لندن اندازد و یک خط تنگ بدنامی  
ابدی روی افتخارات میلمیونها مردی که دیگر حاضر نیستند  
تحت نفوذ و اراده خدایان کپانی سابق باقی بمانند  
بکشد . من همیشه گفتم که حق این بود پیش از بستن کسول  
گریه در شهرستانها و سفارت نخیمه در تهران آن مرکز  
تنگ و رسوایی که انگلستان را خالق خود میداند ساختند  
پرداخته شده "آیرنید" - کلنل انگلیسی "سو" هاوارد معروف  
است گویند و شود و در این خسانه مجری اراد اجنبی ها  
را گل بگیرند .  
عده ای که مستقیماً از آن خون یخما بهره مند میشدند و  
گروهی که نفع خود را در بقای سیاست انگلیس در ایران  
میدانستند هم تبلیغاتش ظاهر فریب را نظور با مصاب  
بهرسانیدند که اگر دست به ترکیب این هیولای شهوت بخورد  
تمام تاریخ و ما از هم گسیخته میشود . خوب شد که تفلس  
و نهایت بغداد ایران و حوصله بی حساب و صبر و برد باری و توانست  
د کت و صدق بلا خسران این پرده پسندار ریاکار کرد  
و مردم دوست و دشمن نمیدانند که این "آقازاده" خلف  
الصدق همان پدریست که بیست سال ایران را غارت کرد . نصف

### شهید فاطمی:

ملت ایران تشنه انتقام است ، و میخواهد تورا  
که به هیچ چیز اوبقا نکردی ، در روی میز مهمین  
دادگاه و آنگاه بر چوبه دار ببیند .

ملکت را بصورت املاک اختصاصی در آورد و مریض زمین خواری او  
شهره \* د نیا شد و هایدات سالیانه اوسیده هایلیسون  
گذشت سرانجام در روزی که باید از منافع کشورش دفاع کند  
مردم بی پناه راه تنگ و تنگ و تنگ و تنگ و دشمن قوی  
بلا تکلیف سپرد و خود با کامیونهای جواهرات راه فرار را در پیش  
گرفت این تفلوت که از کودتای انجمن شده پدر رسوم  
شهر پرور بیست سال گذشته بود و سرری که ورث آن کودتای تنگین  
بود برای تحکیم پایه های لوزان و سست سلطنت جنایت آمیز  
خوش به نهضت ملی وطن که با خون فرزندان می تیر آیساری  
شده بود شیخون ناجوانمردانه زدولی چون نقش ابلهانه او  
نگرفت بعد از یک ساعت بر هواپیما نشست و در کنار سفارت  
انگلیس بغداد فرود آمد .  
بروای خائن که تورا آنقدر ا جانب نهیست و حقیر شناخته  
اند که دیگر برای این جنایت هولناک که ورق آخر و پیرگ  
نهایی دوازده سال سلطنت تست و با شماره و دستور مستقیم آنان

### علامه نائینی و ...

بقیه از صفحه ۱۱  
۱- آزادی از عبودیت غیر خدا .  
در پنج فصل بعدی کتاب ، مولفه  
و ادب بحث فقهی و استدلالی  
در اثبات مشروعیت مشروطه میشود  
در اختتام ، محورهای به عنوان  
ریشه ها ، زمینه ها و قوه نگهد ارواشر  
باید از استبداد بیان میکند .  
۲- شعبه استبداد دینی و  
توجیه شرعی استبداد .  
۳- نفوذ دادن شاه پرستی  
۴- اختلافات دینی ، سیاسی  
و طبقاتی در میان مردم (تشدید  
تضاد های فرعی )  
۵- قوه قهره ایجاد وحشت  
و زجر ( فشار سیستماتیک و جو  
تورس و شکنجه و آزار )  
۶- استبداد طبقاتی  
( دیکتاتوری طبقه )  
۷- تمرکز اموال و نیروی انتظامی  
و نظای در دست مستبدین .  
راه حلهایی که کتاب برای دفع  
و قلع شجره ملعونه استبداد پیشنهاد  
میکند بدین قرار است :

**مساوات : یعنی تساوی وعدم تعویض همه مردم در برابر قانون و مشارکت همه مردم در حقوق .**  
**حریت : یعنی آزادی از اراده فرد ، آزادی از قید استبداد ، آزادی از عبودیت غیر خدا .**

جمع بندی  
کتاب " تنبیه الامة و تنزیه الملکه"  
در آرای و تزکیه های آموزنده ای است که  
در کمتر کتابی در دسترس دیده  
میشود .  
۱- برخورد فعال با مسئله  
سیاست و مبارزه و تبیین شیوه دینی  
مبارزه با طاقت و استبداد که همان اسل  
را نمای عمل یا اسلام فقهی است .  
۲- اصلی فرعی کردن دشمن  
مرحوم نائینی در چارچوبی برای تحقق  
حکومت اسلام میگوید با حل مسئله شکلها  
منوط به فتح شجره خبیثه شاه پرستی  
است و پسندون کردن این  
پیشنایک شاه پرستی رشد علمی و  
اخلاقی جامعه امکان ندارد .

۳- مرحله ای بودن مبارزه و تدوین  
استراتژی مرحله ای برای رسیدن به  
جامعه امام زمان (عج) و حکومت  
معصوم (ع) مرحوم نائینی در خصوص  
کندن ریشه ناپاک شاه پرستی می فرماید  
- ید : " بالجملة علاج این قسوه  
خبیثه ملکت ویران ساز رژیم سلطنتی )  
قبل از قلع اصل شجره ملعونه  
و باقی ماندن سلطنت تحقق حدیث  
" الملک یبقی مع الکفر و لا یبقی مع  
الظلم " دانسته و آنرا از مراحل برای  
دفع کفر و شرک یاتین به عبودیت  
سلطان دادن میدانند . در جای  
دیگر ایشان قانون اساسی مشروطه  
را چون رساله های عملیه دانسته و از  
احکام دین میدانند و نه اصل حکومتی  
امامت . و به این ترتیب مشروطیت را در  
کادر نظارت مجتهدین وعدم تخلف  
از شرع مقدس بطور تسناتیکی  
در جهت استراتژی نفی سلطنت  
ببندیزند . ایشان مشروطه سلطنتی را  
بعنوان یک تاکتیک در برابر استبداد  
سلطنتی میبندیزند .  
علیرغم این نقاط مثبت نارسایی های  
طبیعی هم در کتاب علامه به چشم  
میخورد . از جمله مزیندی نکردن کامل  
د مکراسی غریب باشیوه امامی و ولایتی  
برای توضیح بیشتر مقاله راه مجاهد  
که ام است . در شماره ۲ ، بررسی  
حکومت مردم بر مردم مراجعه شود .  
ما جوانان ایران را به خواندن  
و باروری کتاب مرحوم علامه نائینی  
دعوت میکنیم . امید وارم در فرصتهای  
دیگر جبهه های دیگران قلاب  
مشروطیت را معرفی نمائیم تا با سخنگوی  
رادیکالیسم شیعه و بنیاد گرای اسلامی  
نسل جوان ما باشد . در سالروز  
انقلاب مشروطیت یاد مرحوم نائینی و یاد  
شهید ای مجاهد مشروطیت را گرامی  
بشد اریسم .

صورت گرفت مزدی به تون خواهند پرداخت .  
اکنون از فارتجهای پدر و از دل راه و لیره های یخما شد  
خوش باید خرج کاباره های اروا راتامین گسی .  
ملت ایران تشنه انتقام است و خواهد تورا که به هیچ  
چیز اوبقا نکردی ، در روی میز مهمین دادگاه و آنگاه بر  
چوبه دار ببیند . تونیز چسبون از غضب و نفرت مردم خبر  
داشتی وهم میدانستی که چقدر بیشتر مانده فرمانبرد اروا است  
بی اراده اجنبی هستی پس از آنکه دستور " ارباب" در برابر  
بیداری و مقاومت عمومی نقش بر آب شد به بیرون از مرزهای  
ملکت فرار کردی .  
بروای اسپر اراده اجنبی که تاریخ جنایت آمیز دودمانی  
ساله پهلوی را تکمیل کردی آن سفای و خونریزی و چپاول  
پدر و خیلی از خصوصیات دیگر " خاندان جلیل" این فصل  
شم آور و این ورق سرایک ننگ آخر را نیز سوزانم داشت  
از مولو د کودتای " آیرنید" جز اینکه رسم شهر پرور فرار  
کند و از مخلوق سم شهر پرور نیز غیر از اینکه به نهضت  
ملی ایران خیانت نماید هیچ انتظار دیگر کسی نداشت .  
صدای تفرقه ماهزار مردم تهران که در یوز در چهارستان  
بر ضد کودتای خائنه فرزند قرداد ۱۹۳۳ بلند شود  
فریوادی که از شنیدن خبر فرار او از جمعیت برخاست  
نشان داد که ملت ایران در راه به ثمر رسانیدن نهضت  
مقدس خویش تا چه حد مصمم و ثابت و پایدار است .

تا آنوقت هیچ کس به خود جرات  
نداد بود نسبت به شاه چنین  
بیانید شد ، در آن زمان روشنفکران  
فکرگشتن شاه را می کردند فقط  
خواستار تغییراتی در دل همان  
سیستم بودند . این ثبات شکستی  
در انقلاب مشروطه بی تاثیر نبود .  
البته باید گفت که " میرزا رضا " نیز  
معتقد به تغییر رژیم نبود .  
در محاکماتش یکی د و بار میگوید که  
انشاء الله " مظفرالدین شاه " بصردم  
خدمت کند و ظالم نباشد . باید قبول  
کنیم که این تفکر نسبت به سلطنت حد  
طبیعی - تاریخی زمان بود . یعنی  
مردم در آن زمان تصور حکومتی بغیر  
سلطنت را برای ایران نمی کردند .  
حتی مرحوم " سید جمال الدین " هم  
که خواهان تشکیل حکومت جهانی  
اسلام بود باز آن را تحت لگوی  
پادشاهان عثمانی می خواست .  
د - قتل ناصرالدین شاه و عملی  
ضد اجنبی  
روابط گسترده در باره قاجاریه  
اجانب و دادن امتیازهای گوناگون  
به غریب ها مورد نفرت و خشم مردم  
مسلمان ایران بود . به همین دلیل  
اعدام انقلابی " ناصرالدین شاه "  
خود یک عمل ضد اجنبی محسوب  
میشود .  
شهید " میرزا رضا " در چارچوبی  
از محاکماتش گفته است که چرا همه چیز  
این ملت را بدست خارجیها میدهند  
چرا این ملکت بدست خود  
ایرانیها آباد نشود .  
پس او رقی : جملاتی که از محاکمات  
میرزا رضا نقل شده همین جملات اد  
شده خود او نیست بلکه مضامین  
سخنان او آورد شد میرای مطالعه  
بیشتر می توانید به کتاب " تاریخ  
بیداری ایرانیان " جلد ۱ " نوشته  
ناظم الاسلام کرمانی " محاکمات  
میرزا رضا " مراجعه کنید .

بقیه از صفحه ۲۱

روز شماره مرداد

۱۳۶۱ هـ. ش  
۱۴۵۴ هـ. ق  
۱۹۸۲ م

# از اولین نماز جمعه تا نماز جمعه های خوب

"بسم خدای شهیدان" سومین سالگرد شروع نماز جمعه به امامت مرحوم آیت الله طالقانی فرارسید. نماز جمعه ها بعنوان یکی از نهاد های سازماندهی انقلاب بودند که دستور تشکیل آن از طرف امام خمینی داد شد. هدف از این تشکل عبادی - سیاسی این است که مستضعفین جامعه را که دارای یک مکتب و خط مشی واحد هستند جمع کرده و آنها را حول مسئله اصلی جامعه بسیج نماید. نقش اصلی این فریضه در این است که عمل صالح زمان بوسیله امامت جامعه در آن مطرح شده و از همانجا برای تحقق بخشیدن به آنها سازماندهی و بسیج میشوند.

شعار انقلاب، تدوام نهضت اسلامی تا ظهور حضرت مهدی است. حال برای اینکه بتوانیم خود و جامعه را آماده ظهور حضرت کنیم لازم است که قیامهای مستمر در انقلاب داشته باشیم که حرکت نماز جمعه ها نیز گامی است در این جهت و وظیفه آنها تشدید انگیزه مردم و سازماندهی آنها جهت تحقق عمل صالح انقلاب و همچنین افشای توطئه های امپریالیسم و صهیونیسم می باشد. چنانکه میدیدیم از همین مکانهای نیروهای زیادی به جبهه های جنگ اسلام علیه کفر اعزام میشدند و با کمکهای نقدی و جنسی که مردم از طریق این نماز جمعه ها به جبهه ها ارسال میداشتند.

رحمت امپریالیسم نیز از همین تشکلهاست، چنانکه یکی از اهداف

کودتای امریکایی نوژه نیز بمباران نماز جمعه ها بود. این نشاندهنده ترس و وحشتی است که امپریالیسم و ایادی داخلیش از این سازماندهی توده های امام دارند. شیطان بزرگ از آنجایی که در نماز جمعه ها رشد سریع جبهه حق راهی دید دست بسم ترول امام جمعه ها زد و شهیدانی چون آیت الله شهید مدنی، شهید دستغیب، شهید صدوقی، این شهید ای محراب را در رابطه با نماز جمعه ها شهید کردند. رجوی نیز که در ظاهر کودک تایی نوژه را امریکایی می خواند (۱) نتوانست این نهاد را از راه عمل خود در دنیا دور کند. امریکایی خود را نشان داد و عملاً در همان خطی که کودک تایی نوژه داشت قرار گرفت.

اینک برای اینکه ایادی باشد از مرحوم آیت الله طالقانی و نقش عظیمی که ایشان در اولین نماز جمعه های انقلاب داشتند برگزیده های از سخنان ایشان رامی آوریم:

نماز جمعه چهارم - ۵۸/۵/۲۶

مسئله بیت المقدس مسئله ای نیست که تنها مربوط به مسلمانان و مسیحیان باشد. مسئله بیت المقدس مسئله انسان آزاد نیست مسئله همه ادیان الهی است. همه مردم دنیا برای نجات بیت المقدس و حایمان و نگهدارندگان آن که فلسطینی ها باشند، باید قیام کنند. همه باید صدای یک فریاد بزرگ مشت و پا باید این مرکز توحید را که تبدیل به مرکز شرک شده

است. بآن کنند... ملت های مسلمان باید خودشان راه بیفتند. همه چیز آماده روزی برسد که همه حرکت کنیم بطرف بیت المقدس. ما هم باید آماده باشیم. از دستستان، دبیرستان و دانشگاه باید بچه های خرد سن سال ما، زنها و مرد های ما، پسر و جوان ما، آماده دفاع باشند. دفاع از بیت المقدس، دفاع از حرم خداست و بر همه واجب است. من پیشنهاد می کنم در مدارس، روستاها و کارخانه ها روزهای معینی اشخاص وارد بچه ها و جوانان و زنهای ماراتورسین نظای بد هند و در تمام کشورهای اسلامی به این صورت باشد.

نماز جمعه پنجم - ۵۸/۶/۱۶

بابطعایی است بین انسان و خدای خود ولی در اینگونه عبادات، جهاد، کوشش، بمیدان جنگ، رفتن، بادشمن مقابله کردن، هجرت نمودن همه فی سبیل الله که ملاحظه می کنید که سبیل خدا همین راه نجات مردم است. هر ملت کسی اگر مست شد، اگر ترسید که دستهای او خواهد بدید اگر ترسید که تحمیلات و بندها می خواهد بدید شهیدان در وجدانهای یک مردم چه سره نشان میدهند و نجات میدهند از جا بروی انگیزند.

"والسلام"

پاورقی (۱): رجوع شود به جزوه جنبش ملی مجاهدین و کودک صفحه I

تاریخ	روز	شماره	موضوع
۲۷	شنبه	۵	شهادت برادر مجاهد علی اکبر توکل در جبهه سویدانی سورنگر (۱۳۶۰)
۲۸	چهارشنبه	۶	۲ - برگزاری اولین نماز جمعه به امامت آیت الله طالقانی (۱۳۵۸)
Aug ۱۵	پنجشنبه	۱۴	۳ - جشن مشروطیت (۱۲۸۵)، شهادت مجاهد سعید صفار (۱۳۵۱)
۶	جمعه	۱۵	۴ - شهادت سید جمال الدین اسدآبادی (۱۳۱۴)، بمباران اتمی بمبوشیما
۹	دوشنبه	۱۸	۵ - شهادت میرزا رضا کرمانی به دست مزدوران ناصرالدین شاه معدوم (۱۲۷۵)، بمباران ناکازاکای توسط آمریکا (۱۹۴۵)
۱۲	پنجشنبه	۲۱	۶ - سقوط تل زعفرین از ۵۲ روز مقاومت سرسختانه هزاران زن و کودک فلسطینی و لبنانی بوسیله صهیونیستها (۱۹۷۶)، شهادت مجاهد علیرضا بهشتی زاده (۱۳۵۱)
۱۵	یکشنبه	۲۴	۷ - رحلت حضرت امام جعفر صادق (ع)
۱۶	دوشنبه	۲۵	۸ - کودتای نافرجام شاه و شهادت مجاهد فاطمه امینی پس از پنج ماهونیم شکنجه آریامهری (۱۳۵۴)
۱۷	سه شنبه	۲۶	۹ - استقلال اندونزی و پیروزی به رهبری احمد سوکارنو
۱۹	پنجشنبه	۲۸	۱۰ - کودتای نتکنین امریکایی شاه بر علیه حکومت ملی
۲۰	جمعه	۲۹	۱۱ - به آتش کشیدن سینمارکس توسط مزدوران شاه (۱۳۵۷)

## آزمیران رضا کرمانی تا انقلاب اسلامی ایران

۲۵ مرداد، سالگرد شهادت میرزا رضا کرمانی را گرامی میداریم

بسم الله الرحمن الرحيم

مسلمانی این چند سطر نمی تواند بدین ما را نسبت به شهید "میرزا رضا" پاسخ گوید. امیدواریم خوانندگان این مطلب را بعنوان اولین گام تلقی کنند و بدانند که انقلاب اسلامی سره خون شهدای بسیاری است و "میرزا رضا" یکی از این شهداست.

"میرزا رضا کرمانی" - مردی برخاسته از میان مردم محروم کرمان بود. طلبه ای بود که بعلم ویزگی با رزق و ظلم و آزادی گشود و غم در بار ناسد ناصرالدین شاه قرار گرفت و به دفعات زندانی و شکنجه و آزار شد حتی یکبار زیر فشار بازجویی و شکنجه عوامل کامران میرزا پسر ناصرالدین شاه تصد خود کشتی کرد.

وی از شاگردان "سید جمال اسد آبادی" بود. آخرین باری که از زندان ناصرالدین شاه بی آزاد شد به استانبول نزد "سید جمال ارتق و شرح ماجرای خود را با وی گفت. محاکماتش میگوید در جواب او گفتند که به جای اینهمه شیون چرا ظالم را نکشتی؟ "میرزا رضا" در مراجعت با ایران طیانجه ای تهیه می کند و به تهران می آید و پس از مدتی در حضرت عبدالعظیم نیمه مخفی زندگی می کند و روزی که شاه ظاهراً "به قصد زیارت به بحر میاید در یک فرصت مناسب او را هدف گلوله قرار میدهد و بی تردکی سراسر بقیه در صفحه ۲۶

## استقلال اندونزی

دستی از احمد سوکارنو

بمناسبت ۲۶ مرداد سالگرد استقلال اندونزی

مرحوم دکتر احمد سوکارنو، رهبر استقلال اندونزی، اعتقاد داشت که سازمان دول متحد شده و پیشنهاد کرد که سازمان ملل واقعی از کشورهای جهان سوم و ملل محروم و زیر سلطه تشکیل شود.

امروز در سیاهه اسامی اعضای سازمان ملل به اسامی کشورهای نظیر اسرائیل بری خوریم با قبول حق و تروی قدرت جهانی عملاً سازمان ملل تبدیل به عرصه اعمال نظر "قانونی" شرق و غرب در امور ملت های جهان شده است. ماهیت سازمان ملل قطعنامه ها است. آن رای توان در سکوت ها و گسهای صحنه گذاشتن - هایش بر سر کوبگری اسرائیل، عراق و رضایت ضمنی از فاشیسم حاکم بر کشورهای ارتجاعی جهان دریافت. بهترین افراد سازمان ملل کسانی همچون "اولانفالوم" هستند که به بهانه ریش سفیدی تجاوز هراتی به ایران را محکم نکسرد و سرانجام گفت میسایباید حاکمیت د و کشور تعدیل شود و با سازمان ملل "یعنی ابرقدرتها دخالت نظامی کنند. همه اینها مردم ستمدید جهان را کم به جمع بندی "مرحوم سوکارنو" در مورد انحراف سازمان ملل از رسالت اعلام شده اش می رساند که اینک ملت مسلمان ایران دیدند که چگونه شرق و غرب بر سر تصویب قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل در مورد جنگ ایران و عراق به تفاهم رسیدند.

شعار سازمان ملل واقعی بر علیه امپریالیست ها که "مرحوم سوکارنو" مطرح کرد، در حقیقت شکل ابتدایی از همان شعار "جبهه جهانی مستضعفین علیه مستکبرین" است که امام مطرح نمودند.

بیانیم یاد "سوکارنو" را گرامی داریم و بدانیم که کودتای امریکایی "سوهارتسو" در واقع کودتایی بود علیه این گستاخی دکتر سوکارنو که چنین جراتی را در آن شرایط بدل را داد.

والسلام

## دعای عارفان صحنه

الهی ... بسم الله الرحمن الرحیم  
**وَمَنْ أَسْأَلُكَ الْوُضُوءَ إِلَيْكَ وَبِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ فَاهْرَبْ بِنُورِكَ إِلَيْكَ**

ترجمه: بارالها، راه رسیدن به تو را از خودت می طلبم و به تسو بر وجود خود استدل می کنم پس مرا به نور هدایت بسوی خود راهنمایی کن.

شرح دعا: این دعا دعای عارفین در صحنه است. دعای امام حسین (ع) در روز عرفه است که عزائم مدرسه حق و شهادت یعنی محراب کربلا بودند.

این دعا دعای عارفانی است که عرفان را نه فقط در بستن نشینی می بینند و نه در مبارزه صرف بلکه اسلام را همه عملشان بوده و عملشان عین دعا و طلب است.

دعای عارفین در صحنه است که راه وصول به هدف (خدا) را از خود هدفتند ای طلبند و تابع قانون شارلاتانی هدف و سینه را توجیه میکند "نیشوند و برادی" سیاست جدا از دین نمی آفتند.

دعای مجاهدان و عاشقانی است که از نزدیکترین راه مستقیم ترین راه به خدا می رسند و خدا را مبنای استدلال خود قرار می دهند. (روش انبیا، برهان حدیثین)

دعای صدیقی است که استدلال را در منطق های قطری بشری ندیده بلکه استدلال را طلب دلیل و نور و هدایت میداند و در ضمن استدلال به وجود حق تعالی و رشد و تعالی هم می یابند و به خدا نزدیکتر میگردند.

## بیاد خواهر مجاهد شهید فاطمه امینی



بنام خدای شهیدان  
 ۲۵ مرداد سالروز شهادت خواهر مجاهد شهید فاطمه امینی الگوی استقامت و مظهر مقاومت در زیر شکنجه های درخیم پهلوی است.

مجاهد شهید فاطمه امینی در اسفند ۵۳ بدست مزدوران ساواک دستگیر شد و پس از ۵ ماه مقاومت در لیرانه عاقبت با تسمی مجروح و سوخته و خسته از جور و ستم و زلالت وی شری در منشستان آریامهری و باروی سرشار از عشق و امید به پیروزی خلق مستضعف و تحقق جامعه عدل به فیض شهادت نایل گشت.

او در طی مقاومت خود نشان داد که شیر زنان شیعه که انگوشان فاطمه زهرا (ع) و زینب کبری (ع) است در هیچ شرایطی تن به سازش نمی دهند.

دشمن زبون پس از آنکه خواهر فاطمه را در اوج مقاومت دید پستی وی شری را به اوج رساند و کتیف ترین و شنیع ترین اعمال را به او روا داشت و اینجارج فساد و انفسول رژیم پهلوی بود.

آنجا که دشمن از فرط کینه و نفرت به زنان و مردان راه خدا احساس حقارت و ذلت میکند تجاوز به خواهران و زینبهای زمان را پیشه کرده تا از این طریق دشمنی خود را با مستضعفین ابراز کند.

نمونه های این جنایتها را در جنگ اسلام و کفر از طرف مزدوران صدام بسیار دیده ایم و این شیوه جنایتکاران است. درست از همین جاست که کلمه خدا جاری میشود.

وقتی در اوج فساد دشمن از طریق این اعمال فجیع جلورش و گسترش مستضعفین را میگیرد اراده خنایند

برکن قرار میگیرد که باطل زائل شده و ساقط گردد.

آری بخون این شهید مجاهد فاطمه امینی و بسیاری از خواهرهای دیگر و مقاومتها و رشادتهایی که زمینه های برچیدن بساط تنگین غارت و ستم رژیم پهلوی را آماده نموده و قیامگران مسلم را آنها را تادیه اند و بساط ستم شاهی را برچیدند.

یادش گرامی و راهش مستدام باد.

در شماره آینده به شرح ویژگیها و زندگی این مجاهد شهید خواهیم پرداخت.

راه مجاهد

## اطلاعیه نهضت مجاهدین خلق ایران در سوگ سومین شهید محراب آیت الله صده قی

بنام الله سرور و دهنده شهدا  
 ما نهضت مجاهدین خلق ایران شهادت آیت الله صدوقی را به امامت و کلیه مسلمین جهان و خانواده ایشان تبریک و تسلیت میگوئیم.

اتهامات ایشان از نظر توروسست - های امریکایی در واقع افتخارات ایشان به شرح زیر است:

الف - وفاداری به امام است.  
 ب - تأیید آیت الله منتظری به عنوان ذیصلاح ترین قیقه و ادامه دهنده خط امام.

ج - بسیج مستضعفین بسوی جبهه های جنگ اسلام و کفر کب - دیویدی و همچنین تأیید ایشان از عملیات فتح المبین با حضورشان در جبهه.

د - بیوند ایشان با مستضعفین زلزله زده و مستضعفین دهقان در تأیید "بندج".

ه - تلگرافی شهید در جریان انقلاب به یکی از مراجع نجف و اعتراض به پذیرش فرج "زن شاه که بکسک شورش مردم ایران را در غیمانه

وی گشتند.  
 رجوی ساتور و انقلابیون وفادار به امام می خواهد راه را برای ورود روحانیت غیر خط امام و غیر مکتبی بگشاید تا از طریق تعدیل حاکمیت در طی زمان رژیم حاکم شود.  
 این مورد لان از جوهر انقلاب اسلامو بی خبرند.

نهضت مجاهدین خلق ایران  
 ۱۳۶۱/۴/۱۲

## سرود شهیدان فلسطینی

الشعب آمن بالحیراب  
 یدهم سبوی التراب  
 اقصی براك نسی دمی  
 واكتب وصایا من نسی  
 اكتب الى كل الریح  
 یا اخوتی یا اخوتی یا اخوتی  
 أنا قد كتبت وصیتی  
 هذه رسالتی جیلنا  
 انتم نهائیت لیلنا  
 انتم علامت فجرنا  
 أنا قد صیبت ناکلوا  
 فتحمّلوا وتحملوا تحمّلوا

ترجمه:  
 تود ماهه جنگ ایمان آوردند  
 به دلیل خونکه بر زمین ریخته شد  
 و که این خونها خودشان دلیل ایمان به جنگ است.

## قدس را با مسلسل های متکی به ایمان و قدرت اسلام باید آزاد کرد

امام خمینی

لا اله الا الله  
 محمد رسول الله

در راه خدا پیش قدمی  
 نهضت مجاهدین خلق ایران  
 زیر نظر شورای نویسندگان  
 صاحب امتیاز و مدیر مسئول:  
 مهندس لطف الله میثمی  
 صندوق پستی: ۷۱/۵۴۴

این نهمین شماره راه مجاهدات که با اهداف مذکور در آئین نامه منتشر شده است.  
 کلیه انتقادات و پیشنهادات و طرحهای خود را در جهت بهتر شدن کیفیت نشریه، هر چه سریعتر در اختیار ما قرار دهید.  
 یا تشکر، راه مجاهد

پروانه رسمی انتشار راه مجاهد

جمهوری اسلامی ایران  
 وزارت شاه اسلامی  
 اداره کل مطبوعات و نشریات

آقای لطف الله میثمی  
 رئیس اداره مطبوعات و نشریات  
 شماره: ۱۳۵۸.۵.۲۰  
 تاریخ: ۲۵/۳/۶۱  
 شماره: ۲۵۵۲  
 تاریخ: ۲۵/۳/۶۱  
 شماره: ۱۳۶۱/۴/۱۲  
 تاریخ: ۲۵/۳/۶۱